



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



آب و باران

(از دیدگاه قرآن و تمدنهای بزرگ جهان)

گروه نخستین

زیست‌شناسان، مسمی‌شناسان، طبیبان، زمین‌شناسان

ارغوان‌شناسان، زمین‌شناسان، فیزیکدانان

با نظارت: دکتر محمد بیستونی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آب و باران از دیدگاه قرآن و تمدن های بزرگ جهان

نویسنده:

محمد بیستونی

ناشر چاپی:

بیان جوان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۹	آب و باران از دیدگاه قرآن و تمدن های بزرگ جهان
۹	مشخصات کتاب
۱۰	اشاره
۱۳	مقدمه
۱۳	الأهداء
۱۴	متن تأییدیه حضرت آیت الله خزعلی مفتر و حافظ کل قرآن کریم
۱۶	مقدمه ناظر و ناشر
۱۸	خلقت آب، ویژگی ها، منابع
۱۸	آب نخستین مخلوق
۲۲	آب چیست؟ (۱)
۲۴	ویژگی های آب
۳۰	آب شور و شیرین
۳۲	ترکیب آب
۳۳	آب در طبیعت
۳۷	استفاده از آب
۴۰	بهره برداری از منابع آب
۴۳	باران مایه اصلی تولید آب است
۴۷	برکات آب
۴۷	آب و پاکیزگی
۵۰	برکات آب
۵۳	تطهیر با آب وضو کشنده میکروب و ضد عفونی قوی
۵۵	نقش آب در فعالیت های ورزشی
۵۹	عمل آب در بدن

۶۲	توجه ویژه قرآن به «آب»
۶۲	اشاره
۷۲	تفسیر آیه وَ جَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ
۷۵	آیه تیمم در قرآن
۷۷	مفاهیم آب در قرآن
۸۴	ماء معین زمین
۸۸	آب شناسی در بهشت
۹۳	آب شناسی در جهنم
۹۳	ماء حمیم (آب حمیم)
۱۰۰	ماء صدید
۱۰۱	آب و جهنمی ها
۱۰۱	آب و بهشتی ها
۱۰۲	تمثیل و تشبیه و ضرب المثلی از آب در قرآن
۱۰۵	پرسش های قرآن که در آنها از آب نام برده است
۱۰۷	طلب آب و باران
۱۰۷	ادعیه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در طلب باران و ذکر پس از باران
۱۰۸	دعاهای پس از باران
۱۰۹	اهمیت آب از منظر پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و علی بن ابیطالب علیه السلام
۱۱۰	جوشاندن آب مطابق حدیث نبوی
۱۱۲	دعا برای آب
۱۱۳	دعای حضرت موسی در طلب باران
۱۱۴	درس خداشناسی
۱۱۵	مستحبات و مکروهات آشامیدن آب
۱۱۶	تمثیل های قرآنی در مورد آب
۱۱۹	دعایی از امام سجاد و نکته ای از امام حسین علیهم السلام در مورد آب
۱۲۲	تأثیر آب در ایجاد تمدن های بزرگ

- ۱۲۲ اشاره
- ۱۳۷ آب و کوه در نجد، پیش از ورود آریایی ها
- ۱۴۵ تقدس آب در آئین هند و ایران
- ۱۴۶ روح آب در هند
- ۱۴۸ نماد آب در تایلند
- ۱۵۰ آب در فیلیپین
- ۱۵۱ آب در بنگلادش
- ۱۵۲ آب در اندونزی
- ۱۵۲ آب در سری لانکا
- ۱۵۴ مثل های آب از مالزی و کره
- ۱۵۴ جشن و مراسم آب پاشی (آبریزگان)
- ۱۵۷ سنت آب پاشیدن پشت مسافر
- ۱۶۰ جشن آب پاشان در پاکستان و هند
- ۱۶۲ ضرب المثل های آبی
- ۱۶۴ آب گونه ها در متون کهن فارسی
- ۱۶۵ اعتقاد ایرانیان قدیم به آب نر و ماده
- ۱۶۷ آب دزدی در قدیم
- ۱۷۲ مطالبی از بزرگان علم درباره فنون آب و آبیاری و سازه های آبی
- ۱۷۲ ارشمیدس
- ۱۷۶ ۲ ابو زید انصاری
- ۱۷۷ ۳ طاهر آب شناس
- ۱۸۱ آب همواره پاکیزه است
- ۱۸۲ پوسته آب
- ۱۸۲ شناور شدن و فرورفتن اجسام در آب
- ۱۸۳ آب از چه چیزهایی دور می شود
- ۱۸۴ خواص ویژه آب

- نگاهی اجمالی به آیات مربوط به آب و باران در قرآن کریم ۱۸۶
- این آب و آتش از کیست؟ ۱۹۵
- نقش باد و باران ۱۹۹
- منظور از این دو دریا چیست؟ ۲۰۲
- گلف استریم و رودهای عظیم دریایی ۲۰۳
- دیدگاه تفسیر مجمع البیان طَبْرَسی درباره آیات مربوط به آب و باران ۲۰۹
- ذخایر آب ۲۱۲
- حق و باطل در قالب دو مثال زیبا و روشنگر ۲۱۵
- فهرست منابع ۲۱۸
- درباره مرکز ۲۳۴

آب و باران از دیدگاه قرآن و تمدن های بزرگ جهان

مشخصات کتاب

سرشناسه: بیستونی، محمد، ۱۳۳۷ -

عنوان و نام پدیدآور: آب و باران از دیدگاه قرآن و تمدن های بزرگ جهان = Water and rain in view of holly
ouran and great.../ با نظارت محمد بیستونی؛ گروه تحقیق زینت السادات طباطبایی، سمیراسادات طباطبایی، ارغوان
سادات سمنگانی فرد.

مشخصات نشر: قم: بیان جوان، ۱۳۸۶.

مشخصات ظاهری: [۲۲۰] ص؛ ۱۱ X ۱۷ س م.

شابک: ۱۵۰۰۰ ریال: ۹۶۴-۸۳۹۹-۷۲-۷؛ ۱۵۰۰۰ ریال (چاپ اول)

وضعیت فهرست نویسی: فاپا(چاپ دوم)

یادداشت: چاپ اول: ۱۳۸۵.

یادداشت: چاپ دوم.

یادداشت: کتابنامه: ص. [۲۰۹-۲۱۱]؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع: آب در قرآن

موضوع: باران و بارندگی -- جنبه های قرآنی

موضوع: آب شناسی

شناسه افزوده: طباطبایی، زینت السادات، ۱۳۴۸ -

شناسه افزوده: طباطبایی، سمیراسادات

شناسه افزوده: سمنگانی فرد، ارغوان سادات

رده بندی کنگره: ۱۰۴/BP۲/ب ۱۳۸۶ ۹

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۱۵۹

شماره کتابشناسی ملی : م ۸۵-۷۰۶۲

ص: ۱

اشاره

إِلَى سَيِّدِنَا وَنَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ

رَسُولِ اللَّهِ وَخَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَ إِلَى مَوْلَانَا وَ مَوْلَى الْمُرْسَلِينَ عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ إِلَى بَضْعَةِ الْمُضِيَّطْفَى وَ بِهِجِهِ قَلْبِهِ سَيِّدِهِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَ إِلَى سَيِّدَيْ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، السَّبْطَيْنِ، الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ إِلَى الْأَيْمَةِ التَّشَعُّهِ الْمَعْصُومِينَ الْمَكْرَمِينَ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ لَا سَيِّمًا بَقِيَّتِهِ اللَّهُ فِي الْأَرْضِينَ وَ وَارِثِ عُلُومِ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِينَ، الْمَعْدِّ لِقَطْعِ دَابِرِ الظُّلْمَةِ وَ الْمُدَّخِرِ لِأَحْيَاءِ الْفَرَائِضِ وَ مَعَالِمِ الدِّينِ، الْحُجَّهِ بْنِ الْحَسَنِ صَاحِبِ الْعَصِيرِ وَ الزَّمَانِ عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ فَيَا مُعَزَّ الْأَوْلِيَاءِ وَ يَا مُبْدِلَ الْأَعْيَادِ أَيُّهَا السَّبَبُ الْمُتَّصِلُ بَيْنَ الْأَرْضِ وَ السَّمَاءِ قَدْ مَسَّنَا وَ أَهْلَنَا الضَّرَّ فِي غَيْبَتِكَ وَ فِرَاقِكَ وَ جِنْنَا بِبِضَاعِهِ مُرْجَاهِ مِنْ وِلَائِكَ وَ مَحَبَّتِكَ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ مِنْ مَنِّكَ وَ فَضْلِكَ وَ تَصَدَّقْ عَلَيْنَا بِنَظَرِهِ رَحْمَةً مِنْكَ إِنَّا نَرِيكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ

بسم الله الرحمن الرحيم

هر زمانی را زبانی است یعنی در بستر زمان خواسته هایی نو پدید می آید که مردم آن دوران خواهان آنند. با وسایل صنعتی و رسانه های بی سابقه خواسته ها مضاعف می شود و امروز با اختلاف تمدن ها و اثرگذاری هر یک در دیگری آرمان های گوناگون و خواسته های متنوع ظهور می یابد بر متفکران دوران و افراد دلسوز خودساخته در برابر این هنجارها فرض است تا کمر خدمت را محکم ببندند و این خلأ را پر کنند همان گونه که علامه امینی با الغدیرش و علامه طباطبایی با المیزانش.

در این میان نسل جوان را باید دست گرفت و بر سر سفره این پژوهشگران نشانند و رشد داد. جناب آقای دکتر محمد بیستونی رئیس هیئت مدیره مؤسسه قرآنی تفسیر جوان به فضل الهی این کار را به عهده گرفته و آثار ارزشمند مفسران را با زبانی ساده و بیانی

ص: ۵

شیرین، پیراسته از تعقیدات در اختیار نسل جوان قرار داده علاوه بر این آنان را به نوشتن کتابی در موضوعی که منابع را در اختیارشان قرار داده دعوت می کند. از مؤسسه مذکور دیدار کوتاهی داشتیم، از کار و پشتکار و هدفمند بودن آثارشان اعجاب و تحسینم شعله ور شد، از خداوند منان افاضه بیشتر و توفیق افزونی برایشان خواستارم. به امید آنکه در مراحل غیر تفسیری هم از معارف اسلامی درهای وسیعی به رویشان گشاده شود.

آمین رب العالمین. ۲۱ ربیع الثانی ۱۴۲۵

۲۱ خرداد ۱۳۸۳

ابوالقاسم خزعلی

ص: ۶

مؤسسه قرآنی تفسیر جوان در راستای توسعه فرهنگ انسان ساز قرآن کریم، تأسیس شده و در طول مدت ۱۰ ساله فعالیت خود حدود یکصد اثر پژوهشی و تحقیقی را در موضوعات کاربردی قرآن کریم برای نوجوانان و جوانان عزیز، تحقیق، تألیف و منتشر نموده است. برای این منظور روش کار در کارگاهی تحت عنوان «کارگاه آموزشی روش تحقیق موضوعی از قرآن کریم» به علاقمندان در یک جلسه ۴ ساعته آموزش داده می شود و پس از آن با تأمین منابع مطالعاتی و تحقیقاتی مورد نیاز که اکثراً توسط همین مؤسسه تألیف و منتشر شده است، علاقه مندان را به انجام یک «پژوهش کاربردی قرآنی» ترغیب نموده و آثار آن ها را پس از بهینه سازی و تکمیل و تصحیح و ویراستاری، با درج نام گروه تحقیق، چاپ و منتشر می نماید.

اثری که هم اکنون در محضر آن هستیم، حاصل تلاش سه نفر از خواهران قرآن پژوه است که تحت عنوان «آب و باران از دیدگاه قرآن و تمدن های بزرگ جهان» تدوین و با حمایت این مؤسسه چاپ و منتشر شده است. امیدوارم جوانان عزیز خصوصا دانشجویان فرهیخته، در این اقدام خداپسندانه «مؤسسه قرآنی تفسیر جوان» مشارکت نموده و با تحقیق یک موضوع از قرآن متناسب با علاقه و رشته تحصیلی خود، سهمی را در معرفی زیبایی های اقیانوس بیکران قرآن کریم به خود اختصاص دهند.

دکتر محمد بیستونی

رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل مؤسسه قرآنی تفسیر جوان

ص: ۸

(۱)

آغاز آفرینش و نخستین آفریده یکی از مباحث مهم فلسفی، کلامی و دینی بوده که در مکاتب فلسفی و ادیان دیدگاههای گوناگونی راجع بدان مطرح شده است و حکما و فلاسفه و عرفا و علمای دینی در چگونگی آغاز آفرینش و اینکه خلقت با کدام مخلوق شروع شده اشارات و توضیحات مختلفی را ارائه کرده اند. در قرآن کریم به این موضوع تصریح نشده هرچند در برخی از آیات تفسیرها و برداشت های گوناگونی در این رابطه شده است.

ص: ۹

۱- دانشنامه آب و آبشناسی در فقه و روایات، ص ۴۸، کریمیان سردشتی.

آنچه در قرآن کریم بدان تصریح شده اینکه آب را منشأ و پیدایش همه موجودات زنده می داند:

«وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ: و هر موجود زنده ای را از آب آفریدیم.»^(۱) این تعبیر گرچه حاکی از تقدم خلقت آب بر هر موجود ذی حیات است، ولی پاسخگوی پرسش مخلوق نخستین نیست.

در روایت و احادیث از «نور» و «عقل» و «قلم» به عنوان نخستین مخلوق یادشده است در کنار این روایات چندین روایت نیز (ماء) یا آب را نخستین مخلوق دانسته است و سیاق عبارات چند روایت در منابع شیعی نیز همین مفهوم را افاده می کند. روایات مورد اشاره، آسمان ها و زمین و همه آفریده ها را پدید آمده از

ص: ۱۰

(ماء) آب می داند همچنانکه سه عنصر دیگر (آتش و باد و خاک) را نیز صورت هایی مختلف از همین ماء می شمارد. اما آفرینش برخی از مخلوقات مانند ملائک و عرش را به این ماء نسبت نمی دهد و چه بسا آفرینش آن ها را مقدم بر آفرینش ماء می داند.

آب نعمت بزرگ است. در ضرب المثل آمده که اگر به ماهی بگویند آب چیست؟ نمی داند. زیرا او همواره در آب غوطه ور بوده و توجه ندارد که آب، چه نعمتی است. ما انسان ها نیز تا غرق در نعمت ها هستیم، ممکن است به بزرگی آنها توجه نداشته باشیم. قرآن برای شناسایی نعمت ها، نبود آنها را فرض می کند. اگر آب نبود؟ اگر ابر نبود؟ اگر آب از زمین

نمی جوشید؟ (۱)

«وَاللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِنْ مَاءٍ... إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ: و خداوند همه حیوانات را از آب آفرید... همانا خداوند بر همه کارها تواناست.» (۲)

«وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا (۳)

عرش (حکومت) خداوند بر آب قرار داشت تا شما را بیازماید که کدام یک نیکوکارترید.» (۴)

ص: ۱۲

۱- سرچشمه حیات موجودات، آب، حمید علم الهدی، ص ۶، نشر هویزه / ۸۳.

۲- ۴۵ / نور.

۳- ۷ / هود.

آب چیست؟ (۱)

ماده ای است مرکب از ئیدروژن و اکسیژن که فرمول شیمیایی آن H_2O است. آب تنها ماده ای است که در طبیعت به هر سه حالت گاز و مایع و جامد وجود دارد و اغلب ناخالص است. آب خالص بی طعم، بی بو و شفاف است. مقدار کم آن بیرنگ، ولی مقدار زیاد آن آبی به نظر می رسد. آب خالص در سطح دریا در صفر درجه سانتیگراد یخ می زند و درصد درجه سانتیگراد می جوشد.

آب مایه اصلی زندگی است و انسان بیشتر از یک ماه هم می تواند بی غذا زنده بماند، اما اگر بیش از یک هفته آب به بدنش نرسد، خواهد مرد. حتی گیاهان و

۱. آب چیست؟ کتاب آب و آبشناسی (از قرآن کریم)، انتشارات گنجینه ملی آب ایران، سال ۸۳، ص ۲۲ ۲۹.

۲. کتاب آب و آبشناسی (از قرآن کریم)، انتشارات گنجینه ملی آب ایران، سال ۸۳، ص ۲۲ ۲۹

ص: ۱۳

جانورانی که در خشک‌ترین جاها زندگی می‌کنند، نیاز به مقدار معینی آب دارند.

آب همه جا هست. بیشتر از ۷۰٪ سطح زمین را آب اقیانوس‌ها، دریاها، دریاچه‌ها و رودخانه‌ها پوشانده است. آب در زیرزمین و در هوایی که تنفس می‌کنیم نیز وجود دارد. آب ۶۰ تا ۹۰ درصد وزن گیاه، جانور یا انسان را تشکیل می‌دهد.

بیشتر دانشمندان عقیده دارند که زندگی در آب آغاز شده است و نخستین موجودات زنده آبی بوده‌اند. در قرآن آمده است که همه چیز از آب زنده است. در روزگاران باستان نیز تالِس مَلَطی، فیلسوف یونانی (۱) عقیده داشت که آب اصل همه موجودات است. بعدها فیلسوفان دیگری، جهان را ساخته شده از چهار

ص: ۱۴

۱- قرن هفتم پیش از میلاد.

عنصر، یعنی آتش و هوا و آب و خاک، دانستند. به نظر باستان شناسان نخستین آبادی ها در نزدیکی رودها و دریاچه ها پدید آمده اند. بسیاری از جامعه شناسان عقیده دارند که نخستین تمدن های جهان در نزدیکی رودهایی چون سیحون و جیحون، سند، دجله و فرات و نیل در آسیا و شمال آفریقا به وجود آمده اند. گردآمدن گروه بسیاری از مردم در کنار تنها منبع آب در یک سرزمین، سبب با هم زیستن و پیدایش شهرنشینی و تمدن شده است.

ویژگی های آب

آب نه تنها فراوان ترین، بلکه غیر معمولی ترین ماده در روی زمین است. دارای ویژگی هایی است که بعضی از آنها از قانون های عمومی طبیعت پیروی نمی کنند. آب تنها ماده ای است که در شرایط عادی، یعنی فشار و دمای طبیعی، همزمان در هر سه حالت جامد، مایع و گاز می تواند وجود داشته باشد. در یک روز زمستانی

آب در سطح حوض یا استخر به حالت جامد، در زیر یخ به حالت مایع و در آسمان به حالت گاز یا بخار وجود دارد. مولکول های آب پیوسته در حرکتند. جامد بودن یا مایع بودن یا گاز بودن آب بستگی به سرعت این حرکت دارد. مولکول های آب در حالت جامد از هم دور و جدا هستند و تقریباً بی حرکتند. در حالت مایع تقریباً نزدیک به هم هستند و آزادانه حرکت می کنند. مولکول های آب در حالت گاز حرکتی تند دارند و به یکدیگر برخورد می کنند. یکی دیگر از ویژگی های غیر معمولی آب آن است که آب، برخلاف مواد دیگر، در هنگام منجمد شدن منبسط می شود و حجمش افزایش می یابد. قاعده عمومی این است که ماده، خواه گاز یا مایع یا جامد باشد، هرچه سردتر شود، منقبض می شود و حجمش کاهش می یابد. آب هم در دمای بالاتر از صفر درجه سانتیگراد (۴ درجه سلسیوس) از

این قاعده پیروی می کند، ولی هر چه دمای آن از ۴ درجه سلسیوس (۱) کمتر شود، منبسط می شود و حجمش افزایش می یابد. وقتی به حالت جامد، یعنی یخ درمی آید، بر حجم آن به اندازه ۱۱۱ حجم اصلی افزوده می شود. به سبب همین ویژگی است که در زمستان لوله های آب می ترکند و دیواره حوض ها و استخرها می شکنند، ولی اگر آب بر اثر یخ زدن منقبض نمی شد یخ بر روی آب شناور نمی ماند. یخها به ته آب می رفتند و کم کم دریاها و اقیانوس ها پر از یخ می شدند. آن وقت، زندگی در دریاها و اقیانوس ها نابود می شد. حتی شاید نخستین نشانه های زندگی، که گفته می شود در آب آغاز شده است، پدید نمی آمد. یک لیتر آب در دمای ۴ درجه سانتیگراد یک کیلوگرم جرم دارد. به بیان دیگر،

ص: ۱۷

۱- سلسیوس همان سانتیگراد است.

جرم حجمی آب در درجه سانتیگراد یک گرم در سانتیمتر مکعب است. دانشمندان برای تعیین جرم حجمی مواد دیگر جرم آنها را با جرم آب می‌سنجند. آب یکی از بهترین حلالهاست و تقریباً هر ماده‌ای را می‌تواند حل کند. آب روان سخت‌ترین سنگ‌ها را هم به تدریج حل می‌کند و مواد حل شده را به دریاها و اقیانوس‌ها می‌برد. آب مواد غذایی موردنیاز جانداران را نیز حل می‌کند. مواد غذایی موجود در خاک، پس از حل شدن در آب به سلول‌های گیاهان می‌رسند و سبب رشد آنها می‌شوند. غذاهایی هم که انسان یا جانوران می‌خورند، پس از حل شدن در آب جذب سلول‌های بدن آنها می‌شوند. آب، با اینکه بیشتر مواد را در خود حل می‌کند، خنثی باقی می‌ماند، یعنی موادی که در آب حل شده‌اند بر آن اثری ندارند. به سبب همین ویژگی است که جانداران می‌توانند آب موردنیاز خود را از هر نوع محلولی که دارای آب باشد به دست آورند. آب، پس از جیوه، دارای

بیشترین کشش سطحی است. کشش سطحی نیرویی است که بر سطح مایع وارد می آید و سبب می شود تا مساحت سطح آن مایع به حداقل برسد. کشش سطحی آب نتیجه به هم پیوستگی مولکول های آن از یک طرف و به هم پیوستگی مولکول های سطحی آب با مولکول های داخلی آب از طرف دیگر است. پیوستگی مولکول های آب به یکدیگر به قدری است که آب می تواند اجسام سنگین تر از خود را بر روی سطح خود نگاه دارد. به سبب همین ویژگی است که می توان سوزنی را به طور افقی روی آب شناور کرد و بعضی از حشره ها می توانند روی آب بایستند یا راه بروند.

این ویژگی را هنگام چکیدن آب از شیر آب نیز می توان دید، وقتی که قطره قطره فرو می ریزد، نخست هر قطره به شیر آب می چسبد و آویزان و سپس کشیده می شود و سرانجام به صورت کره بسیار کوچکی

کشش سطحی سبب چسبندگی هم می شود. همین ویژگی سبب می شود که آب به لبه شیر آب، به دست و بدن، به ظرف های گوناگون و به بسیاری از چیزهایی که با آنها تماس پیدا می کند، بچسبد و آنها را تر کند. البته میزان چسبندگی آب به همه مواد یکسان نیست. مثلاً آب به پارافین، نمی چسبد. به سبب همین ویژگی چسبندگی است که آب از دیواره های ظرف های باریک استوانه شکل بالا می رود و سطح آن گود به نظر می رسد. این پدیده ها را موینگی نامیده اند. موینگی، که در زیست شناسی اهمیت بسیار دارد، از عواملی است که سبب می شود آب موجود در خاک، به صورت مایعی زندگی بخش، از راه ریشه و ساقه به قسمت های گوناگون گیاه برسد.

آب ماده شگفت انگیزی است. گاهی چنان با املاح و مواد معدنی مخلوط می شود که هرگز برای آشامیدن مناسب نیست و برای درمان بیماری ها، استفاده می شود و گاهی چنان شیرین و گوارا است که هر لیتر از آن ارزشمند است. برخی چشمه ها از دل کوه می جوشد و همچون آب دریا شور است و برخی رودخانه های آب شیرین تا صدها کیلومتر در دریا به پیش می رود و با آب شور دریا مخلوط نمی شود. از برخی چشمه ها آب گرمی می جوشد که گویا در دیگ های روی آتش بوده است و برخی چشمه ها با گازهایی طبیعی مخلوط استو بیماری های پوستی را درمان می کند. قرآن کریم به آب های شور و شیرین

ص: ۲۱

اشاره کرده و ما را به اندیشه در حکمت های الهی دعوت می کند. برخی از آیات چنین است:

«وَهُوَ الَّذِي مَرَجَ الْبُحْرَيْنِ هَذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ وَ هَذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ وَ جَعَلَ بَيْنَهُمَا بَرْزَخاً وَ حِجْراً مَحْجُوراً: او کسی است که دو دریا را در کنار هم قرار داد یکی گوارا و شیرین و دیگری شور و تلخ و در میان آنها فاصله ای قرار داد تا با هم مخلوط نشوند».(۱)

«وَ مَا يَسْتَوِي الْبُحْرَانِ هَذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ سَائِغٌ شَرَابُهُ وَ هَذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ... دو دریا یکسان نیستند. یکی دریایی است که آبش گوارا و شیرین و نوشیدن آن گوارا است و آن یکی شور و تلخ و گلوگیر».(۲)

ص: ۲۲

۱- ۵۳ / فرقان.

۲- ۱۲ / فاطر.

آب نیز، مانند مواد دیگر، از ذرات بسیار کوچکی به نام ملکول تشکیل شده است. در هر قطره آب میلیون ها ملکول وجود دارد هر ملکول آب ترکیبی از دو اتم ئیدروژن و یک اتم اکسیژن می باشد. حتی در خالص ترین آب، مواد دیگری نیز وجود دارند، اما تنها این مواد بخش کوچکی از آب را تشکیل می دهند. آب، هنگامی که از روی زمین یا از درون لایه های زمین می گذرد، مواد شیمیایی موجود در مسیر خود را به نسبت های متفاوت حل می کند و به همراه می برد. به همین سبب، در آب رودها مواد شیمیایی گوناگونی وجود دارند.

این مواد ممکن است کلسیم، باریوم، مس، کروم و مانند آن یا سولفات ها و نترات ها و فسفات ها و ترکیب های دیگری از آهن، سرب، نقره و سدیم و مواد دیگر باشند. بعضی از مواد شیمیایی حل شده در آب بر اثر تغییر فشار و دما

رسوب می کنند. یکی از مهم ترین این مواد کلسیم است که در جدار لوله های آب آب یا سماور یا کتری رسوب می کند. استالاکتیت و استالاکمیت، که در سقف ها و دیواره ها و کف غارهای آهکی دیده می شود، نمونه هایی از رسوب ترکیب های کلسیم هستند که پس از قرن ها پدید آمده اند. گذشته از مواد معدنی، در آب مواد و جاندارانی مانند میکروبها، ویروس ها، قارچ ها و جلبک ها نیز وجود دارند.

آب در طبیعت

آب های زمین پیوسته در گردشند. گرمای خورشید آب های روی زمین را بخار می کند. بخار آب در هوا بالا می رود و به صورت برف و باران و تگرگ و مانند آنها به زمین بازمی گردد. بیشتر برف و باران و تگرگ مستقیماً به اقیانوس ها می بارد. آنچه بر خشکی می بارد، نیز سرانجام به دریاها و اقیانوس ها برمی گردد. این گردش، که پیوسته ادامه دارد، چرخه آب نامیده می شود. چرخه

آب در طبیعت سبب شده است که آب موجود در کره زمین هرگز از میان نرود و میزان آن ثابت بماند. آب فقط از حالتی به حالت دیگر درمی آید، یا از جایی به جای دیگر می رود. بیشتر پستی ها و بلندی های کره زمین را آب به حالت مایع یا جامد پوشانیده است. در لابه لای طبقه های گوناگون زمین نیز آب به صورت سفره های آب زیرزمینی یا به صورت رطوبت خاک وجود دارد.

آب های سطح زمین و آب های زیرزمینی و حتی بخار آب موجود در هوا لایه ناپیوسته ای تشکیل داده که آن را آبکُره می نامند. قسمت بیشتر آبکُره را اقیانوس ها تشکیل می دهند.

اقیانوس ها در حدود ۷۰ درصد سطح زمین را پوشانده اند. گذشته از آب های آبکُره، بر اثر سرد شدن توده های مذاب درون زمین گازهایی پدید می آیند که به پوسته جامد زمین می رسند. این گازها مقداری بخار آب به همراه دارند که پس از

سرد شدن بخشی از آب های زیرزمینی را تشکیل می دهند و آب های جوان نامیده می شوند. قسمتی از آب های جوان از لابه لای طبقه های پوسته زمین می گذرد و به صورت چشمه های آب گرم معدنی به سطح زمین می رسد و به چرخه آب می پیوندد. قسمتی دیگر از این آب ها ممکن است همیشه در لابلای طبقه های زمین بمانند ولی گاهی ممکن است بر اثر حفاری های عمیق، مانند حفاری چاه نفت، به سطح زمین راه یابد.

آب دریاها و اقیانوس ها و بعضی از دریاچه ها، که میزان نمک های محلول در آنها به طور متوسط ۵/۳ درصد است، آب شور نامیده می شود. این آب ها در حدود ۹۷ درصد آبگرم را تشکیل می دهند. بقیه آبگرم را یخ های قطبی و یخچال های طبیعی، آب های زیرزمینی، آب بعضی از دریاچه ها، رودخانه، رطوبت خاک و رطوبت هوا تشکیل می دهند. این آب ها را آب شیرین می نامند.

آب خالص به ندرت در طبیعت وجود دارد. آب رودها و چشمه ها و حتی آب باران همیشه ناخالص است. این آب ها ممکن است کدر و دارای طعم و بو باشند و گاهی باکتری های بی زیان یا زیان آور نیز در آنها وجود داشته باشد. از این رو، آب آشامیدنی را تصفیه می کنند. برای تصفیه آب آشامیدنی به ترتیب سه کار انجام می دهند: ته نشین کردن مواد اضافی، صاف کردن و گندزدایی.

نخست با افزودن بعضی از مواد، مانند سولفات آلومینیم به آب، مواد اضافی و بیشتر باکتری های آن را ته نشین می کنند. بعد، این آب را از طبقه های ماسه نرم عبور می دهند تا صاف شود. سپس موادی مانند کلر به آب می افزایند تا باکتری ها و میکروب های آن کشته شوند. گاهی با گذراندن هوا از آب طعم و بوی آب آشامیدنی را از میان می برند. همچنین به بعضی از آب های آشامیدنی موادی مانند فلوئور، اضافه می کنند تا از فاسد شدن دندان ها جلوگیری کند.

آب پیوسته سطح زمین را می ساید و مواد جدا شده را از جایی به جای دیگر

می برد و در نتیجه چهره زمین را تغییر می دهد. باران زمین را می شوید، سنگ های کوهستان ها را به تدریج می فرساید و موادی را که بر اثر فرسایش کنده شده اند به دریا می برد. یخچال های طبیعی می لغزند و در دامنه های کوهستان ها شیار به وجود می آورند و به تدریج سنگ ها را خرد می کنند و کوه ها را از هم می پاشند. موج های دریاها و اقیانوس ها نیز، پس از برخورد با ساحل، سنگ ها را می تراشند و زمین را می ساینند و با خود می برند. به این ترتیب، آب پیوسته چهره زمین را تغییر می دهد.

استفاده از آب

گیاهان و جانوران برای رشد و ادامه زندگی به آب نیاز دارند. گیاهانی که به طور دائم کشت می شوند آب مورد نیاز خود را از باران به دست می آورند، اما گیاهان دیگر باید به اندازه لازم و در وقت مناسب آبیاری شوند. انسان، گذشته از آبی که برای آشامیدن مصرف می کند، برای نظافت، آشپزی، کشاورزی، کارهای

صنعتی و تولید انرژی الکتریکی و مانند آنها نیز به آب نیاز دارد. مقدار آب مورد نیاز یک نفر در روز به بزرگی و کوچکی شهرها و روستاها بستگی دارد و به طور متوسط هر نفر در روز در حدود ۲۰۰ لیتر آب مصرف می کند که شامل آب آشامیدنی، شستشو و آبیاری چمن و باغچه ها نیز می شود. در کشورهای پیشرفته، در شهرهای بزرگ، هر نفر در روز در حدود ۸۰۰ لیتر و در روستاهای کوچک در حدود ۱۸۰ لیتر آب مصرف می کند. در طراحی برنامه های آبرسانی، مصرف آب روزانه یک نفر در تهران ۲۵۰ لیتر و در روستاها دست کم ۱۰۰ لیتر در نظر گرفته شده است. انسان های نخستین از آب برای آشامیدن و شستشو و کشاورزی استفاده می کردند، پس از آن انسان به این فکر افتاد که با ساختن قایق از آب رودها و دریاچه ها برای رفت و آمد و بردن بار نیز استفاده کند. حتی امروز هم انسان برای بردن بارهای سنگین، مانند نفت و زغال سنگ و کالاهای دیگر، به

راه های آبی نیاز دارد. انسان، در پایان قرن هیجدهم میلادی، ماشین های آبی پیچیده ای اختراع کرد که کارهایی مانند ریسندگی و بافندگی انجام می داد. در همان زمان زغال سنگ را برای گرم کردن آب و تبدیل آن به بخار به کار برد و از بخار به دست آمده برای تبدیل انرژی حرارتی به انرژی مکانیکی یا الکتریکی استفاده کرد. در پایان قرن نوزدهم انسان توانست انرژی الکتریکی را مستقیماً از نیروی آب به دست آورد و برای تولید هر نوع محصول در صنعت و کشاورزی و تولید برق از آن استفاده کند. به طور مثال، در ایران برای ساختن یک اتمییل سواری در حدود ۹۵۰۰۰ لیتر آب، برای تولید یک تُن کاغذ در حدود ۰۰۰/۲۴۰ لیتر آب و برای تولید یک تُن شکر از نیشکر در حدود ۰۰۰/۳۲۰ لیتر آب مصرف می شود. آب در تهیه غذاهای کنسرو شده، نوشابه های گوناگون، روغن های نباتی و بسیاری از فرآورده های دیگر نیز به کار می رود. آب

صنعت به مقدار بسیار زیاد برای خنک کردن به کار می رود. به طور مثال، گازهای دائمی را که در پالایش نفت تولید می شود به وسیله آب خنک می کنند. در نیروگاهها نیز از آب برای خنک کردن دستگاه ها استفاده می شود.

بهره برداری از منابع آب

برای اینکه آب مورد نیاز شهرها و صنعت و کشاورزی تأمین شود، باید از منابع آب به درستی بهره برداری کرد. بهره برداری از منابع آب شامل استخراج، کنترل و توزیع آب است. مهار کردن آب های سطحی و استخراج آب های زیرزمینی را استخراج آب می گویند. کنترل آب شامل ذخیره سازی، یعنی به وجود آوردن سد و بند و مخزن است. توزیع آب به وسیله خط های انتقال آب، یعنی کانال ها و شبکه لوله کشی و مانند آنها صورت می گیرد.

به نظر می‌رسد که آب‌های موجود در کره زمین برای استفاده انسان کافی باشد. اما تأمین آب آشامیدنی و آب مورد نیاز کشاورزی و صنعت با کیفیت مناسب با محدودیت‌ها و دشواری‌هایی روبرو است. امروزه در بیشتر جاها میزان آلودگی آب‌ها به قدری است که چرخه آب به طور طبیعی نمی‌تواند همه آلودگی آن را از میان ببرد. به همین سبب بیشتر فعالیت‌های آبشناسی مربوط به تصفیه آب است. در بعضی جاها، به سبب کمبود آب با کیفیت مناسب، ناگزیر به استفاده دوباره از آب‌های موجود در فاضلاب‌ها و شیرین کردن آب‌های شور هستند.

در بعضی از کشورها پالایشگاه‌هایی برای بیشتر کردن آب دریاچه‌ها به وجود آورده‌اند. چون این کار نیاز به انرژی بسیار دارد، بیشتر پالایشگاه‌های شیرین کردن آب در کشورهایی مانند کویت، به وجود آمده است که سوخت

فراوان و برق ارزان دارند. آب های شور را بیشتر از راه تقطیر کردن شیرین می کنند. آب شور را نخست گرم می کنند و به صورت بخار در می آورند تا نمک های محلول در آب از آن جدا شوند. سپس، با سرد کردن بخار آب، آن را به صورت مایع در می آورند. تجزیه الکتریکی و منجمد کردن آب شور نیز از جمله راه های دیگر برای شیرین کردن آب های شور است. وقتی که جریان الکتریسیته از آب شور می گذرد، نمک های محلول در آن، که به صورت یون های مثبت و منفی درآمده اند، به الکترودها جذب می شوند. با این شیوه نمک ها را از آب جدا می کنند.

وقتی که آب شور را منجمد می کنند، آب های خالص به صورت بلورهای یخ در می آید. نمکی را که در میان این بلورها مانده است، به وسیله شستشو، از آب جدا می کنند. امروزه کنترل و بهره برداری از آب ها از نظر اقتصادی و حقوقی آن قدر اهمیت پیدا کرده است که اقتصاد آب به صورت یک رشته تخصصی

تحصیلی درآمده است. (۱)

باران مایه اصلی تولید آب است

(۲)

«أَنَا صَبَبْنَا الْمَاءَ صَبًّا: ما آب فراوانی از آسمان فرو ریختیم».

(۳)

آری آب که مهم ترین مایه حیات است همواره به مقدار فراوان به لطف پروردگار نازل می شود و می دانیم تمام نهرها، چشمه ها، قنات ها و چاه های آب، ذخایر آبی خود را از باران می گیرند و مایه اصلی همه آنها باران است که اگر

ص: ۳۴

۱- آب و آبشناسی در قرآن، نادر کریمیان سردشتی، پایان ص ۲۹.

۲- نگرشی بر منابع طبیعی از دیدگاه ارزش اسلام، غلامرضا اکبری خرم آبادی.

۳- ۲۵ / عس.

باران به کوهستان نبارد به سالی دجله گردد خشک رودی!

بنابراین به هنگام مطالعه طبیعت، انسان قبل از هر چیز به نظام بارش باران متوجه می شود که چگونه به طور دائم آفتاب بر سطح دریاها می تابد و ابرها از آن برمی خیزند و بادهای آنها را به حرکت در می آورند سپس به خاطر دور شدن از سطح زمین و قرار گرفتن در منطقه سرد جوی بار دگر تبدیل به آب شده و فرو می ریزند، آبی زلال و پاک و خالی از هر گونه املاح مضر و آلوده آن هم به صورت قطرات کوچک یا دانه های نرم برف که به آرامی بر زمین می نشینند و جذب زمین و گیاهان و درختان می شوند. «باران» رحمت الهی. در آیه دیگری می نگریم که سخن از نزول باران از آسمان که مایه حیات جسم آدمی است به میان آمده:

«وَاللَّهُ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ

ص: ۳۵

يَسْمَعُونَ: خداوند از آسمان آبی فرستاد و زمین را بعد از آنکه مرده بود حیات بخشید در این نشانه روشنی است برای جمعیتی که گوش شنوا دارند». (۱) مسأله حیات و زندگی زمین به وسیله نزول آب باران از آسمان در آیات متعددی از قرآن بیان شده است زمین های خشکیده و خاموش و بی روح که گاهی خشکسالی آنها را چنان از کار انداخته که انسان هرگز باور نمی کند! در گذشته در آغوش گیاهی پرورش یافته و یا در آینده موجود زنده ای در دامانش تولد خواهد یافت!

اما باران های پی در پی و به دنبال آن تابش اشعه حیات بخش آفتاب آن را به حرکت درمی آورد گویی خفته ای است که بیدار می شود و یا صحیح تر، مرده ای

ص: ۳۶

است که با دم مسیحایی باران به حیات بازمی گردد! انواع گل ها و گیاهان در آن آشکار می شوند و به دنبال آن حشرات و پرندگان و انواع حیوانات از هر طرف به سوی آن می آیند و آوای حیات و زندگی سر می دهند. خلاصه در وجود سرزمینی که در گذشته مرده ای خاموش بود چنان غلغله ای برپا می شود که آدمی را مبهوت می کند و این راستی یکی از شاهکارهای آفرینش است. هم نشانه ای است از قدرت و عظمت آفریدگار و هم دلیلی بر امکان معاد که چگونه مردگان بار دیگر لباس حیات در تن می کنند و هم نعمت بزرگی است از نعمت های خداوند بصیر به خصوص نعمتی مانند باران که بندگان کمترین زحمتی برای ایجاد آن متحمل نمی شوند. در آیه صفحه بعد می بینیم که آب علاوه بر خاصیت حیات بخش، ویژگی فوق العاده ای دیگر دارد و آن قدرت پاک کنندگی است.

«وَ أَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا: و از آسمان آبی پاک کننده نازل کردیم». (۱)

قابل توجه اینکه در اینجا از آب به عنوان (طهور) یاد شده است که صیغه مبالغه از طهارت و پاکیزگی است و به خاطر همین معنی، مفهوم آن پاک بودن و پاک کردن است یعنی آب به ذات پاک است و هم اشیاء آلوده را پاک می کند اما غیر از آب بسیاری از موجودات پاک هستند ولی هرگز نمی توانند آلوده ای را پاک کنند. اگر آب نبود در یک روز سرتاسر جسم و جان زندگی ما را نجاست و آلودگی فرا می گرفت گرچه آب به طور معمول میکروب کش نیست ولی به خاطر خاصیت حلال بودن فوق العاده اش انواع میکروب ها را می تواند در خود حل کند و

ص: ۳۸

بشوید و از بین ببرد و از این نظر کمک بسیار مؤثری به سلامت انسان و مبارزه با انواع بیماری ها می کند. علاوه بر این می دانیم که پاکیزه کردن روح از آلودگی ها به وسیله غسل و وضو نیز با آب، انجام می گیرد پس این مایع حیات بخش هم پاک کننده روح است و هم جسم.

اما این خاصیت پاک کننده بودن با تمام اهمیتی که دارد در درجه دوم قرار داده شده لذا در آیه بعد اضافه می کند که هدف ما از نزول باران این است که سرزمین مرده را به وسیله آن زنده کنیم

به هر حال حیات همه موجودات زنده اعم از گیاهان و حیوانات به آب بستگی دارد همان گونه که در سوره مبارکه انبیاء آمده است:

«وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا»

ص: ۳۹

حَيِّ ... و هر چیز زنده ای را از آب قرار دادیم ...» (۱) آب که مبدأ آن بارانی است که از آسمان نازل شده است منشأ حیات همه موجودات است. دانشمندان امروزه معتقدند که نخستین جوانه حیات در اعماق دریاها پیدا شده است به همین دلیل آغاز حیات و زندگی را از آب می دانند و اگر قرآن کریم آفرینش انسان را از خاک می شمرد نباید فراموش کنیم منظور از خاک همان طین (گل) است که ترکیبی از آب و خاک می باشد. در حدیثی می خوانیم که شخصی از امام صادق علیه السلام پرسید: آب چه طعمی دارد؟ امام نخست فرمود: سَلْ تَفْقَهُهَا وَ لَا تَسْأَلْ تَعْنَتًا

! به منظور یاد گرفتن سؤال کن نه به منظور بهانه جویی! پس اضافه فرمود: طَعْمُ الْمَاءِ طَعْمُ الْحَيَاةِ

! قال الله سُبحَانَهُ:

«وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ: طعم آب، طعم حیات و زندگی است!

ص: ۴۰

خداوند سبحان می فرماید: ما هر موجود زنده ای را از آب آفریدیم».

بنابراین اهمیت آب و نقش آن در زندگی بشر نه تنها با گذشت زمان و پیشرفت صنایع و علم و دانش انسان کم نمی شود بلکه برعکس انسان صنعتی نیاز بیشتری به آب دارد با این بیان ضرورت حفظ آب و مصرف مفید آن بیش از پیش ثابت می شود.

برکات آب

(۱)

آب، علاوه بر این که سرچشمه حیات ما است، آثار و برکات فراوانی هم در زندگی و آسایش ما دارد. ابرها که شکلی از آب هستند، در مناطق سردسیر به صورت برف بر زمین می نشینند و به تدریج آب می شوند. قسمتی از این آب ها

ص: ۴۱

۱- همراه با قرآن، سید حمید علم الهدی، نشر هویزه، ۸۳، قطع وزیری.

به زمین فرو می روند تا منابع زیرزمینی را تشکیل دهند و به صورت چاه، قنات یا چشمه به تدریج در اختیار ما قرار گیرد. اگر آب ابرها به صورت قطرات باران نبود و همچون ریزش یک آبشار فرو می آمد، آیا می توانستیم در برابر آن مقاومت کنیم؟

اگر باران تنها در چند روز به صورت سیل آسا می آمد، زندگانی ما چگونه بود؟ اگر بخش عمده آب در زمین فرو نمی رفت و جریان می یافت، زندگانی ما چگونه بود؟ برنامه ریزی حکیمانه آفریدگار آب را با حکمت و تدبیر در اختیار ما قرار می دهد و در درون زمین، به صورت شفاف و پاکیزه نگهداری می کند، تا ما انسان ها از آن بهره مند شویم. قرآن، این تدبیر الهی را درس معرفت برای خردمندان می شمارد و چنین می فرماید:

«أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَلَكَهُ يَنَابِيعَ فِي الْأَرْضِ...: آیا ندیدی که خداوند از آسمان آبی فرستاد و آن را بصورت

مخازنی در زمین قرار داد در این مثال تذکری است برای خردمندان» (۱).

انسان های اندیشمند، علاوه بر درس معرفت، از این حکمت الهی آموختند که آب را ذخیره کنند و با ساختن سد از این نعمت عظیم، بهره وری بهتر و بیشتر نمایند. ساختن سد، یکی از تلاش های عمرانی انسان بوده که از قدیم در فرهنگ بشری جایگاه مهمی داشته است.

زمانی با جمع آوری آب پشت سدها، زمین های خود را سبز و خرم می کردند و سنگ آسیاب را نیز به حرکت درمی آوردند و امروز نیز علاوه بر آبیاری مناطق وسیع، انرژی آب را برای حرکت توربین های عظیم به کار می برند و با تولید انرژی برق، همه صنایع و کارخانجات را به حرکت در می آورند. ما از

ص: ۴۳

۱- ۲۱ / زمر.

روشنایی، تولید هوای سرد در تابستان و هوای گرم در زمستان و ده ها خدمت دیگر بهره مند می شویم و همه این ها از برکات آب است.

تطهیر با آب وضو کشنده میکروب و ضد عفونی قوی

(۱)

حیوانات ذره بینی بی آزار آب (۲) نه تنها مواد آلی را تجزیه و تحلیل می نمایند بلکه از راه رقابت و تنازع حیاتی قوی ترین دشمن و مؤثرترین حربه علیه میکروب های موذی می باشند. میکروب های موذی که به وسیله هوا از خارج به دست و روی انسان می نشینند یا اساسا مصاحب پوست و مجاری دماغ و حفره دهان می باشند دائما شخص را در حال محاصره و مخاطره شدید نگهداشته اند.

ص: ۴۴

۱- دانشنامه آب و آبشناسی در فقه و روایات، کریمیان سردشتی، ص ۳۳.

۲- Ies especes banales.

شستشوی با آب که تکرار و استمرار آن در شرع (به ویژه در قالب وضو) تأکید شده است نه تنها خاصیت تمیز کردن را دارد بلکه معالجه قلبی و مدافعه مؤثری علیه میکروب ها می باشند و شاید حکمت آنکه سفارش شده است بگذارند آب وضو روی دست و صورت مدتی مانده به حال خود خشک شود. و این عمل را بر خشک کردن با حوله یا لباس (به شرط نظیف بودن) ترجیح داده اند از همین راه باشد. در هر حال ماندن آب روی پوست و لای مو مخصوصا با استفاده ای که قهرا از حرارت ملایم بدن به عمل می آید به حیوانات ذره بینی مفید فرصت و فعالیت خوبی می دهد که وظیفه تحلیل مواد آلی و کشتن میکروب های موزی را به جایی برسانند. از طرف دیگر امام علی النقی علیه السلام گفته اند که من همیشه با آب سرد وضو می گیرم و حضرت رسول صلی الله علیه و آله گرم کردن آب وضو را در آفتاب بر عایشه منع می نمودند و به طور کلی استعمال آب گرم شده برای وضو و غسل مکروه

است. دلیل عمومی آن این است که در اثر گرم شدن آب، اکسیژن محلول که قوت لا-یموت حیوانات ذره بینی مخصوص است خیلی کم می شود. با این استدلال منافی که در وضو گرفتن بوده است برایمان قدری روشن تر می گردد.

نقش آب در فعالیت های ورزشی

با توجه به نقش مهم آب در فعالیت های ورزشی نکات مهم و کاربردی آب در ورزش به شرح زیر قابل تبیین است:

آب به سه صورت در طبیعت وجود دارد: ۱ جامد ۲ مایع ۳ گاز

وزن مخصوص آب در ۴ درجه سانتیگراد به حداکثر میزان خود می رسد و در موقعی که به صورت یخ درمی آید وزن مخصوص آن کم می شود. (در سطح دریا به صورت یک عایق سطح اشیاء را می پوشاند و محیطی مناسب برای رشد در زیر این غلاف است).

در مقایسه با سایر مایعات نقطه ذوب و نقطه جوش و ظرفیت حرارت آن زیادتر است و در رابطه با فعالیت ورزشی زمانی که هوا مرطوب باشد به دلیل عدم تبخیر آب در سطح بدن درجه حرارت بدن سریع تر بالا می رود. آب جهت بخار شدن باید از سطح بدن حرارت را جذب کند و اگر تبخیر نشود به صورت یک عایق در سطح بدن باقی می ماند و حرارت مرکزی بدن را سریع بالا می برد و در بعضی موارد ایجاد درد در ناحیه قلب می کند و در نتیجه در چنین آب و هوایی برای افراد مسن و کسانی که ناراحتی قلبی دارند، ورزش توصیه نمی شود چراکه طپش قلب از عوارض آن است.

آب محیط مناسبی برای حلالیت ویتامین ها و املاح و انتقال آنها است و پس از اکسیژن (از نظر کارایی و حیاتی) ضروری ترین ماده در بدن می باشد.

در صورتی که ۱۰٪ از وزن بدن را به صورت آب از دست دهیم اختلالات

زیادتی بروز می کند و اگر بیش از ۲۰٪ از وزن بدن را به صورت آب از دست بدهیم مرگ حادث می شود. مردان حدود ۶۰٪، زنان ۵۰٪، بچه ها و نوزادان ۷۵ تا ۸۰٪ و افراد مسن ۴۵٪ تا ۵۰٪ وزن بدنشان را آب تشکیل می دهد. معمولاً ۶۰ تا ۷۰٪ آب بدن داخل سلول ها می باشد و ۲۵ تا ۴۰٪ آب میان بافتی و پلاسما را تشکیل می دهد.

به طور معمول به مدت سه روز آب به بدن نرسد مرگ حادث می شود.

اگر ۱٪ آب بدن را از دست بدهیم احساس تشنگی ایجاد می شود. اگر ۲٪ آب بدن را از دست بدهیم تشنگی شدید و ناراحتی روحی به صورت پرخاشگری و عصبانیت و از دست دادن اشتها بروز می نماید.

در صورتی که ۳٪ آب بدن را از دست بدهیم مرحله آغاز غلیظ شدن خون خواهد بود.

ص: ۴۸

در صورتی که ۴٪ آب از دست دهیم، ضعف در حرکات ایجاد می شود.

در صورتی که ۵٪ آب بدن را از دست دهیم، براق شدن پوست، کم حوصلگی، کوفتگی و خواب آلودگی و بی اشتهاپی شدید ایجاد می شود.

در صورتی که ۶٪ آب بدن را از دست دهیم علائم گز گز شدن دست و پا و گرم شدن بدن، سردرد، افزایش نبض و تنفس بروز می کند.

در صورتی که ۷ تا ۹٪ آب بدن را از دست دهیم سنگین شدن تنفس، گیجی، لکنت زبان و حواس پرتی ایجاد می شود.

از دست دادن ۱۰ تا ۱۵٪ آب بدن باعث گرفتگی عضلات می شود و ناتوانی در ایجاد تعادل در حالت بسته بودن چشم، ضعف زیاد و بلعیده شدن زبان، نارسائی در گردش خون، افزایش غلظت خون و کم شدن حجم آن بروز می کند و عمل ادرار به سختی صورت می گیرد.

از ۱۵٪ به بالا چروکیده شدن پوست، ناتوانی در بلعیدن، کاهش دید، تنگ شدن چشمان، کری، بی حسی پوست، چروک شدن زبان و سخت شدن پلک ها حادث می شود.

از دست دادن ۲۰٪ آب بدن باعث ترکیدن پوست و قطع شدن کامل ادرار و از ۲۰٪ به بالا قطع شدن زندگی و مرگ را به دنبال خواهد داشت.

عمل آب در بدن

تشکیل دهنده بخش مهمی از ساختمان سلول ها

واسطه خوبی برای فعل و انفعالات سلولی

حامل مواد غذایی، یون ها و اکسیژن

کمک در هضم و انجام اعمال شیمیایی گوارش

حمل و دفع مواد زائد بدن (انیدرید کربنیک و آمونیاک)

ص: ۵۰

تنظیم کننده حرارت بدن

محافظت از اندام های حیاتی مانند مغز، قلب، چشم

لغزندگی مفصل ها

مرطوب نگه داشتن سیستم تنفسی

آب در سه منطقه در بدن وجود دارد:

آب میان بافتی

آب درون سلولی

خون آب داخل سلول ها داخل میتوکندری ها، دستگاه گلژی و بقیه اندامک های سلول می باشد.

بطور متوسط بین ۴/۲ تا ۶/۲ لیتر آب روزانه باید وارد بدن شود که بین ۱ تا ۲/۱ لیتر از طریق نوشیدن و ۲/۱ لیتر از طریق غذا و

۳/۰ لیتر از طریق متابولیسمی

ص: ۵۱

که از سوختن چربی ها و قندها تولید می شود. به ازای هر گرم قند که مصرف می شود $7/2$ گرم آب تولید می گردد. آبی که از بدن دفع می شود شامل $4/0$ لیتر از طریق پوست (تعرق) $7/0$ لیتر از طریق ریه ها، $1/0$ تا $2/0$ لیتر از طریق مدفوع و $4/1$ لیتر از طریق ادرار که در زمان استراحت می باشد. دفع آب در زمان فعالیت بستگی به رطوبت هوا دارد. در فعالیت های ورزشی سنگین تعرق زیاد و میزان آب ادرار کم می شود. ضمناً آب خارج شده از طریق ریه ها به خاطر بالارفتن تعداد تنفس زیاد می شود.

هورمون آنتی دیوریدیتیک در حین فعالیت ورزشی (از غده هیپوفیز) وارد خون می شود که آب ادرار را کاهش می دهد.

کاهش وزن از طریق کنترل رژیم غذایی بدون فعالیت ورزشی با توجه به کاهش کالری غذایی خورده شده نسبت به کالری مصرفی در روزهای اول تا دو هفته وزن بدن اضافه می شود و یا خیلی کم وزن کاهش می یابد و علت آن این

است که وزن بدن کاهش پیدا کرده ولی آب بدن خارج نشده و بر اثر عدم خروج آب از بدن وزن ثابت می ماند و بعد از دو هفته کاهش وزن سریع حادث می شود.

توجه ویژه قرآن به «آب»

اشاره

قرآن کریم در آیات متعددی به خلقت انسان از آب اشاره می کند که گاهی به مطلق آب اشاره دارد و گاهی به آب با صفتی خاص اشاره می کند. برای مثال در این آیات به خلقت انسان و بشر از آب با صفتی خاص اشاره می کند. برای مثال در این آیات به خلقت انسان و بشر از آب به صورت مطلق اشاره می کند:

«وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا: و او خداوندی است که از آب بشری آفرید و او را اصل نژاد و مایه تولید نسل انسان گردانید.» (۱)

ص: ۵۳

۲) «وَاللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِنْ مَاءٍ: وَخَدَّاسْتِ كِه هِر جَنبِنْدِه اِی رَا اَز اَبی اَفْرِیْد» (۱) در آیاتی نیز به خلقت انسان از آب با صفتی خاص اشاره دارد که نمونه ها و شواهد آن چنین است:

۱) «... یَدَاً خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ طِينٍ. ثُمَّ جَعَلَ نَسِيلَهُ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ: وَ اَفْرِیْنِش اِنْسَانَ رَا اَز گِل (آب و خَاك) اَغَاز كَرْد، سِپَس خَلَقْتَ نَسْلَ اَوْ رَا بَر اَسَاس اَنچِه اَز اَب بِي قَدْر و پَسْت جَدَا مِي شُود قَرَار دَا» (۲) در توضیح ماء مهین که به معنای «چکیده آبی پست» آمده ظاهر آن آبی بی ارزش و بی مقدار می نماید اما از نظر ساختمان و سلول های حیاتی شناور در آن و همچنین ترکیب مخصوص مایعی که سلول ها در آن شناورند بسیار ظریف و فوق العاده دقیق و پیچیده است و از

ص: ۵۴

۱- ۴۵ / نور.

۲- ۸۷ / سجده.

نشانه های عظمت پروردگار و علم و قدرت او محسوب می شود. پس کلمه «مِهین» در آیه که به معنی ضعیف و حقیر و ناچیز است اشاره به وضع ظاهری آن می باشد. (۱)

(۲) «أَلَمْ نَخْلُقْكُمْ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ: آیا شما را از آبی پست خلق نکردیم؟». (۲)

(۳) «فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ. خُلِقَ مِنْ مَاءٍ دَافِقٍ: انسان باید نگاه کند که از چه چیز آفریده شده است؟ از یک آب جهنده آفریده شده است». (۳)

اینک آنچه جای پرسش است اینکه مقصود از خلقت انسان از آب چیست؟

ص: ۵۵

۱- ر.ک. تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۱۲۶ و پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، محمد علی رضایی، ج ۱ و ۲، ص ۴۳۷.

۲- ۲۰ / مرسلات.

۳- ۶۵ / طارق.

در این مورد دو دیدگاه در بین مفسرین و قرآن شناسان وجود دارد:

(۱) مقصود از خلقت انسان از آب این است که مقدار زیادی آب در بدن انسان وجود دارد. یعنی آب بیشترین ماده تشکیل دهنده بدن انسان است. دانشمندان زیست شناس بر این عقیده اند که دوسوم بدن انسان از آب تشکیل شده است. مثلاً یک فرد هفتاد کیلویی، پنجاه لیتر آب در بدن خود نگهداری می کند و این نسبتی است ثابت. و باز همین دانشمندان بر این نظر و عقیده اند که اگر انسانی ۲۰٪ از آب بدن خود را از دست بدهد، دوباره سلامتی خود را باز نخواهد یافت. (۱)

آب یاخته های بدن انسان دارای مقدار زیادی پتاسیم بوده و عملاً فاقد نمک است. ولی آب خارج از یاخته ها عملاً پتاسیم ندارد بلکه دارای مقدار زیادی نمک

۱. مطالب شگفت انگیز قرآن، گودرز نجفی، ص ۹۷.

ص: ۵۶

است و این ترکیب آب خارج از یاخته ها جزء به جزء به آب دریایی شباهت دارد که میلیون ها سال قبل اولین اشکال حیات در آن شکل می گرفت و بعدها وقتی که موجودات آبی به خشکی روی آوردند (دریای درون) را نیز با خود آوردند. چون بدون آن زندگی برایشان در خشکی ممکن نبود. این پدیده شگفت انگیز گفته قرآن را تأیید می کند که می فرماید: اوست خدایی که انسان را از آب آفرید. (۱) تحقیقاتی که راجع به ساختمان عمومی جسم زنده به عمل آمده است می رساند که آب و کربن قریب ۹۸٪ جسم موجود زنده را تشکیل می دهند. (۲) در تفاسیر قرآن نیز در تفسیر آیه «وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا...» (۳) مفسرین تصریح به این

ص: ۵۷

۱- گذشته و آینده جهان، بی آزار شیرازی، چاپ دوّم، ص ۵۲ ۵۳.

۲- همان.

۳- ۵۴ / فرقان.

(۲) نظر دیگر اینکه مقصود از خلقت انسان از آب این است که انسان از نطفه و منی آفریده شده است. این دسته از مفسرین معتقدند آیاتی که از نطفه، ماء دافق، ماء و ماء مهین صحبت دارند همگی دلالت بر منی یا آب نطفه می باشد که موجودات زنده معمولاً از آن به وجود می آیند. دکتر موریس بوکای نیز نکته ای ظریف را از آیه:

«ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ» (۲) استفاده می کند و در کتاب «تورات، انجیل، قرآن و علم» می نویسد:

«اگر قرآن از مایعی بارور کننده متشکل از عناصر گوناگون صحبت می دارد ما را از این امر مطلع می سازد که

ص: ۵۸

۱- تفسیر فی ظلال القرآن، سید قطب، تفسیر المنار، رشید رضا، تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، ذیل آیه ۵۴ سوره فرقان.

نسل انسان از چیزی که از این مایع استخراج می شود فراهم می گردد این است معنای آیه ۸ سوره سجده. (۱)

سپس اشاره می کند که فقط یک سلول اسپرماتوزئید از بین چندین ده میلیون عنصر صادر از مرد موفق می شود که درون تخمک نفوذ کند و تعداد بیشماری در راه مانده و موفق نخواهند شد. در پایان موریس بوکای نتیجه می گیرد که:

«در نتیجه چطور می شود از توافق متن قرآنی با شناخت علمی ای که از این پدیده در عصرها داریم تحت تأثیر قرار نگرفت».

(۲)

در باب ماء دافق نیز مفسران سه احتمال داده اند: اینکه مراد از ماء دافق همان

ص: ۵۹

۱- تورات، انجیل، قرآن و علم، ترجمه ذبیح الله دبیر، ص ۲۷۲.

۲- همان، ص ۲۷۳.

منی مرد است که به صورت جهنده از او خارج می شود و دافق به معنی مدفوق یا ذودفق آمده است. (۱)

نظر دوم اینکه مراد از «ماء دافق» همان آب مشترک زن و مرد است که در رحم مخلوط می شود و یک آب می شود. این مطلب را برخی از مفسرین قدیم همچون زمخشری نیز نقل کرده اند. نظر سوم اینکه مراد از ماء دافق چیزی باشد که از زنان خارج می شد (اوول) تا از ترکیب آن با اسپرم ها نطفه اولیه کودک تشکیل شود. (۲)

البته با توجه به مسائل علوم پزشکی امروز می توان احتمال نخست را

ص: ۶۰

۱- المیزان، ج ۲۰، ص ۳۷۹.

۲- پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، دکتر محمد علی رضایی اصفهانی، بخش پنجم، ج دوم، ص ۴۴۴.

پذیرفت که مراد از «ماء دافق» همان منی مرد است که با جهش بیرون می آید و با ظاهر آیه نیز سازگار است. و این بدان جهت است که چیزی که از زنان خارج می شود (اوول) جهشی ندارد. و در هنگام حرکت به طرف رحم هم به کندی حرکت می کند. دیدگاه دوم نیز چندان با ترکیب «ماء دافق» به عنوان آب مشترک زن و مرد سازگاری ندارد. به هر روی مقصود اصلی این است که با توجه به هر دو نظر خلقت انسان از آب، نتیجه می گیریم که «نقش آب در خلقت انسان» نقش اصلی و عمده را دارد که بدون آن حیات نه تنها انسان بلکه موجودات زنده نیز قابل دوام نخواهد بود.

در میان ادیان الهی که امروزه در جوامع گوناگون همچون یهود، مسیحیت، بودایی، زردشتی و غیره رایج و شایع هستند هیچکدام به اندازه دین مبین اسلام به ویژه کتاب مقدس قرآن به موضوع «آب» پرداخته اند و آن ناشی از عنایت

ویژه این کتاب آسمانی به طبیعت است که «انسان» در بستر آن می زید و می بالد. توجه قرآن به طبیعت و بالاخص آب، همه سویه بوده است. (۱)

تنوع موضوع، تفصیل مباحث آب و تأکیدات فراوان قرآن به ارزش و اهمیت آب، بیانگر این حقیقت است. واژه «ماء» اصل عبری آن (می، میم) و سریانی «میا» است و در عربی تغییر شکل داد و «ماء» شد. این لغت در اصل به معنی «هر مایع غیر جامدی» است چه آب مطلق باشد یا آب های مضاعف (مثل آب میوه) ولی وقتی به صورت مطلق «ماء» استعمال شود منصوب به آب خالص است. (۲)

ص: ۶۲

۱- دانشنامه آب و آبشناسی در قرآن، کریمیان سردشتی، ص ۳۳.

۲- ر.ك. التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، مصطفوی، ج ۱۱، ص ۲۲۰ (ماده ماء) المفردات فی غرایب القرآن، راغب اصفهانی، ص ۴۷۸.

تفسیر آیه وَ جَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ

مفسران در تفسیر آیه ۳۰ از سوره (انبیاء) که می فرماید:

«وَ جَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ: و هر چیز زنده را از آب بیافریدیم» ، مطالبی را بیان کرده اند که نمونه هایی از آنها بدین شرح است: میبیدی در تفسیر کشف الاسرار می نویسد:

«... الْمَاءُ هُوَ النُّطْفَةُ. وَقِيلَ يُرِيدُ بِه الْمَاءِ الْمَشْرُوبِ لِأَنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ خَلَقَ الْمَاءَ أَوَّلًا ثُمَّ قَلَّبَ الْمَاءَ نَارًا وَ خَلَقَ مِنْهَا الْجِنَّ وَ قَلَّبَهُ رِيحًا وَ خَلَقَ مِنْهَا الْمَلَائِكَةَ ثُمَّ أَحَالَهُ طِينًا وَ خَلَقَ مِنْهُ آدَمَ وَ سَأَلَ أَبُوهُرَيْرَةَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ مِنْ خَلَقَ اللَّهُ الْخَلْقَ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مِنَ الْمَاءِ:

... غرض از آب نطفه است ... و گفته شده است که غرض از آن آب آشامیدنی است، زیرا خداوند سبحان نخست آب را آفرید، سپس آب را به آتش تبدیل کرد و از آن جن را آفرید و آن را به باد تبدیل کرد و از آن ملائکه را آفرید، آنگاه آن را بدل به خاک کرد و از آن آدم را آفرید. ابوهریره از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پرسید خداوند خلق

را از چه آفرید؟ پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: از آب».

ظاهر واژه «جعل» در این آیه به معنای «خلق» است زیرا متعدی به مفعولی واحد است و دلیل این قول آیه سوره نور است که می فرماید:

«وَاللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِنْ مَاءٍ». مفسرین در خصوص خلقت هر چیزی از آب اختلاف دارند. برخی گویند مقصود از آب در این آیه «نطفه» است زیرا خداوند تمام حیوانات (از جمله انسان) را از طریق نطفه بوجود می آورد و بر این اساس این لفظ عام (ماء) از الفاظ عام مخصوص است که مقصود نطفه می باشد.

برخی نیز گفته اند مقصود از ماء مطلق آب است که حیوانات یا با واسطه یا بی واسطه از آن خلق شده اند. و برخی حیوانات (همچون جانوران دریایی) بدون واسطه از آب خلق شده اند و برخی نیز از طریق نطفه (با واسطه) آفریده می شوند زیرا نطفه نیز از غذا حاصل شده و غذاها نیز بطور کلی منشأ آنها آب است

ص: ۶۴

همچون میوه ها و حیوانات و سایر موارد که همه به سبب آب رشد و نمود دارند. (۱) امام فخرالدین رازی در تفسیرش شرحی مستوفی راجع به این آیه دارد و گوید برخی از مفسران در مصداق این آیه نیز اختلاف کرده اند و گفته اند: منظور از کُلِّ شَیْءٍ حَیٍّ فقط حیوانات زنده است. ولی دیگر مفسرین گویند کلیه نباتات و درختان نیز مشمول این آیه خواهند بود زیرا رشد و نمو حیاتشان باز بسته به آب است و این قول به مراد و مقصود آیه نزدیک تر است. جالب اینکه برخی نباتات و درختان را موجود زنده قلمداد نمی کنند حال آنکه این سخن دلیل چندان استواری ندارد و بلکه خلاف آن در قرآن گزارش شده است و لذا قرآن می فرماید:

«كَيْفَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا: و چگونه زمین را حیات بخشیدیم پس از

۱. تفسیر کَشْفُ الْأَسْرَارِ وَ عُدَّةُ الْأَبْرَارِ، رشید الدین میبیدی، ذیل آیه ۳۰ انبیاء.

ص: ۶۵

که از آن به صورت و دست های خود مسح کنید» (۱).

این آیه نشان می دهد که در صورت نبود آب، با خاک می توان وضو گرفت (تیمم نمود) زیرا خاک یک نوع شستشو و وسیله نظافت است. دلیل عمومی آن نیز قضیه پدیده های جذب ذره ای است که در اثر سطح فوق العاده گسترده ذرات غبار حاصل می شود بنابراین خاک فی نفسه چیز کثیفی نیست که سبب امراض شود، بلکه خود کشنده میکروب های موزی و منهدم کننده مواد آلی است و شاید همان گستراندن غبار رقیق خاک، روی صورت و دست خالی از فایده نباشد، زیرا وقتی مواد جایز التیمم را مطالعه می نماییم می بینیم گذشته از لطافت و پاکی اصلی در خشک بودن و حالت غبار داشتن آنها تأکید شده است.

ص: ۶۷

۱ آب به معنای باران: در سوره بقره (آیه ۲۳) آمده است: وَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ. و نیز در ۱۶۴/بقره، ۹۹/انعام، ۵۰ و ۵۷/اعراف، ۱۱/انفال، ۲۴/یونس، ۱۷/رعد، ۳۲/ابراهیم، ۲۲/حجر، ۱۰ و ۶۵/نحل، ۴۵/کهف، ۵۳/طه، ۵ و ۶۳/حج، ۱۸/مؤمنون، ۴۸/فرقان، ۶۰/نمل، ۶۳/عنکبوت، ۲۴/روم، ۱۰/لقمان، ۲۷/فاطر، ۲۱/زمر، ۳۹/فصلت، ۱۱/زخرف، ۹/ق، ۱۱/قمر، ۱۴/نبأ، ۲۵/عبس. در آیات این سوره ها «ماء» به معنای باران است که از آسمان (سماء) نزول می یابد و زمین (ارض) را سیراب می نماید.

۲ آب به معنای بستر و ظرف عرش خداوندی: در سوره هود (آیه ۷) قرآن کریم می فرماید:

«وَ كَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا».

ص: ۶۸

۳ آب به معنای آب وضو: در سوره نساء آیه ۴۳ و سوره مائده آیه ۶ در بحث تیمم می فرماید هر گاه آب وضو به دست نیاوردید پس تیمم کنید با خاک پاک و طیب:

«وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ... فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا»

۴ آب به معنای سیل و طوفان سهمگین: در جریان طوفان نوح، حضرت نوح علیه السلام به فرزندش توصیه می کند که با آنان سوار کشتی شود ولی وی گوید به کوه های بلند پناه می برد تا از سیل و طوفان نجات یابد:

«قَالَ سَيَأْوِي إِلَىٰ جَبَلٍ يَغِيظُ مَنِي مِنَ الْمَاءِ قَالَ لَا عَاصِمَ الْيَوْمَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِلَّا مَنْ رَحِمَ». (۱) و نیز در آیه پس از آن نیز «ماء» به همان مفهوم سیل و طوفان به کار رفته و می فرماید:

«وَقِيلَ يَا أَرْضُ ابْلَعِي مَاءَكِ وَيَا سَّمَاءُ أَفْلَعِي وَغِيضَ الْمَاءِ وَقُضِيَ الْأَمْرُ وَاسْتَوَتْ عَلَىٰ الْجُودِيِّ». (۲)

ص: ۶۹

۱- ۴۳ / هود.

۲- ۴۴ / هود.

۵ ماء به معنای مطلق «آب»: در برخی آیات «ماء» بطور عموم به آب باران و آب چشمه ها و رودخانه ها و دریاها اطلاق می شود یعنی شامل آب های زیرزمینی و سطح الارضی و نزولات آسمانی می شود و نیز به مفهوم عنصر آب به عنوان «مایعی» است با ترکیب شیمیایی H_2O . در سوره رعد آیه ۴ آمده است:

«وَفِي الْأَرْضِ قِطْعٌ مَّتَجَاوِرَاتٌ وَجَنَّاتٌ مِنْ أَعْنَابٍ وَزُرُوعٌ وَنَخِيلٌ صِنْوَانٌ وَغَيْرُ صِنْوَانٍ يُسْقَى بِمَاءٍ وَاحِدٍ».

۶ آب به معنای منشأ خلقت و ماده اصلی موجودات زنده: در قرآن کریم آب به عنوان مبدأ و منشأ موجودات زنده یاد شده و خلقت موجودات زنده منوط به این ماده حیاتی است: در سوره انبیاء (آیه ۳۰) می فرماید:

«وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ». نیز در سوره نور آیه ۴۵ خداوند خلقت چهارپایان یا موجودات جنبنده را به «آب» نسبت می دهد و می فرماید:

«وَاللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِنْ مَاءٍ».

ص: ۷۰

۷ آب به معنای «نطفه» در خلقت انسان: آب در قرآن کریم به معنای مایعی (نطفه ای) که موجب خلقت انسان است و خلقت وی منوط به آن است یاد شده است: قرآن در سوره طارق آیه ۶ می فرماید:

«فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ. خُلِقَ مِنْ مَاءٍ دَافِقٍ». در سوره مرسلات آیه ۲۰ آمده:

«أَلَمْ نَخْلُقْكُمْ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ»، در سوره سجده آیه ۸ نیز خدای متعالی می فرماید:

«ثُمَّ جَعَلْنَا نَسْلَهُ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ» و در سوره فرقان آیه ۵۴ در خلقت بشر از آب می فرماید:

«وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا».

۸ آب به معنای «جوی و نهر آب»: در توصیف بهشت قرآن کریم گزارش می کند که در آنجا جوی ها و نهرهای آب غیر آسن (یعنی بدون تغییر بوی و طعم) و جوی های شیر و شراب و غسل مصفا جاری است:

«مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ فِيهَا أَنْهَارٌ مِنْ مَاءٍ غَيْرِ آسِنٍ وَأَنْهَارٌ مِنْ لَبَنٍ لَمْ يَتَغَيَّرَ طَعْمُهُ وَأَنْهَارٌ مِنْ خَمْرٍ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ

وَ أَنْهَارٌ مِنْ عَسَلٍ مُصَفًّى وَ لَهُمْ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ. (۱)

۹ «آب» و «سراب»: در قرآن کریم اعمال ناباوران به «سرابی» تشبیه شده است و تصور می کنند که «آب» است:

«وَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَعْمَالُهُمْ كَسَرَابٍ بِقِيَعِهِ يَحْسَبُهُ الظَّمَانُ مَاءً حَتَّى إِذَا جَاءَهُ لَمْ يَجِدْهُ شَيْئًا...» (۲)

۱۰ آب در معنای چشمه سارها: در سوره نازعات آب در مفهوم چشمه ها به کار رفته و آمده:

«وَ الْأَرْضَ بَعْدَ ذَلِكَ دَحَاهَا. أَخْرَجَ مِنْهَا مَاءَهَا وَ مَرْعَاهَا» (۳) و در سوره قمر نیز می فرماید:

«وَ فَجَّرْنَا الْأَرْضَ عُيُونًا فَالْتَقَى الْمَاءُ عَلَى أَمْرٍ قَدْ قُدِرَ» (۴)

۱۱ آب آشامیدنی در جهنم، در قرآن کریم در باب آب آشامیدنی جهنم آمده

ص: ۷۲

۱- ۱۵ / محمد.

۲- ۳۹ / نور.

۳- ۳۱ ۳۰ / نازعات.

۴- ۱۲ / قمر.

است:

«مِنْ وَرَائِهِ جَهَنَّمُ وَيُسْقَى مِنْ مَاءٍ صَدِيدٍ»^(۱) و نیز آب حمیم نیز از آب های جهنم است و قرآن می فرماید:

«كَمَنْ هُوَ خَالِدٌ فِي النَّارِ وَسُقُوا مَاءً حَمِيمًا فَقَطَّعَ أَمْعَاءَهُمْ»^(۲)

۱۲ آب به معنای چاه آب: قرآن کریم در سوره قصص در جریان داستان حضرت شعیب از چاه شهر مدین یاد می کند و می فرماید:

«وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجِدَ عَلَيْهِ أُمَّةٌ مِنَ النَّاسِ يَشْتَرُونَ وَوَجِدَ مِنْ دُونِهِمُ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ قَالَ مَا خَطْبُكُمَا قَالَتَا لَا نَشْتَرِي حَتَّى يُصْدِرَ الرِّعَاءَ وَأَبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ»^(۳)

و در باب قوم ثمود و ناقه حضرت صالح نیز از آب به معنای چاه یاد شده

ص: ۷۳

۱- ۱۶ / ابراهیم.

۲- ۱۵ / محمد.

۳- ۲۳ / قصص.

است و می فرماید:

«إِنَّا مُرْسِلُوا النَّاقَةَ فِتْنَةً لَهُمْ فَارْتَقِبْهُمْ وَاصْطَبِرْ وَ نَبِّئْهُمْ أَنَّ الْمَاءَ قِسْمَةٌ بَيْنَهُمْ كُلُّ شِرْبٍ مُّحْتَضَرٌ». (۱) و در سوره ملک می فرماید:

«قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَّعِينٍ». (۲) و در سوره کهف در داستان صاحبان باغ از چاه آب سخن رفته و می فرماید:

«أَوْ يُصْبِحَ مَاؤُهَا غَوْرًا فَلَنْ تَسْتَطِيعَ لَهُ طَلَبًا». (۳)

۱۳ آب آشامیدنی جاری در بهشت: در قرآن در توصیف اصحاب الیمین که در بهشت جای دارند و از نعمت های فراوان برخوردارند از ماء مسکوب نیز به عنوان آب جاری زلال آشامیدنی یاد شده است. در سوره واقعه می فرماید:

«و»

ص: ۷۴

۱- ۲۷ ۲۸ / قمر.

۲- ۳۰ / ملک.

۳- ۴۱ / کهف.

وَ أَصْحَابُ الْيَمِينِ مَا أَصْحَابُ الْيَمِينِ. فِي سِدْرٍ مَخْضُودٍ. وَ طَلْحٍ مَنضُودٍ. وَ ظِلِّ مَمْدُودٍ. وَ مَاءٍ مَسْكُوبٍ. وَ فَاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ. (۱)

ماء معین زمین

(۲)

در سوره مُلک که از سور مکی است در آیات آخر سوره اشاره می کند: کفار مگه منکر معاد و روز واپسین بودند و آرزوی مرگ پیامبر و یارانش را داشتند و می گفتند: کی محمد صلی الله علیه و آله بمیرد تا ما ازدست وی راحت شویم و دعا می کردند که او هلاک گردد. خدا در جواب می فرماید به ایشان بگو اگر من و پیروانم از دنیا برویم مگر شما می مانید، ما چه بمانیم و چه برویم شما را از عذاب خدا خلاصی نیست. و در آخرین آیه سوره

ص: ۷۵

۱- ۲۷ ۳۲ / واقعه.

۲- دانشنامه آب و آبشناسی در قرآن کریم، ص ۵۳ و ۶۱، کریمیان سردشتی.

ملک در سرزنش و انداز آنان می فرماید:

«قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ: بگو توجه دارید اگر آب شما فرو رود چه کسی برای شما آب روان می آورد» (۱).

در این آیه از «ماءٍ مَعِينٍ» سخن رفته است. برخی از مفسرین آورده اند که مقصود از «ماؤُكُمْ غَوْرًا» آب چاه زمزم و بئر میمون است که در مکه بوده که اگر این دو چاه خشک گردد چه می کنید. برخی نیز بر این عقیده اند که ماؤکم مطلق است و منحصر به آب چاه نیست، ترکیب ماء معین در قرآن یکبار آمده است و در فرهنگ ها و لغت نامه ها معین به معنی «آب روان»، «آن آب که می بینند چون می رود»، «آب روان بر روی زمین»، «جاری و روان»، آمده است و شاهد آن نیز در

ص: ۷۶

متون پارسی فارس نامه ابن بلخی است که می نویسد:

«... و حصاری محکم در میان شهر و خندقی که به آب معین برده اند». ترکیب ماء معین نیز به معنای «آب روان روشن و پاک» و «آب ظاهر و جاری بر روی زمین که آن را بتوان دید» در منتهی الارب و اقرب الموارد ثبت و ضبط شده است.

در ادبیات پارسی به همین معنی بسیار کاربرد داشته و شواهد آن در ادبیات منظوم به شرح ذیل است:

(۱) فردوسی

ز کافور و از مشک و ماء معین

درخت بهشت و می و انگین /

خداوند جوی می و انگین

همان چشمه شیر و ماء معین /.

(۲) فرخی سیستانی:

ایا سپهر ادب را دل تو چشمه زر

ایا بهشت سخا را کف تو ماء معین /.

ص: ۷۷

(۳) منوچهری دامغانی:

یکی ماء معین آمد

دگر عین الیقین آمد /

سیم جبل المتین آمد

چهارم عروه الوثقی /

شعر من ماء معین و شعر تو ماء حمیم

کس خورد ماء حمیمی چون بود ماء معین /

پیش من آور نیبذ در قدح مشک بوی تازه

چو آبِ گلاب صاف چو ماء معین /.

(۴) ناصر خسرو قبادیانی

یک مثل بشنو بفضل مستعین

پاک چون ماء معین از بو معین /

گر تو درو گرسنه و تشنه ای

مرغ مسمن خور و ماء معین /.

ص: ۷۸

(۵) سعدی شیرازی:

اگر اشتیاق نویسم به وصف راست نیاید

کز اشتیاق چنانم که تشنه ماء معین را

عاشق صادقی به زخم دوست نمیرد

زهر مذاہب بده که ماء معین است

آب شناسی در بهشت

موضوع آب شناسی در جنت (آخرت) یکی از محوری ترین مباحث آب شناسی در قرآن است که در مباحث بعدی همچون «جنت آخرت» و «آنهار» به تفصیل نمونه ها و شواهد آن را ذکر خواهیم کرد.

قرآن کریم در سوره واقعه اینگونه در باب ماء معین بهشت گزارش می کند:

«فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ. ثَلَاثَةٌ مِنَ الْأُولَىٰ. وَقَلِيلٌ مِنَ الْآخِرِينَ. عَلَىٰ سُرُرٍ مَّوْضُونَةٍ. مُتَّكِنِينَ

ص: ۷۹

عَلَيْهَا مُتَقَابِلِينَ. يَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُخَلَّدُونَ. بِأَكْوَابٍ وَأَبَارِيقَ وَكَأْسٍ مِنْ مَعِينٍ: [مقربان درگاه الهی] در باغ های پر نعمت بهشت [جای دارند]، آنان گروهی از اولین [هستند] و اندکی از آخرین، بر کرسی های عالی مرصع بافته شده از زر و جواهرات، روبروی هم تکیه زده اند و پسرهای همیشه جوان بر گرد ایشان می گردند، با کوزه های بلورین و ابریق های زرین و جامی از [شراب] معین، از آنها سر درد نکشند و عقل را نوازند». (۱)

«نعیم» به آن باغی گویند که نعمت آن تمام نشود و دوام داشته باشد و مقصود از «وِلْدَانٌ مُخَلَّدُونَ» پسران و جوانانی است که پیر نشوند و همواره جوان باشند. و مقربان در آن نعیم از شراب معین می نوشند که دارای دو ویژگی است:

ص: ۸۰

(۱) مثل شراب دنیوی مایه سردرد نمی شود

(۲) دیگر زایل کننده عقل نخواهد بود.

شراب معین یعنی شراب صاف زلالی که مستی نیاورد. برخی مفسرین «مِنْ مَعِينٍ» را به شرابی که از چشمه ها جاری است معنی کرده اند. اما به هر روی همان شراب زلال و پاک را معنی می دهد.

در سوره صافات (آیه ۴۵) هم باز از این شراب با صفت معین یاد شده است و خداوند می فرماید:

«فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ. عَلَى سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ. يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِكَأْسٍ مِنْ مَعِينٍ. بَيْضَاءَ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ. لَا فِيهَا غَوْلٌ وَلَا هُمْ عَنْهَا يُنْزَفُونَ: [عباد مخلص] در باغ های پر نعمت [بهشت] جای دارند، بر تخت های آراسته روبروی یکدیگر، به گردش آید برایشان جامی از شراب معین، سفید رنگ لذیذ است برای نوشندگان، نه در آن فساد

ص: ۸۱

و نه در آن مست گردند» (۱).

در این آیه از رنگ و طعم آن که هم سفید و هم لذت بخش است یاد شده است و همچنین دو ویژگی [در برابر دو صفت اثباتی] برای آن برمی شمارد

(۱) ضرر و فساد و آفتی ندارد

(۲) مثل شراب دنیوی مستی نمی آورد و مایه بی عقلی نمی گردد.

و از جمله «بِكَأْسٍ مِنْ مَعِينٍ» مستفاد می شود که در بهشت نیز شراب با این ویژگی ها موجود است و بندگان بهشتی از آن برخوردارند.

و باز در آیه دیگر از سوره مؤمنون از واژه «معین» به معنی آب جاری و زلال یاد شده است و در داستان حضرت مریم و فرزندش حضرت عیسی علیه السلام قرآن

ص: ۸۲

کریم می فرماید:

«وَجَعَلْنَا ابْنَ مَرْيَمَ وَأُمَّهُ آيَةً وَآوَيْنَاهُمَا إِلَى رَبْوَةٍ ذَاتِ قَرَارٍ وَمَعِينٍ: و پسر مریم و مادرش را آیتی قرار دادیم و آنان را جای دادیم به مکانی که شرایط زیستن و آب جاری داشت» (۱). و مقصود از جمله *إِلَى رَبْوَةٍ ذَاتِ قَرَارٍ وَمَعِينٍ*، جای بلندی است که انسان بتواند قرار گیرد و شرایط زندگی موجود باشد، از جمله درختان و جوی ها و میوه ها داشته باشد. و مفسرین گویند مقصود از ربوه بیت المقدس یا شامات بوده که واجد این شرایط بوده است. پس از آیات مذکور نتیجه می گیریم که در قرآن ماء معین دوباره برای بهشت به کار رفته است و دوباره نیز برای آب های جاری در زمین کاربرد داشته است.

ص: ۸۳

۱- ۵۰ / مؤمنون.

آب شناسی در جهنم

بحث آب شناسی در جهنم آن چنانکه در بهشت مطرح است بدان گستردگی در قرآن گزارش نشده است و اثر جهنم خود هفتاد و هفت بار در کتاب مبین کاربرد داشته است و البته اسامی دیگر همچون جحیم (نام دیگر یا طبقه ای از جهنم) بیست و پنج بار در قرآن آمده که در آن مستقیم یا غیرمستقیم به آب و درخت و به ویژه آب حمیم (۹۴ / واقعه) اشارت شده است و یا در سوره ابراهیم (آیه ۱۶) از ماء صدید که در جهنم نوشابه جهنمیان است یاد شده است.

ماءِ حَمِيمٍ (آبِ حَمِيمٍ)

اثره حمیم در منتهی الارب و اقرب الموارد و ترجمان القرآن علامه جرجانی به معنای «آب گرم» آمده است. و نیز در اقرب الموارد به معنی گرما و بارانی است که بعد از گرمای سخت ببارد. منوچهری دامغانی نیز از ماء حمیم یاد کرده

و گوید:

شعر من ماء معین و شعر تو ماء حمیم کس خورد ماء حمیمی چون بود ماء معین

زمخشری گوید: شراب دوزخیان از مس گداخته را حمیم گویند.

در چندین سوره قرآنی از آب حمیم سخن رفته که به مواردی از آن اشاره می کنیم:

در سوره انعام، در حق عذاب کافران خداوند می فرماید:

«لَهُمْ شَرَابٌ مِنْ حَمِيمٍ وَعَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ: [برای رفع عطش] ایشان، نوشابه ای از آب داغ و جوشیده و عذابی دردناک تهیه شده است، چون سزای کفر ورزی آنان (به چنین سرنوشتی بارور گشته) است. (۱)»

ص: ۸۵

۱- ۷۰ / انعام.

در تفسیر روض الجنان تألیف مرحوم ابوالفتوح رازی آمده است:

«حمیم آبی تافته باشد. در خبر است که چون اهل دوزخ بسیار سال ها فریاد کنند از گرسنگی، ایشان را طعامی آرند از «ضریع» و آن نوعی شوک (۱) است که آن را "شترخواره" خوانند از آتش، تا از آن بخورند، آنگه تشنگی بر ایشان غالب شود و سال های بسیار فریاد کنند از تشنگی. پس از آن ایشان را کأسی به دست دهند از آبی تافته به آتش دوزخ که چون به نزدیک دهن برند گوشت روی ایشان افتد از گرمی. چون باز خورند همه امعای ایشان منقطع و پاره پاره شود. آنگه باز نمودند که این عذاب و شراب برایشان به ظلم نباشد، به عدل باشد، به بدل و عوض آن کفر باشد که آورده باشند و کرده باشند در دار دنیا». (۲)

ص: ۸۶

۱- خار.

۲- تفسیر روض الجنان، ج ۴، ص ۲۰۶.

«... وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ شَرَابٌ مِنْ حَمِيمٍ وَعَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ: و آنان که کفر ورزیدند برای ایشان نوشابه ای است از آب جوشان و عذابی دردناک به دلیل آنچه کفر ورزیدند». (۱)

«... فَالَّذِينَ كَفَرُوا قُطِعَتْ لَهُمْ ثِيَابٌ مِنْ نَارٍ يُصَبُّ مِنْ فَوْقِ رُؤُسِهِمُ الْحَمِيمُ: پس آنان که کافر شدند بریده شد برای ایشان جامه هایی از آتش ریخته شود از فراز سرهای ایشان آب جوشان». (۲)

«ثُمَّ إِنَّ لَهُمْ عَلَيْهَا لَشَوْبًا مِنْ حَمِيمٍ: سپس ایشان را بر آن است آمیخته ای از آبی جوشان». (۳)

ص: ۸۷

۱- ۴ / یونس.

۲- ۱۹ / حج.

۳- ۶۷ / صافات.

«هَذَا فَلْيَذُوقُوهُ حَمِيمٌ وَعَسَاقٌ: این است پس بچشیدش آبی جوشان و چرکی گندآلود». (۱)

«فِي الْحَمِيمِ ثُمَّ فِي النَّارِ يُسْجَرُونَ: در آب جوشان، سپس در آتش افکنده شوند». (۲)

«إِنَّ شَجَرَةَ الزُّقُومِ طَعَامٌ النَّائِمِمْ. كَالْمُهْلِ يَغْلِي فِي الْبُطُونِ. كَغَلِي الْحَمِيمِ: همانا درخت زقوم، خوراک گنهکار است، چون آهن گداخته جوشد در شکم ها، به سان جوشیدن آب جوشان». (۳)

«خُذُوهُ فَاعْتَلُوهُ إِلَىٰ سَوَاءِ الْجَحِيمِ. ثُمَّ صُبُّوا فَوْقَ رَأْسِهِ مِنْ عَذَابِ الْحَمِيمِ: بگیریدش پس بکشیدش به میان دوزخ، پس بریزید و سرش از عذاب آب

ص: ۸۸

۱- ۵۷ / ص.

۲- ۷۲ / غافر.

۳- ۴۶ / دخان.

«هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي يُكَذِّبُ بِهَا الْمُجْرِمُونَ. يَطُوفُونَ بَيْنَهَا وَبَيْنَ حَمِيمٍ آتِنِ: این است دوزخی که تکذیب می کردند آن را گنهکاران گردش کنند میان آن و میان آب جوشان گرم». (۲)

«وَ أَصْحَابُ الشَّمَالِ مَا أَصْحَابُ الشَّمَالِ. فِي سَمُومٍ وَ حَمِيمٍ: و یاران چپ، چه یاران چپی، در آتش سوزان و آبی جوشان». (۳)

«فَشَارِبُونَ عَلَيْهِ مِنَ الْحَمِيمِ. فَشَارِبُونَ شُرْبَ الْهَيْمِ. هَذَا نُزْلُهُمْ يَوْمَ الدِّينِ: پس می آشامید بر آن از آب جوشان، پس نوشیده اید چون نوشیدن اشتران

ص: ۸۹

۱- ۴۷ ۴۸ / دخان.

۲- ۴۳ ۴۴ / رحمن.

۳- ۴۱ ۴۲ / واقعه.

تشنگی زده، این است پیشکش ایشان در روز حساب». (۱)

«وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُكَذِّبِينَ الضَّالِّينَ. فَنُزِّلُ مِنْ حَمِيمٍ: واما اگر بود از تکذیب کنندگان گمراهان، پس پیشکشی از آب جوشان». (۲)

«كَمَنْ هُوَ خَالِدٌ فِي النَّارِ وَسُقُوا مَاءً حَمِيمًا فَقَطَّعَ أَمْعَاءَهُمْ: مانند آن که اوست جاودان در آتش و نوشانیده شدند آبی جوشان که پاره ساخت روده هایشان را». (۳)

«لَا يَذُوقُونَ فِيهَا بَرْدًا وَلَا شَرَابًا. إِلَّا حَمِيمًا وَغَسَّاقًا: نچشند در آن خنکی و نه نوشابه ای مگر آبی جوشان و چرکی». (۴)

ص: ۹۰

۱- ۵۴ ۵۶ / واقعه.

۲- ۹۳ / واقعه.

۳- ۱۵ / محمد.

۴- ۲۴ ۲۵ / نبأ.

از آب های جهنم که در قرآن یاد شده است ماء صدید است که در سوره ابراهیم آمده است:

«... وَ خَابَ كُلُّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ. مِنْ وَرَائِهِ جَهَنَّمُ وَ يُسْقَى مِنْ مَاءٍ صَدِيدٍ: از پس و پیش او دوزخ است و از آب زرداب جراحات به او نوشانده شود».(۱) سپس به دنبال آیه می فرماید:

«يَتَجَرَّعُهُ وَ لَا يَكَادُ يُسِيغُهُ وَ يَأْتِيهِ الْمَوْتُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَ مَا هُوَ بِمَيِّتٍ وَ مِنْ وَرَائِهِ عَذَابٌ غَلِيظٌ: از ماء صدید جرعه جرعه نوشند و به آسانی فرو نبرد و از هر طرف او را مرگ برسد در حالی که نمیرد و از پس و پیش او عذابی است سخت».(۲)

ص ۹۱

۱- ۱۵ / ۱۶ ابراهیم.

۲- ۱۷ / ابراهیم.

آب و جهنمی ها

«و سَقُوا مَاءً حَمِيمًا فَقَطَّعَ أَمْعَاءَهُمْ: به دوزخیان آب جوشان نوشانده می شود که اندرون آنها را از هم متلاشی می کند».(۱)

آب و بهشتی ها

«إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا. عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا: به یقین نیکان از جامی می نوشند که با عطر خوشی آمیخته است. از چشمه ای که بندگان خاص خدا از آن می نوشند و از هر جا بخواهند آن را جاری می سازند. در آنجا از جام هایی سیراب می شوند که لبریز از نوشیدنی

ص: ۹۲

پاکیزه آمیخته با زنجبیل است. از چشمه ای در بهشت که نامش سلسبیل است» (۱)

تمثیل و تشبیه و ضرب المثلی از آب در قرآن

(۲)

زبان گویای تشبیه و تمثیل، یکی از هنرهای ادبیات است. سخنی بسیار عمیق و سنگین را می توان با بیان یک مثال، بسیار آسان نمود تا در دسترس همه قرار گیرد.

تشبیه و تمثیل، گویا و دل نشین است، برای همه قابل فهم است و از نظر هنری بسیار ارزشمند است. ده ها نمونه تشبیه و تمثیل و ضرب المثل در قرآن آمده است.

ص: ۹۳

۱- ۶۵ / انسان.

۲- آب، حمید علم الهدی، نشر هویزه، ۱۳۸۳، ص ۱۴.

برخی از آنها که واژه آب استفاده شده چنین است:

«إِنَّمَا مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَاءٍ أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ مِمَّا يَأْكُلُ النَّاسُ وَالْأَنْعَامُ حَتَّىٰ إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازَّيَّنَتْ وَظَنَّ أَهْلُهَا أَنَّهُمْ قَادِرُونَ عَلَيْهَا أَتَاهَا أَمْرُنَا لَيْلًا أَوْ نَهَارًا فَجَعَلْنَاهَا حَصِيدًا كَأَن لَّمْ تَغْنَبِ بِالْأَمْسِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ: زندگی دنیا همانند آبی است که از آسمان نازل کرده ایم که بر اثر آن گیاهان گوناگون که مردم و چهارپایان از آن می خورند، می روید تا زمانی که روی زمین زیبایی خود را (از آن) گرفته و تزیین می گردد و اهل آن مطمئن می شوند که می توانند از آن بهره مند گردند (ناگهان) فرمان ما شب هنگام یا در روز (برای نابودی آن) فرا می رسد (سرما یا صاعقه ای را بر آن مسلط می سازیم) و آنچنان آن را درو می کنیم که (گویی) هرگز نبوده

است، این چنین آیات خود را برای گروهی که تفکر می کنند، شرح می دهیم» (۱).

«أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَهُ...: خداوند از آسمان آبی فرو فرستاد پس رودخانه ها به اندازه (ظرفیت) خویش جاری شده و سیلاب کفی را با خود حمل می کند... این گونه خداوند حق و باطل را مثال می زند (باطل همچون) کف آب به کناری رفته و (حق) آنچه برای مردم مفید است در زمین باقی بماند...»

«وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَعْمَالُهُمْ كَسَرَابٍ بِقِيعَةٍ يَحْسَبُهُ الظَّمْآنُ مَاءً حَتَّى إِذَا جَاءَهُ لَمْ يَجِدْهُ شَيْئًا...: اعمال کسانی که کافر شدند همچون سرابی است که تشنه آن را آب می پندارد، اما همین که به سراغ آن آمد آن را چیزی نیافت» (۲).

ص: ۹۵

۱- ۲۴ / یونس.

۲- ۳۹ / نور.

«لَهُ دَعْوَةُ الْحَقِّ ... كَبِيرَةٌ كَفَّيْهِ إِلَى الْمَاءِ ...: تنها خواندن او حق است ... و کسانی را که (مشرکان) جز او می خوانند، هیچ پاسخی ندهند (اینان) مانند کسی (هستند) که دو دستش را به سوی آب گشوده تا آن را به دهانش رساند و حال آنکه نخواهد رسید».^(۱)

پرسش های قرآن که در آنها از آب نام برده است

(۲)

برخی از پرسش های قرآن که در آنها از آب نام برده چنین است:

«أَفَرَأَيْتُمُ الْمَاءَ الَّذِي تَشْرَبُونَ. أَأَنْتُمْ أَنْزَلْتُمُوهُ مِنَ الْمُزْنِ أَمْ نَحْنُ الْمُنزِلُونَ. لَوْ نَشَاءُ جَعَلْنَاهُ أُجَاجًا فَلَوْلَا تَشْكُرُونَ: آیا به آبی که می نوشید فکر کرده اید. آیا شما آن را از

ص: ۹۶

۱- ۱۴ / رعد.

۲- آب، حمید علم الهدی، نشر هویزه، ۱۳۸۳، ص ۱۴.

ابر نازل کرده اید یا ما نازل می کنیم. هر گاه بخواهیم این آب گوارا را تلخ و شور قرار می دهیم پس چرا شکر نمی کنید». [\(۱\)](#)

«وَأَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً... أَمْنَ جَعَلَ الْأَرْضَ قَرَاراً وَجَعَلَ خِلَالَهَا أَنْهَاراً...: خداوند است که از آسمان برای شما آب فرستاد... کیست که زمین را قرارگاهی ساخت و در آن رودها جاری ساخت». [\(۲\)](#)

«أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً...: آیا ندیدی که خداوند از آسمان آبی فرستاد». [\(۳\)](#)

ص: ۹۷

۱- ۶۹ / واقعه.

۲- ۶۱ ۵۹ / واقعه.

۳- ۲۱ / زمر.

ادعیه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در طلب باران و ذکر پس از باران

(۱)

(۱) اللَّهُمَّ اسْقِنَا غَيْثًا مُعِيثًا مَرِيئًا

، مَرِيئًا، غَيْرَ ضَارٍّ عَاجِلًا- غَيْرَ آجِلٍ: خدایا فرو فرست برای ما بارانی نجات دهنده (از خشکسالی) بارانی گوارا و پر برکت (بارانی) مفید و بدون ضرر، زود و نه دیر. (۲)

(۲) اللَّهُمَّ اغْنِنَا، اللَّهُمَّ اغْنِنَا، اللَّهُمَّ اغْنِنَا: خدایا به ما باران بده، خدایا به ما باران بده، خدایا به ما باران بده. (۳)

(۳) اللَّهُمَّ اسْقِ عِبَادَكَ وَبَهَائِمَكَ، وَأَنْشُرْ رَحْمَتَكَ وَأَحْيِي بَلَدَكَ الْمَيِّتَ: خدایا بیار

ص: ۹۸

-
- ۱- دانشنامه آب و آبشناسی، کریمیان سردشتی، فقه و روایات اسلامی، ص ۳۹.
 - ۲- سنن ابو داود، ج ۱. ص ۳۰۳، تألیف البانی، ج ۱، ص ۲۱۶، و آن را صحیح دانسته.
 - ۳- صحیح بخاری، ج ۱، ص ۲۲۴؛ صحیح مسلم، ج ۲، ص ۶۱۳.

باران را برای بندگانت و چهار پایانت و بگستر رحمتت را و زنده گردان (به واسطه باران) شهرت را که مرده است. (۱)

دعاهای پس از باران

پیامبر در هنگام بارش باران می فرمود:

«اللَّهُمَّ صَيِّبًا نَافِعًا: خدایا بارانی مفید به ما عطا فرما. و می فرمود: مُطْرِنَا بِفَضْلِ اللَّهِ وَرَحْمَتِهِ: باران بر ما بارید و احسان و بخشش خدا». (۲)

ص: ۹۹

۱- سنن ابوداود، ج ۱. ص ۳۰۵.

۲- صحیح بخاری، ج ۱، ص ۲۰۵؛ صحیح مسلم، ج ۱، ص ۸۳.

اهمیت آب از منظر پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و علی بن ابیطالب علیه السلام

شِدَّةَ عِنَايَةِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِمَاءِ الْوُضُوءِ:

پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله در مصرف آب وضو دقت و عنایت زیادی داشتند که بیهوده صرف نشود. (۱)

در خطبه ۱۵۴ حضرت علی به انواع آب اشارت می کند و می فرماید:

«وَاعْلَمَنَّ أَنَّ لِكُلِّ عَمَلٍ نَبَاتًا وَكُلُّ نَبَاتٍ لَا غِنَى بِهِ عَنِ الْمَاءِ وَالْمِيَاهُ مُخْتَلِفَةٌ، فَمَا طَابَ سَيْقِيهِ، طَابَ غَرْسُهُ وَحَلَّتْ ثَمَرَتُهُ وَ مَا خَبَثَ سَقِيهِ خَبَثَ غَرْسُهُ وَ أَمَرَتْ ثَمَرَتُهُ: و بدان، هر کرده ای چون میوه ای است که از گیاهی رسته است و هیچ گیاه را از آب بی نیاز نیست و آبها گوناگون بود. آنچه آبیاری اش نیکو، درختش نیکو و میوه اش شیرین است و آنچه آبیاری اش پلید، درختش پلید و میوه اش تلخ است.» (۲)

ص: ۱۰۰

۱- سنن ابن ماجه، کتاب ۱: الطهاره باب ۳۰.

۲- نهج البلاغه، تصحيح صحی صالح، ص ۲۱۶، ترجمه جعفر شهیدی، ص ۱۵۳.

در خطبه ۲۱۱ به نقش آب در خلقت تصریح می کند و می گوید:

«وَ كَانَ مِنْ أَفْتِدَارِ جَبْرُوتِهِ وَ يَدِيعِ لَطَائِفِ صَنِيعَتِهِ، أَنْ جَعَلَ مِنْ مَاءِ الْبَحْرِ الزَّاحِرِ الْمُتْرَاكِمِ الْمُتْقَاصِفِ يَبْسَا جَامِدًا...: و از نشانه های توانایی و عظمت و شگفتی دقیقه های صنعت او این است که از آب دریایی موج زننده و هر موجی، موجی را شکننده، خشکی پدید آورد و آن را طبقه ها کرد».

جوشاندن آب مطابق حدیث نبوی

(۱)

باید توجه داشت که آب جوشیده آشامیدن از کشفیات و اختراعات قرن اخیر نیست. زیرا قرن ها پیش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از این حقیقت خبر داده است و به فواید و منافع آن تصریح نموده و حتی دکتر تومانیانس (از دانشمندان مسیحی) نیز در

ص: ۱۰۱

۱- دانشنامه آب و آبشناسی در فقه و روایات، کریمیان سردشتی، ص ۵۰.

کتاب «حفظ الصحه دین اسلام» مدعی است که پیامبر اسلام از وجود میکروب و خصوصیات آن آگاهی داشته است. در کتاب *تُحَفُّهُ الْأَحْبَابُ فِي آدَابِ الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ* آمده است:

قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

«تَشْرَبُ الْمَاءَ الْمَغْلَى، فَإِنَّ الْمَاءَ الْمَغْلَى يَنْفَعُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ إِلَّا مِنْ شَيْءٍ: آبِ جَوْشِيدِهِ بِيَاشَامِيدِ كَمَا أَنَّ آبَ جَوْشِيدِهِ بِهِ هَرِّ شَيْءٍ فَائِدَةٍ مِي دَهْدُ وَ بِهِ هَيْجِ چيزی زیان نمی رساند و یا به هیج وجه ضرر نمی رساند».

در حدیث دیگر از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که با صراحت بیشتری همراه است، آن حضرت می فرماید:

«الْمَاءُ الْمَسِيخُ إِذَا عَلِيَتْهُ سَبْعَ غَلِيَّاتٍ وَقَلَّبْتَهُ مِنْ إِنَاءٍ إِلَى إِنَاءٍ يَذْهَبُ بِالْحَمَى وَيُنْزِلُ الْقُوَّةَ فِي السَّاقَيْنِ وَالْمَقْدَمَيْنِ: آبِ گرم را هر گاه هفت مرتبه جوشانیدی و از ظرفی به ظرف دیگر برگردانندی تب را برطرف می کند و به ساق و قدم ها قوت می بخشد». در این حدیث بیان واقعیت علمی شده است: جوشاندن

متعدد آب برای کشتن کامل میکروب ها و انتقال ظرف به ظرف برای جدا کردن رسوب ها یا جذب مجدد اکسیژن. قسمت راجع به رفع تب و تقویت ساق و قدم در عین اینکه خلاف حقیقت نمی باشد ممکن است کلی نبوده در مورد خاصی گفته شده باشد و درباره وضعیت شخصی که مخاطب کلام بوده بیشتر صدق می کند.

دعا برای آب

(۱)

موسی قوم بنی اسرائیل را از ستم فرعون نجات داد و آنگاه برای تأمین نیازهای مادی آنها، در تلاش بود اما چون ریشه همه آبادانی ها آب است از درگاه خدا خواست تا قومش از نعمت آب برخوردار شوند. دعای این پیامبر الهی مستجاب شد و به او چنین وحی شد که با عصایت به سنگ ها بزن تا دوازده

ص: ۱۰۳

۱- آب، حمید علم الهدی، نشر هویزه، ۸۳، ص ۲۰.

چشمه برای دوازده گروه آن قوم از دل سنگ ها بجوشد. موسی به آنان گفت: از این رزق خداوند بهره مند شوید و مواظب باشید که در دام فساد گرفتار نشوید. (۱)

دعای حضرت موسی در طلب باران

(۲)

مثلی در قمشه (شهرضا) بدین شرح مشهور است:

«زبان بنده، قلم خداست» که حکایتی دارد: در زمان حضرت موسی علیه السلام خشکسالی شد. وحوش از موسی خواستند تا از خدا بخواهد باران رحمتش را نازل کند. حضرت در کوه طور پیغام جانوران را رساند. حق تعالی فرمود تا سه سال خشکسالی ادامه دارد. در برگشت، جانوران جست و خیز کنان جلو می دویدند. حضرت که ذوق و شوق

ص: ۱۰۴

۱- ۶۰ / بقره.

۲- مجله فرهنگ مردم، سال اول، شماره ۳ و ۴، ص ۲۰ و ۲۱.

آنان را دید دلش نیامد ناراحتشان کند، گفت: تا سه روز دیگر باران می بارد و چنین شد موسی حیرت زده پرسید: پروردگارا این چه سزای بود؟ از جانب حق تعالی ندا رسید: ای موسی! خودسرانه دل مخلوق را شاد کردی، نخواستم آبرویت بریزد. از آن زمان می گویند:

«زبان بنده قلم خداست».

درس خداشناسی

آفریدگار توانا و حکیم در کتاب آفرینش این همه برکات در این ماده اسرارآمیز قرار داد و در کتاب هدایت خود نیز بارها از این ماده اصلی حیات، نام برده است. واژه آب ۶۳ بار، واژه رودخانه ۵۴ بار، واژه ابر ۱۰ بار و واژه باران ۱۴ بار در قرآن آمده است.

حضرت ابراهیم علیه السلام در گفتگو با قوم بت پرست، آنها را به اطاعت از پروردگار توانا و حکیم دعوت می کند. وی معبود را این گونه معرفی می کند:

«الَّذِي خَلَقَنِي

ص: ۱۰۵

فَهُوَ يَهْدِينِ وَالَّذِي هُوَ يُطْعِمُنِي وَيَسْقِينِ مَعْبُودِمَانِ كَسَى اسْتِ كَمَا رَا آفْرِيدَ وَ هِدَايَتِ مِي كَنْدِ هَمَانِ خِدَايِي كِهْ بِهْ مَا غَذَا مِي دِهْدِ وَ هَنْكَامِ تَشْنَكِي مَا رَا سِيرَابِ مِي كَنْدِ» (۱).

مستحبات و مکروهات آشامیدن آب

(۲)

پژوهش های گسترده در حوزه آب در فقه اسلامی تا آنجا پیش رفته است که در نحوه آشامیدن آب مستحبات و مکروهاتی را قائل شده اند. حضرت آیه الله سیستانی در توضیح المسائل خود (مسأله ۲۶۴۷ و ۲۶۴۸) در باب مستحبات و مکروهات آشامیدن آب می نویسد:

«چند چیز از آداب آشامیدن شمرده شده است: اول آب را به طور مکیدن بیاشامد. دوم در روز ایستاده آب بخورد.

ص: ۱۰۶

۱- آب، سید حمید علم الهدی، نشر هویزه، ۱۳۸۳.

۲- دانشنامه آب و آبشناسی در فقه و روایت، کریمیان سردشتی، ص ۱۴۷.

سوم پیش از آشامیدن آب بسم الله و بعد از آن الحمد لله بگوید. چهارم به سه نفس آب را بیاشامد. پنجم از روی میل آب را بیاشامد. ششم بعد از آشامیدن آب، حضرت ابی عبدالله علیه السلام و اهل بیت ایشان را یاد کند و قاتلان آن حضرت را لعنت نماید».

در باب مکروهات آب آشامیدن نیز می نویسد:

«زیاد آشامیدن آب و آشامیدن آن بعد از غذای چرب و در شب به حال ایستاده مذموم شمرده شده است و نیز آشامیدن آب با دست چپ و همچنین از جای شکسته کوزه و جایی که دسته آن است مذموم شمرده شده است.

تمثیل های قرآنی در مورد آب

إِنَّمَا مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَاءٍ أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ مِمَّا يَأْكُلُ النَّاسُ وَالْأَنْعَامُ حَتَّىٰ إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازَّيَّنَتْ وَظَنَّ أَهْلُهَا أَنَّهُمْ قَادِرُونَ عَلَيْهَا أَتَاهَا أَمْرُنَا لَيْلًا أَوْ نَهَارًا فَجَعَلْنَاهَا حَصِيدًا كَأَنْ لَّمْ تَعْنِ بِالْأَمْسِ (صفحه ۱۰۷)

ص: ۱۰۷

كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ

زندگی دنیا همانند آبی است که از آسمان نازل کرده ایم که بر اثر آن گیاهان گوناگون که مردم و چهارپایان از آن می خورند، می روید تا زمانی که روی زمین زیبایی خود را (از آن) گرفته و تزیین می گردد و اهل آن مطمئن می شوند که می توانند از آن بهره مند گردند (ناگهان) فرمان ما شب هنگام یا در روز (برای نابودی آن) فرا می رسد (سرما یا صاعقه ای را بر آن مسلط می سازیم) و آنچنان آن را درو می کنیم که (گویی) هرگز نبوده است، این چنین آیات خود را برای گروهی که تفکر می کنند، شرح می دهیم. (۱)

لِّلَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمُ الْحُسْنَىٰ وَالَّذِينَ لَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُ لَوْ أَنَّ لَهُم مَّا فِي الْأَرْضِ

ص: ۱۰۸

۱- ۲۴ / یونس.

جَمِيعاً وَ مِثْلَهُ مَعَهُ لَافْتَدُوا بِهِ أَوْلِيكَ لَهُمْ سُوءُ الْحِسَابِ وَ مَا أُوْهُمُ جَهَنَّمَ وَ بِيْسَ الْمِهَادُ

خداوند از آسمان آبی فرو فرستاد. پس رودخانه ها به اندازه (ظرفیت) خویش جاری شده و سیلاب کفی را با خود حمل می کند. این گونه خداوند حق و باطل را مثال می زند و باطل (همچون کف آب) به کنار رفته و (حق) آنچه برای مردم مفید است در زمین باقی بماند. (۱)

وَ إِنْ يَكُنْ لَهُمُ الْحَقُّ يَأْتُوا إِلَيْهِ مُذْعِنِينَ

ایمان کسانی که کافر شدند، همچون سرابی است که فرد تشنه آن را آب می پندارند اما همین که به سراغ آن آمد آن را چیزی نیافت. (۲)

ص: ۱۰۹

۱- ۱۸ / رعد.

۲- ۴۹ / نور.

دعایی از امام سجاد و نکته ای از امام حسین علیهم السلام در مورد آب

(۱)

از امام سجاد علیه السلام در طلب باران منقول است که نکته های علمی نیز در آن گنجانده شده است که ترجمه ای تفسیری از آن دعا را در ذیل می آید.

بارالها! ما را به وسیله باران مشروب نما و رحمتت را به وسیله بارانت بر ما منتشر ساز بارانی که از ابرهای رانده شده دانه بریزد. از ابرهای متراکم، گوارا، سهل الهضم، منطبق و خروشان، بدون آنکه طول مدت بارش آن ملائت آور و برقش فریبنده و بیهوده باشد.

بارالها ما را با چنان بارانی سیراب نما که در تل و تپه ها به راه افتد، چاه ها از آن پر شود و نهرها به وسیله آن شکافته شود. خدایا سایه آن ابرها را بر ما

ص: ۱۱۰

مسموم کننده مساز و سرمای آن را طولانی و متوالی مگردان، رسیدن و اصابت آن (بر سرزمین ها) چون تیر (کشنده جراحات آور) نباشد و آب آن را بر ما تلخ مگردان.

در این ادعیه باران رحمتی خواسته شده است که در ابرهای مهاجر جبهه ای (سوق داده شده) بارور گردیده باشد، ابرها متراکم، منطبق و خروشان (باران های طوفانی) باشند ولی بارور شدن آن (خروج و دق) زیاد به طول نکشد که اسباب خرابی و زحمت باشد رعد و برق بی حاصل و فریبنده نکند. سپس اشاره به این نکته هیدروژئولوژی می شود که پر شدن چاه ها و سفره های آب زیرزمینی از نشط باران ها و سیلاب ها است و نهرها و رودخانه ها در اثر سیل ها شکافته و کنده می شوند. در آنجا از سایه زهر آگین و سرمای پیایی احتراز می شود، صحبت از دو نوع ابری است که در حاشیه و خیلی دور خط جبهه با

ص: ۱۱۱

جناح گرم با جناح سرد دیده می شود ولی جز ایجاد سایه زائل کننده اشعه سلامت بخش خورشید یا سرمای راکد خشکاننده کاری نمی کند. همچنین ممکن است اصابت یک سیستم ابر یا رگبار که توأم با صاعقه و سیل باشد. چون تیر کشنده اثر کند و یا آب خالص سهل الهضم گوارای آن در اثر عبور از طبقات غبارهای آلوده جوی یا طبقات املاح نامناسب زمینی تلخ و نامطبوع شود.

امام حسین علیه السلام می فرمایند: شستن ظروف و رفت و روب حریم خانه باعث جلب روزی است. (۱)

ص: ۱۱۲

۱- وسایل الشیعه، شیخ حرّ عاملی، ص ۳۱۹، باب ۹، از احکام مساکن.

این موضوع که آب و کوه (۱) از آغاز حیات انسان اهمیتی شایسته داشته اند موضوع تازه و ناگفته ای نیست. حتی بشر غارنشین کوهی را که در آن می زیست و چشمه یا نهری را که در کنارش بود، سخت ارج می گذاشت و هرچه در مسیر امرار معاش جلوتر می رفت بر این گرامیداشت افزوده می گردید.

انسان اولیه ناچار بوده است که به صورت گروه های حتی الامکان «همخوان» زندگی کند و با اشتراک مساعی خویشان و نزدیکان بر مشکلات روزمره فائق آید. این گروه ها سرزمین های مناسبی را بر می گزیدند و تا روزی که می خواستند و می توانستند از امکانات آن سرزمین بهره مند می شدند و همین که به جهاتی

ص: ۱۱۳

ناچار می گشتند به سرزمین های دور و نزدیک مهاجرت می کردند. مناسب ترین سرزمین ها برای بشر اولیه برحسب درجات پیشرفت اجتماعیشان متفاوت بود. اندکی پیش از تاریخ و در آغاز تاریخ، این مناسب ترین ها، کناره رودهای مهمی مانند نیل، دجله و فرات، کارون، سند و گنگ، جیحون و سیحون، هیرمند و یانگ تسه کیانگ بودند که تمدن های مهمی از آن دوران را پروردند. در حقیقت این رودها به تعبیری مادران فرهنگ بشری به حساب می آیند. حتی در سرزمین هایی مانند یونان و ماد و پارس که رود مهمی نداشتند، آب و کوه با حیات و فرهنگشان گره خورده بود. از همان دوران بسیار کهن، بشر به این حقیقت پی برده که کوهستان در تولید آب و باران و حفظ منابع آب و تراوش آن به صورت چشمه و نهر و رود تأثیر مستقیم دارد. پس، تقدس آب و کوه از دیر زمان با یکدیگر پیوند داشته اند. کوه نه تنها منبع آب که پناهگاه مناسب و

زیستگاه شایسته و چراگاه طبیعی محسوب می گردید و طبعاً این بایستگی و شایستگی به کوه های آبرزا بیشتر تعلق داشت.

در واقع اگر بخوبی بنگریم همیشه رابطه ای تنگاتنگ میان انسان و زمین و کوه و آب و باران و آسمان و خورشید وجود داشته و این عناصر در اندیشه ها و باورهای بشر قدیم به عناوین مختلف گرمی و حتی مقدس بوده اند و طبعاً هر یک ایزدی داشته اند و اسطوره ای و آیین های عبادتی.

در مقابل قهر طبیعت مانند زلزله و سیل و طوفان و خشکسالی و شیوع بیماری در نظر آنان به منزله قهر خدایان بود، همان گونه که بهبود وضع معیشت و سلامت و عافیت، مهر خداوندی تلقی می گردید. در بعضی نقوش بازمانده از دوران ماقبل تاریخ انسان هایی نشان داده شده اند که حرکاتی موزون شبیه به رقص های دینی و آئینی دوران تاریخی، از جمله در جوامع افریقایی و غیره،

ص: ۱۱۵

انجام می دهند. دانشمندان این رقص ها را مربوط به مراسمی می دانند که مردم آن دوران ها به سبب باریدن و یا جمع آوری کافی محصول زراعی و غیره برگزار می کرده اند. برای انسان دوران حجر (دیرینه سنگی، میان سنگی و نوسنگی) کوه و رود از جهت تهیه مواد اولیه به منظور ساختن ابزارهای سنگی نیز اهمیت داشتند، کوه که معلوم است و رودها نیز سنگ ها و قلوه سنگ های کافی از کوه ها به دشت ها می آورند و در اختیار انسان می گذاشتند. پس از آنکه بشر موفق به استخراج بعضی فلزات گردید و تمدن پیشرفته تر مس و مفرغ و آهن را بنیاد نهاد، با کشف رابطه فلز و سنگ و کوه، بر اهمیت کوه افزوده شد.

مردم در زمان های قدیم در تشریح شگفتی های آب و کوه بسیار کوشیده اند و اسطوره های فراوان برای این دو پدیده ساخته اند.

نخستین داستان در مورد آب که به دست ما رسیده است از تمدن سومری

است، تمدنی شگفت انگیز در جنوب بین النهرین. این داستان ها در حدود ۴۵۰۰ سال پیش نوشته شده اند یعنی در اواسط هزاره سوم پیش از میلاد، زمانی که شاخه های ایرانی و هندی آریایی در دشت های اوراسیا تازه به دوران پدر سالاری گام می گذاشتند.

در این داستان ها از جهانی سخن گفته شده که تنها از آب به وجود آمده بوده و کائنات مشتمل بر آسمان و زمین بعدها از آب سر به درآورده بوده اند (خلقت آب پیش از خلقت بقیه عالم در اساطیر هند و اروپایی نیز جای مهمی داشته بدون آنکه الزاما از آسیای غربی تقلید شده باشد).

همین اندیشه علاوه بر نفوذ در شبه قاره به مصر نیز راه یافت و مصریان معتقد شدند که یک خاکریز نخستین در جایگاه معبد «اتوم راه» در بعلبک به وجود آمده و آب های نخستین از همه سو گسترده شده اند.

ص: ۱۱۷

بنابر اسطوره مصری پیدایش خالق یعنی اتوم از آب، نمایانگر آفرینش نظم جهانی و حیات است. زیرا زمانی که اتوم مغروق در آب های نخستین بود همه چیز در آشفتگی بود. متون کهن مصری به دست آمده در اهرام مصر، خالق را چنین توصیف می کنند که از طوفان نخستین و آب های طوفانی همچون ماری چند سر برآمد. در اساطیر هندی، نیز خدای ویشنو، خدایی بومی با نام گیتایی، که منشأ دنیا و مافیها بود، پیش از آغاز خلقت به حالت لمیده در اقیانوس نخستین بر روی «مار هزاران چنبره» موسوم به «سا» جای داشته است و هنگامی که خفته بوده نیلوفری از نافش می روید و در آن نیلوفر برهما زاده می شود که جهان را خلق می کند. نظیر همین اندیشه در اساطیر جنوب بالکان نیز وجود داشته است. داستان دیگری که در بسیاری از اساطیر باستانی دیده می شود، داستان طوفان نوح است. قدیمی ترین داستان طوفان که در دست داریم باز از اساطیر سومری

است که مورد اقتباس بابلیان و آشوریان قرار گرفت و در کتاب مقدس با رنگ و بوی فلسفی و اخلاقی وارد گشت.

در اسطوره اولیه، طوفان بدین دلیل رخ داد که خدایان با یکدیگر جنگیدند و حال آنکه در روایت عبری طوفان مکافات بود الهی علیه تباہکاری مردم.

به نظر دانشمندان به جهت تغییر آب و هوای زمین پس از آخرین دوران یخبندان و نزول باران های شدید و آب شدن یخ ها در بسیاری از نواحی عالم سیل های عظیم جاری شد و طوفان ها به وقوع پیوست که در اساطیر سومری و بعضی ملل دیگر به اشکال مختلف بازتاب یافت. از جمله به صورت «گرداب اولیه»، «آشفتگی» و «طوفان» که سرانجام کوهی باعث نجات کشتی طوفان زدگان

ص: ۱۱۹

می شود. در یونان که رود مهمی نداشت و ندارد چشمه محل سکونت پان(۱) شد، خدایی که فلوت می نواخت، فلوتی که از نی کنار چشمه ها ساخته شده بود.

در این کشور زمین را دشتی کمابیش هموار تصور می کردند که گرداگرد آن را جریان اکتانوس فرا گرفته و در بالای زمین گنبد جامد آسمان قرار دارد که بنابر بیان هومراز برنز ساخته شده است. در یونانی اکتانوس (۲) خود به معنای گسترده در گرداگرد است. واژه اکتانوس معرّب همین کلمه یونانی است. فراگیری «جریان اکتانوس» گرداگرد زمین بازمانده اندیشه کهن هند و اروپایی است. در اساطیر یونان کوه ها پایه های آسمان و مانند آسمان جایگاه خدایان اند.

ص: ۱۲۰

۱- مقاله روز و روزگاری در سوم، مجله پیام یونسکو در تهران، مضمون کمی در آب، مایه زندگی، فروردین ۷۳.

۲- W Keavoslo keanos.

در اساطیر هند و اروپایی «دایره هستی» (آسمان [آب] زمین / کوه / آسمان) دائماً در حال گسترش و بالش و رویش و روانی بوده است.

کمی رو به مشرق به سرزمین سومر می رسیم. سومریان از چهار هزار سال پیش از میلاد در جنوب بین النهرین می زیستند، جایی که دجله و فرات جداگانه به خلیج فارس می ریخته اند. همسایگان‌شان به آنها شنعار می گفتند، از جمله در تورات (سفر پیدایش، باب یازدهم). هر دو رود دجله و فرات نزد سومریان محترم و مقدس بودند و در اسطوره های آنها وارد است. خاصه در اسطوره طوفان که از آنها به بابلیان رسید و از بابل به بنی اسرائیل انتقال یافت ...

بابلیان که بسیاری از اساطیر سومریان را با رنگ و روی تازه باور داشتند،

ص: ۱۲۱

معتقد بودند که زمین را همچون قفه (۱) تصور می کردند که بر روی اقیانوس شناور است.

در مصر بزرگترین و بلندترین رود افریقا و یکی از مشهورترین رودهای عالم روان است که در کنار خود از قدیم تمدنی معروف را پرورانده و همیشه از عزت و احترام فراوان برخوردار بوده است. یکی از مشهورترین روایات در مورد این رود گرفته شدن نوزادی رها شده بر آن و ملقب شدن او به «موسی» و سپس ریاستش بر قوم بنی اسرائیل است و یکی از معجزات آن پیامبر دو نیم شدن رود و راه بازکردنش به امر پروردگار برای عبور موسی و قوم او به سوی ارض

ص: ۱۲۲

۱- در عربی عامیانه قوفه به معنی نوعی کرجی مدور است که با نی و جگن ساخته می شود.

موعود است که در آیات متعددی از قرآن کریم به آن اشاره شده است.

و اما رود نیل پیش از موسی و از دوران های بسیار دور مقدس بوده است. در دوران اسلامی قبطیان مصر این تقدس را بهتر حفظ کردند. خانم مارگارت موری در مقاله ای در مجله گرنهیل ماگازین داستانی از برگزاری جشن «نوروز الله» با همین اسم، در تجلیل از رود نیل، نوشته که بسیار جالب توجه است. وی می نویسد: در ایام باستانی رسم بر این بود که در سراسر مصر در آن شبی که آن را متعلق به رود مقدس نیل می دانستند، جشنی که امروزه موسوم است به «نوروز الله» بر پا می ساختند و به عبادت و آیین خاصی می پرداختند. در تجلیل از اُزیریس حامی و خدای رود نیل و امروزه در دهکده های قبطی نشین ساحل رود نیل همان سنت تا حدی رعایت می شود. تنها اُزیریس به الله تبدیل شده است. ساکنان قبطی یکی از دهکده ها که مسیحی اند هر سال مراسم پرستش نیل را به

ص: ۱۲۳

جای می آورند. با این تفاوت که به جای اُزیریس از عیسی مسیح یاد می کنند و از او برای خود و فرزندان خویش برکت و سلامت می طلبند. آب مورد نیاز اهالی از چهار نقطه در ساحل نیل تأمین می شود. مردم دهکده برای انجام مراسم نوروز الله به این چهار جا می روند. زن ها تا زانو در آب می روند و نه بار دست و رویشان را می شویند و نه بار غسل می کنند. مادری را دیدم که نوزاد خود را هم آورده بود و نه بار غسل می داد و زن دیگری هنگام غسل از رود نیل طلب فرزند می کرد زیرا ظاهراً نازا بود. جو، جو عبادت و نیاز و پرستش بود.

از چندین هزار سال پیش در شب فیضان نیل، مادران مصری به ساحل رود نیل می رفتند و از اُزیریس، خدای این رود، برای خود و خانواده خود طلب برکت و سلامت می کردند. در قدیم اُزیریس برای پذیرش خواست های پرستندگان قربانی انسانی هم طلب می کرده، اما امروز نه. در آفریقای سیاه باز به نیل توجه کنیم که

درباره آب آن روایت غلوآمیز فراوانی ذکر شده است. از جمله یاقوت در معجم البلدان می گوید که: در آب نیل یک نوع ماهی موسوم به زغاره هست که ماهی لطیفی است و هر کس به آن دست بزند و یا آن را به تور بیندازد، رعشه و لرزه ای در دست او پدید می شود تا دست از آن بکشد و همین که دست کشید این حالت برطرف شود. در افریقای سیاه گنجینه ای از اساطیر و باورهای کهن وجود دارد که برخی از آنها خاص قبیله یا قبایلی ویژه اند. در یکی از اسطوره های آفرینش رایج در نیجریه آمده است: در آغاز همه چیز آب بود. یک روز خدای خدایان (اودوماره)، اوتاپالا و اوری شافلا را برای خلق زمین از آسمان فرستاد. اوتاپالا به وسیله زنجیری از آسمان به زیر آمد با مقداری خاک و یک قطعه آهن و یک تکه زغال. وقتی که به زمین رسید آهن را روی آب گذاشت و خاک را روی آهن گذاشت و زغال را روی آنها قرار داد.

بلافاصله زغال گداخته شد و آهن را داغ کرد و خاک از هر سو گسترش یافت. در یکی دیگر از افسانه های آفرینش افریقایی سیاه می گوید: دریا در آغاز مسکن زمین بوده و زمین از دریا سر برآورده و گسترده شده است. در افسانه دیگری دریا سهمگین (تا حدی متأثر از اسطوره سومری بابلی) و جاندار است و سخن می گوید. بعضی اقوام افریقایی معتقدند که آب پیش از خشکی وجود داشته و برخی آتش را مقدم بر آب می دانند و پس از آن بقیه عناصر گیتی را. در غالب داستان های افریقایی آب بن مایه آفرینش است. پاشیدن آب بر گور مردگان که در ایران و برخی کشورهای دیگر رایج است در این افسانه ها تأکید شده. در اسطوره ای از «رودزیا» آمده است که: خدا ماه را آفرید. ماه مرد بود و در آغاز در ژرفای دریا می زیست. اما می خواست بر روی زمین زندگی کند. خدا به او گفت زندگی بر روی زمین بسیار دشوار است. پشیمان خواهی شد! ماه قبول نکرد.

پس خدا ستاره صبح را به زنی به ماه داد و آنها را به زمین فرستاد. ستاره صبح آتش را همراه خود به زمین آورد. وی از ماه باردار شد و درختان و سبزه ها و نباتات را زایید. ارتباط آب و ماه و آتش در این اسطوره به چنین ارتباطی در اساطیر هند و ایرانی بسیار شبیه است.

در اساطیر افریقایی بعضی عناصر از ضد خود به وجود آمده اند، مطلبی که فوق العاده اهمیت دارد، مانند سنگ از شیر خوراکی و آب از آتش و بالعکس. این عناصر در این اسطوره ها مکمل یکدیگرند نه متضاد و اضداد با هماهنگی و همزیستی و یگانگی در خلقت انسان دخیل بوده اند. در یکی از اسطوره ها انسان از ترکیب پنج عنصر پدید آمده: شیر، سنگ، آهن، آتش و آب. اما انسان به زودی مغرور می شود (قابل مقایسه با غرور جمشید و برداشته شدن فَرّاز او توسط اهورامزدا در اساطیر ایرانی) پس خدا جهل را برایش می آفریند.

ص: ۱۲۷

در تمام ادوار کهن کوه و آب در زندگی مردم نقش اساسی داشته اند. پیش از ابداع خط و کتابت تنها «کتابی» که از پیشینیان در دست داریم سفالینه ها و مهرهای گوناگون اند که با نقوشی معنی دار و اعجاب انگیز مزین اند. این نقوش بیان تصویری خواست ها و بیم ها و امیدها و حاصل استعانت از قوای طبیعت برای زندگانی بهتر در این جهان و آمرزش ابدی در آن جهان بوده اند. همان گونه که پس از ابداع خط و کتابت هیچ نشانه حرفی بی جهت و از روی تفنن به کار نمی رفت، پیش از آن هیچ تصویری و حتی هیچ خطی بر سفالینه ها و مهرها و دیواره کوه ها و غارها از روی تفنن و صرفاً برای تزئین نقش نمی بسته است.

ص: ۱۲۸

حتی شیوه معماری نیز حکمتی داشته و مطلبی را می رسانده است.

دانشمندان تاکنون راز بسیاری از بن مایه ها (موتیف ها) و نقوش بر سفالینه ها و مهرها را کشف کرده اند و تعبیر برخی دیگر به آینده موکول است. معنی دار بودن نمادها و بن مایه ها و خطوط و نقوش کهن حتی پس از ابداع خط و کتابت، از جمله در معماری و شهرسازی، دوام یافت.

در نقوش تخت جمشید و سایر مراکز تمدنی دوران های هخامنشی و اشکانی و ساسانی نیز وضع بر همین منوال است. و چنین است وضع در مورد قابل تعبیر و تفسیر بودن بن مایه ها و نقوش و مجسمه های ماقبل تاریخ و دوران تاریخی در سایر مناطق عالم از چین گرفته تا امریکای مرکزی و جنوبی. مثلاً در یک لیوان سفالی مکشوف در شوش، از اواسط هزاره چهارم پیش از میلاد، خطوطی زیگزاگ نقش شده که نماد کوهستان است و در میان آن کوه ها

ص: ۱۲۹

آبدانهایی به چشم می‌خورند که در یکی از آنها چهار نی رویده است.

بر جام سفالی دیگری، باز مکشوف در شوش، از اوایل هزاره چهارم پیش از میلاد، خطوط مبین کوه‌ها و آبدانها با تزئینات معنی‌دار دیگری همراه‌اند، خطوطی که گیاه را می‌رسانند و مربع‌هایی که مزارع را القا می‌کنند. نقش کوه و آبدان همچون بن‌مایه‌های اساسی نقوش همراه با خطوطی که مزارع و نباتات را می‌رسانند، نشان از تقدس و اهمیت کوه و آب و باران در فرهنگ سازندگان جام دارد. کوه در عالم ظاهر مطمئن‌ترین جا برای سکونت و دفاع از خود، سرچشمه آب‌های روان و محل چرای دام‌ها محسوب می‌شده و در عالم معنی جایگاه خدایان بوده است. در این جام‌ها و بسیاری از سفالینه‌ها و مهرهای منقش دیگر آب و کوه در کنار یکدیگر و در ارتباط با یکدیگر نقش شده‌اند. گاهی به جای خطوط القاکننده کوه و آب، از نمادهایی مانند برکوهی، که هم به آب و هم به کوه

ص: ۱۳۰

ارتباط داشته استفاده شده است. خطوطی که در نقوش جام های شوش نشانه آب و آبدان اند و در میانه قتل کوه ها ترسیم شده اند، تنها به آب ساکن نظر نداشته اند بلکه حتی بیشتر القا کننده آب روان اند، از چشمه های سار تا رود که معمولاً زاده کوه ها نیز در واقع فکر درست ارتباط آب روان و کوه به دوران نزدیک به ما نیز رسید از جمله در این بیت سعدی که می گوید:

اگر باران به کوهستان نبارد به سالی دجله گردد خشک رودی

و در صحنه های مذهبی نقوش سفال ها و مهرهای ماقبل تاریخ رب النوع و موکل آب مقام خاصی دارد و در حالات مختلف ترسیم شده است.

گاهی نقوش حاکی از مجالس بزم و سرورند که در آنها شربت های مقدس نوشیده می شوند و زمانی که بطور ساده به صورت خطوط موازی و مواج ترسیم شده که در کنارش درختی و نباتی روییده و رمه ای مشغول چراست. در

ص: ۱۳۱

یکی از مهرهای مکشوف از شوش رودخانه ای ترسیم شده که کناره هایش سنگ چین است و مردانی در آن مشغول شکارند. در عارفانه ترین نقوش، از ایزد آب، آب زندگی تراوش می کند. گاهی تصویر عصایی بلند و دسته دار نماد ایزد آب است زیرا این ایزد کوه نشین همیشه با عصا تصور می گردیده است (در هنر قدیم جزئی از یک پدیده عینی یا ذهنی در حکم کل آن پدیده تصویر می شده است).

مثلاً دم گاو و یا شاخ گوزن تمام گاوها و یا گوزن را می رسانده است. در مهرهای مکشوف از سیلکاب، هزاره دوم پیش از میلاد، ایزد مردی که موکل آب است که بر تخت نشسته و با نی بلندی از درون تنگ مدوری که گردن کشیده دارد، آب یا مایعی مقدس می آشامد. در زمینه این مهر تصاویر یک اسب، یک اژدها و یک بز کوهی که بر پشتش خورشید قرار دارد و یک شاهین دیده می شود. در آسیای غربی گاهی خدای آب و خدای زندگی یکی بوده، با ظرف آبی در دست

که مملو از آب زندگی بوده است، مانند استارته (۱) الهه ای که خدای دریا و همه طوفان ها بود و خالق رودخانه ها و فرمانروای آب های زمین و آسمان.

در حالی که در مَهْری مکشوف از چغازنبیل، رب النوع آب نیمی آدم است و نیمی ماهی. این خدا در زمان و مکان مختلف اشکال گوناگون داشته و حتی زمانی مرد و گاهی زن تصور می شده است.

در نقش کاسه ای مربوط به پیش از استقرار آریاییان، که در تخت جمشید کشف شده است، شاخ های هلالی شکل، که حتی به تنهایی مظهر آب بودند به قدری بزرگ و پیچ در پیچ طراحی شده اند که قسمت بزرگی از سطح ظرف را فرا گرفته اند در حالی که بدن جانور که صاحب آن شاخهاست بسیار کوچک

ص: ۱۳۳

است. زیرا هنرمند تنها به آب می اندیشیده نه خود حیوان و از ایزد آب برکت طلب می کرده است. نقش مرغان آبی دراز پا که از قدیم از مرغان مهاجری بودند که مدتی در آبدانهای محل، از جمله خوزستان به سر می بردند، باز اشاره به آب و آب دان بوده است. این نقوش را بحق باید «نخستین کتاب بشر» دانست، که نخستین آن در نجد ایران فراهم شده است. نقوشی متعلق به دوره ای بلافاصله پیش از ابداع خط و کتابت سرزمین همجوار (بین النهرین) و قسمتی معاصر با آغاز دوران خط و کتابت.

بی گمان همین نقوش یکی از پایه های ابداع خط به شمار می رفته اند. به سخن دیگر خطوط کتابتی اولیه بشر دنباله منطقی همین نقوش سفالینه ها و مهرها بوده است. بشر از دوران بسیار قدیم در اسامی (اسامی شخص و طایفه و محل) و نیز در بیان لفظی یا تصویری خواست ها و آرزوهای خویش، اعجازی سحرآمیز تصور می کرده که به خوشبختی صاحب اسم و اجابت آرزوهای او

می انجامیده است. به نظر مردم هر چه اسامی نیکوتر و هر چه عبارات آهنگین تر و هر چه نقوش زیباتر و پرمعنی بوده اند خوشبختی ها و اجابت آرزوها مطمئن تر بوده است. بدین گونه ادبیات اولیه بشر آهنگین و شعرگونه و اسامی سنتی و مقدس و نقوش، پرمعنی و مبتنی بر باورهای کهن بوده اند و تا جایی که به نقوش مربوط است باید مطمئن بود که هیچ تصویری و حتی هیچ خطی در هنرهای پیش از تاریخ و آغاز دوران تاریخی من درآوردی و بوالهوسانه و یا صرفاً به منظور تزئین نبوده است. اگر امروزه از زبان و کلام آن مردمان قدیم بی خبریم، تا حدی به زبان تصویری و تجسمی آن ها پی برده ایم و از این راه می توانیم با شیوه زندگی و تفکر و آرزوهایشان تا حدی آشنا شویم. پیشه وران هنرمند یا هنرمندان پیشه وری که نقوش سفالینه ها و مهرها را در (۵۵۰۰) سال پیش از این ابداع کردند، نخستین مورخان و نخستین پیشگامان خط و کتاب در این سرزمین و در جهان بوده اند. بر بدنه یکی از لیوان های مکشوف در شوش نمونه ای از

تکامل ثبت تصویری پیام انسان قدیم سرزمین ما مشهود است. در نقش این جام ماه به صورت بدر کامل دیده می شود که از خود رطوبت می تراود و به آبدانی چهارگوش، آب می فرستد.

تقدس آب در آئین هند و ایران

(۱)

در گستره هند و ایرانی نشین نیمه دوم هزاره سوم پیش از میلاد، بزرگترین کوه همانا کوه آرال و بزرگ ترین رودها ولگا و آرال بودند که اولی به دریای خزر و دومی به دریاچه آرال می ریخت. رودهایی پرآب تر از امروز دریاچه های بزرگ تر و پاکیزه تر از امروز. این اقدام مانند سایر هند و اروپائیان تمام عناصر طبیعت از جمله کوه و رود را به یکدیگر مربوط و وابسته می دانستند و آب ساکن

ص: ۱۳۶

۱- آب و کوه در اساطیر هند و ایرانی، امان الله قرشی.

و آب روان را یک پدیده می‌شمردند. در هفت هات از قسمت های قدیم اوستا، آبهای گوناگون گرمی داشته شده اند، از آغاز و از سرچشمه ها تا پایان، از سرچشمه های یخی برفی تا تالاب های واقع در کوه ها، چشمه ها و رودها و دریاها و نیز ابرهای موسمی باران زا که از دریا می‌برخیزند و از کوه ها آب روان می‌سازند.

روح آب در هند

(۱)

هندی ها معتقدند که آب و به خصوص آب روان حرکتش را به روحی که در آب زندگی می‌کند، مدیون است. به همین دلیل قوانین زیادی در مورد آب های روان در هند وجود دارد. مثلاً در «خاسی» (۲) پس از این که بچه ای به دنیا می‌آید،

ص: ۱۳۷

۱- آب، مترجم ژاله موسوی، کانون پرورش فکری، ۷۸.

۲- khasi.

مادر و بچه تا زمانی که ارواح را شاد نکرده اند، نباید لباسهایشان را در رودخانه بشویند، یا از آن بگذرند.

آنها گمان می کنند که چشمه های آب گرم وابسته به خدایان یا شیاطین هستند! چشمه های آب گرم «سیکیم» (۱) را یک روح شیطانی به وجود آورده است که باید او را راضی نگه داشت. در غیر این صورت بیماری درست می کند.

در پنجاب، مردم برای «راتال ها» (۲) یعنی روح چشمه ها و رودخانه ها مواد خوراکی هدیه می برند. مردم قبیله «گادو» معتقدند که آبگیرهای آرام و عمیق

ص: ۱۳۸

۱- sikkim.

۲- Ratal.

محل سکونت «بوجاریک»^(۱) است.

او یک زن جادوگر است که باعث می شود، مردها در آبگیرها غرق شوند.

نماد آب در تایلند

^(۲)

«ناگا» در تایلند، نماد آب است. آنها معتقدند، ناگا نوعی اژدهاست که از اتحاد انسان و آب به وجود آمده است و این ناگاها هستند که آب را در اختیار انسان قرار می دهند. در کشور تایلند، آب مهم ترین نقش را ایفا می کند. مردم خانه ها و

ص: ۱۳۹

۱- Bujarik.

۲- آب در کشورهای آسیا و اقیانوسیه، ژاله موسوی، کانون پرورش فکری، ۷۸.

اجتماعاتشان را در حاشیه رودخانه ها می سازند و از راههای آبی به عنوان خیابان استفاده می کنند. به همین دلیل، افسانه های زیادی در مورد آب در این کشور رایج است. ناگهای زیادی در این کشور وجود دارد. یکی از آنها، ناگایی است که دنیا را به بهشت پیوند می دهد و می توان آن را پس از باران که خورشید ظاهر می شود و قوس بزرگ رنگین کمان را پدید می آورد، دید.

انتهای رنگین کمان، آب را از زمین به بهشت می کشد و بعد آن را به صورت باران رها می کند. در حجاری این پیوند بین زمین و بهشت معمولاً با حرکت رو به بالای پلکان به صورتی نمادین درآمده و به شکل یک ناگا سنگ تراشی می شود. ناگا نشانه ایمان انسان به آب است و برای تمامی زندگان عالم رونق و حاصلخیزی به همراه می آورد.

ص: ۱۴۰

در مناطق زیادی از فیلیپین این باور قدیمی رایج است که آب تأثیر روحانی دارد. وقتی بچه ای به دنیا می آید با انگشت مرطوب پیشانی اش را لمس می کنند تا از خطر ابتلاء به بیماری مصون بماند و مرده را هم قبل از دفن کردن می شویند و اعتقاد دارند که مرگ، عبور از اقیانوسی بزرگ و رسیدن به دنیایی دیگر و در حقیقت سفر طولانی است. وقتی کسی مُرد، بقیه برای این سفر طولانی آماده اش می کنند. مرده را در یک قایق پر از غذا و سایر وسایل مورد نیاز سفر می گذارند، پس از مراسم سوگواری و خداحافظی، قایق را در آب دریا می اندازند.

آئین غسل تعمید مسیحیان و غسل مردگان به وسیله این رحمت الهی «آب مقدس» انجام می شود. یک مسیحی، قبل از ورود به کلیسا، باید انگشت اشاره اش

را در سنگی که مقابل در کلیسا قرار دارد و در آن آب مقدس است فرو برد و صلیبی روی سینه بکشد.

آب در بنگلادش

ناگل بندا (۱) روستایی در حاشیه و رودخانه براهما پوترا (۲) در سیزده کیلومتری پایتخت «داکا» (۳) است. در هشتمین روز یکی از ماه های بنگالی به نام چایترا (۴) مراسم عظیم تطهیر در رودخانه براهما پوترا انجام می شود.

ص: ۱۴۲

۱- Nagal banda.

۲- Brahma patra

۳- Dhaka.

۴- Chaitra.

آب در اندونزی

مسلمانان قبل از هر نماز از آب استفاده می کنند. هر مسلمان صبح زود قبل از طلوع خورشید برای نماز صبح وضو می گیرد. ما هر روز پنج بار نماز می خوانیم و قبل از هر نماز وضو می گیریم. وضو یعنی چه؟ وضو نوعی شستشو و عبادت است که قبل از هر نماز انجام می شود. وضو پاکیزه کردن خود است.

آب در سری لانکا

در سری لانکا مراسم خاصی وجود دارد که در آن پیر بودایی آب را متبرک می کند. راهبان بودایی، پاره ای از تعلیمات بودای بزرگ و افراد دیگر را به منظور تبرک برای مردم و محیط می خوانند. در حین خواندن دعا بقیه راهبان دور یک میز کوچک می نشینند و ظروفی را که در آن آب تمیز است روی میز قرار می دهند.

چند متر نخ را که از سه رشته تشکیل شده است، دور یک دوک می پیچند که

این دوک از برگ درخت خاص شده است. تقریباً نیم متر انتهای رشته را دور دوک نمی پیچند و داخل ظرف آب می گذارند. دهانه ظرف آب را با یک پارچه سفید می پوشانند و دور پارچه و دهانه ظرف نخ می پیچند تا محکم شود. بعد، دوک را کم کم باز می کنند و به تک تک راهبانی که رشته را نگه داشته اند، می دهند. پس از آن، دوک بین مردمی که آنجا برای مراسم جمع شده اند، دست به دست می چرخد و کم کم آن را باز می کنند و هر کس قسمتی از رشته نخ را در دست می گیرد آنها معتقدند، وقتی پیر بودایی دعا می خواند، دعا از طریق رشته ها به کسانی که رشته ها را در دست دارند، می رسد و آنها متبرک می شوند. دعا به آب داخل ظرف هم می رسد و آب هم متبرک می شود. پس از این مراسم، آب مقدس بین مردم تقسیم می شود. مردم با دست مقداری آب می گیرند، می نوشند و صورتشان را مسح می کنند.

مثل های آب از مالزی و کره

مالزی: در حال غواصی کردن، یک شکم سیر هم آب بنوش!

آب که آرام است فکر نکن که تمساحی نیست.

کره: آب نمی تواند، خلاف جهت حرکت کند.

آب با یک تکه چوب جدا نمی شود.

جشن و مراسم آب پاشی (آبریزگان)

[\(۱\)](#)

از جمله مراسم معتبر و مشهوری که به نوروز منسوب است و اغلب مورخان و نویسندگان بدان اشاره کرده اند رسم شست و شو و غسل کردن و آب پاشیدن به یکدیگر می باشد. اما این رسم یا در آغاز تیرماه یعنی روز اول تابستان و یا در

ص: ۱۴۵

۱- جشن های آب، هاشم رضی، انتشارات بهجت، تهران، ۱۳۸۳، سازمان پژوهش های ایران شناسی.

تیرروز (سیزدهم) از ماه تیر، یعنی جشن تیرگان انجام می شده است. به موجب عدم اجرای کیسه که نوروز از محل طبیعی خود، یعنی اعتدال بهاری تغییر یافته بود و یا برای اینکه به طور اصولی آغاز سال و نوروز از ابتدای تابستان شروع می شد، این تشتت پیش آمد، چون اختلاف ها و تشتت های دیگر در روزشماری و تقویم. اما باید که این جشن در آغاز تیرماه یعنی تابستان برگزار می شد.

هنگامی که نوروز بر اثر گردش سال، به اول تابستان مقارن شده بود یا هنگامی که در زمان معتضد نوروز معتضدی از نوروزهایی معروف که بیانگر دو وجه است یکی جشن و شادی و سنت ها و دیگری حساب و شمار روز و ماه و سال در دوران اسلامی چه اهمیتی به سزایی داشته که گاه دستگاههای خلافت، خود از ایرانیان در زنده نگاه داشتن آن پیشی می گرفتند. به موجب تعیین هنگام اخذ خراج و مالیات، آغاز سال را در تابستان قرار دادند این تقارن روی داده است.

چون در هنگام طبیعی نوروز و اعتدال ربیعی، موقع ریزش باران می باشد. لیکن در اواخر بهار و آغاز تابستان است که جهت سیرابی کشتزار باران به ندرت می بارد و مراسم جادوی تقلیدی و شعائر تمثیلی جهت بارش باران انجام می گردد:

«المعتضد بالله در سنه ۲۸۲ کیسه را جاری ساخته و نوروز یعنی اول فروردین ماه را که در آن سال مطابق دوازدهم آوریل بود، در یازدهم ژوئن «که در موقع وفات یزدگرد سوم در آنجا بود» یعنی به جای اول خرداد ماه سال ۲۶۴ یزدگردی قرار داد ... و این سال معتضدی ظاهرا مدتی برای امر مالیات در جریان ماند ... ظاهرا نوروز معتضدی به زودی رواج یافت و حتی در بغداد جای نوروز قدیم را گرفت.

ص: ۱۴۷

بنیادهای اسطوره ای جشن آب پاشی در بین النهرین، اسطوره کهن تَموز(۱) و ایشتار، نمادها و کنایه های اسطوره ای در جشن های بهاری سال نو و سوگواری، همانندی اسطوره سیاوش در چنین مراسمی، آشوری ها و بنیاد جشن های فصلی و همانندی با جشن و سوگ نوروزی یا فروردگان، همانندی مرگ تَموز و مراسم سوگ سیاوش، بنیاد کهن آب پاشیدن پشت مسافر در ایران و مفهوم روشن آن، مراسم جشن آب پاشی آشوری ها، جشن کلوسولاقا میان آشوری های ایران برگ زَرینی را در تمدن کهن ایران باستان در تکریم و اهمیت «آب» به خود اختصاص داده است. آنچه که از اسناد بابلی و آشوری کهن

ص: ۱۴۸

برمی آید، تَمّوز (= دموزی) خدای رویش گیاهان و زندگی بود. اسطوره ای که درباره تَمّوز آمده است با اسطوره آدونیس یونانی و دموزی و سیاوش و اوزیریس مصری و آذَهون کنعانی ها در یک روال و بارور از یک مفهوم نمادین است. تَمّوز خدای گیاهان، خدایی زمینی بود که در پیوندی بسیار نزدیک با محصولات کشاورزی و گله های گاو و گوسفند قرار داشت. ازدواج وی با ایشتار، ایزد بانوی عشق و باروری و حاصل خیزی در سراسر بین النهرین و بعدها خاورمیانه به شیوه های گوناگون در اسطوره ها و قصه ها بیان می شد. در بین النهرین که گرمای سوزان تابستان گیاهان را خشک و کشاورزی را دچار وقفه می کرد و در طبیعت، این سکون به مرگ تعبیر می شد، بازگشت فصل باروری و زندگی و رویش را که مظهر ادامه حیات بود، ضروری جلوه می داد. به همین جهت مردم با اطمینان به این که در بهار خدای گیاهان باز خواهد گشت و

نعمت و فراوانی به همراه خواهد آورد، به زندگی ادامه می دادند.

یکی دیگر از مراسم، برای تمّوز و یادمان او، جشن آب پاشی است. این مراسم میان مسیحیان آشوری در ایران نیز هنوز به یاد تمّوز، اما در شکل متأخر برای قیام مسیح هر ساله برپا می شود. هر ساله آشوریان بنا بر یک سنت کهن، برای مشایعت خدای تمّوز، زمانی که به جهان زیرین و دنیای مردگان می رود به بدرقه و دنبالش آب می پاشند. با الهام از این رسم دیرین، به دنبال یک مسافر آب می پاشند تا هرچه زودتر به سلامت از سفر بازگردد.

باید توجه داشت که چنین سنت و رسم و اندیشه ای، هنوز در سراسر ایران زنده است و در مراسم بدرقه مسافر، کاسه آبی بر زمین می پاشند بدان امید که هرچه زودتر بازگردد. نام این عید در آشوری کهن (نوسَرد ایل) می باشد به معنی آب پاشیده شده در راه خدا.

مراسم آب پاشی یا جشن نو (سَرْدایل) در آغاز تابستان و پایان بهار به

ص: ۱۵۰

یادمان فرورفتن تموز به جهان زیرین برگزار می شد که در پس خداوند آب هایی فراوان می پاشیدند که زودتر بازگردد.

زرتشتیان نیز در آغاز تابستان و تیرماه، جشن آب پاشی را هنوز برگزار می کنند. آشوری ها در روز جشن آب پاشان بامدادان در کلیسا به ادای مراسم دینی پرداخته و پس از آن به بیرون شهر به ویژه مناطق سبز که کنار رود و آب باشد رفته و با مراسم جشن و سرور و صرف خوراک های گوناگون و همگانی و آب پاشیدن به هم، روز را به پایان می رسانند.

جشن آب پاشان در پاکستان و هند

مدارک تاریخی از رواج سنت آب پاشی و جشن آب پاشان در هند و پاکستان، حکایت دارد.

جشن های ایرانی در سرزمین هند و پاکستان، به ویژه از دوران سلاطین

ص: ۱۵۱

غزنی به بعد، به شکل گسترده ای رواج داشتند و دارد. این جشن ها هم میان عامه مردم و هم در دربارها با همه مراسم و آداب آن برگزار می شد. از جمله مراسم نوروزی، چنان که مشروح بدان پرداخته شد، رسم آب پاشی که در دربارهای هلی و پادشاهان تیموری از شکوه خاصی برخوردار بود. جشن آب پاشان، جشن ترکان و یا عید گلابی نامیده می شد و تا زمان اورنگ زیب در دربار دهلی برگزار می شد.

در پاکستان میان شیعیان رسم است که نزدیک به تحویل سال، افراد خانواده گرد هم جمع آمده و پای سفره نوروزی می نشینند. در میان سفره کاسه ای پر از آب در یک سینی می گذارند که در آن گلاب و عطر می ریزند. پس از تحویل سال و خواندن ادعیه وارده بزرگ خانواده یا کسی که قرائت ادعیه را به شکل همسرایی رهبری می کند، شادباش گویان دست درون قده آب معطر کرده و آب

را به سر و صورت حاضران می پاشد و بقیه را در گوشه ای از حیاط خانه، در باغچه می پاشند. شیعیانی که از هند و پاکستان مهاجرت نموده اند، رسم بسیار زیبا و شورانگیز آب پاشان را همراه آورده اند. آنان در روز عید، آب رنگارنگ را به وسیله تلمبه های کوچک و ظریف (=آب پاش و گلاب پاش دستی) به روی یکدیگر می پاشند و از این بازی لذت بسیاری می برند.

ضرب المثل های آبی

(۱) قطره قطره جمع گردد وانگهی دریا شود.

(۲) کی شود دریا به پوز سگ نجس. این مثل از شعر مولانای رومی اقتباس شده است.

(۳) چون بینی که نابینا و چاه است

اگر خاموش بنشیند، گناه است

(این بیت از سعدی شیرازی است).

ص: ۱۵۳

(۴) تو نیکی م

ی کن و در دجله انداز

که ایزد در بیابانت دهد باز

(این بیت نیز از سعدی شیرازی است).

(۵) در خصوص فروتنی نیز سعدی در بوستان از تمثیل قطره و دریا بهره می گیرد و می گوید:

یکی قطره باران ز ابری چکید

خجل شد چو پهنای دریا بدید

که جایی که دریاست من کیستم؟

گر او هست، حقاً که من نیستم

چو خود را به چشم حقارت بدید

صدف در کنارش به جان پرورید

ص: ۱۵۴

سپهرش به جایی رسانید کار

که شد نامور لؤلؤ شاهوار

بلندی از آن یافت کو پست شد

در نیستی کوفت تا هست شد

(۶) در گلستان باب آداب صحبت آمده است:

«اندک اندک خیلی شود و قطره قطره سیلی گردد» (۱)

آب گونه ها در متون کهن فارسی

آب گونه ها به چندین دسته از جهت شیوه به دست آمدن آنها، تقسیم می شوند:

(۱) از فشردن و کوفتن میوه ها و سبزی ها مانند: آب سیب، آب ترب

(۲) از پختن مواد خوراکی در آب مانند: آب پاچه، آب کُرنب

ص: ۱۵۵

۱- دانشنامه آب و آبشناسی در قرآن کریم، کریمیان سردشتی، ص ۵۹.

۳) از ریختن میوه های خشک در آب مانند: آب آلو، آب زرشک

۴) از حل کردن چیزی در آب مانند: آب انگبین آب قند آب گچ

۵) از جدا شدن آب از چیزی که در آن آب هست مانند: آب پنیر آب ماست

از برخی از آب گونه هایی که به روش های یادشده به دست می آید به عنوان خوراک استفاده می شود. در طب قدیم از برخی از آن آب گونه ها، علاوه بر خوراک به عنوان دارو و درمان بیماری ها استفاده می شده است. (۱)

اعتقاد ایرانیان قدیم به آب نر و ماده

اعتقاد به نر و ماده بودن آب چشمه ها و رودها و قنات ها کم و بیش بین مردم نقاط مختلف ایران رواج داشت و علایم و مشخصات آن به قرار زیر بود: مردم ایزد خواست (که محلی ها به آن یزدخواست می گویند) در نزدیکی شهرضا معتقد

ص: ۱۵۶

۱- دانشنامه آب و آبشناسی در قرآن کریم، کریمیان سردشتی، ص ۶۲.

بودند آبی که در حال حرکت صدا نکند ماده است و آبی که موقع رفتن سُرشُر کند نر است. در قمبروان آب مزرعه «ده زیر» را نر و آب مزرعه «شوری» را ماده می دانستند. هر دو قنات به یک اندازه آب دهی داشت، آب و ملکشان هم نزدیک بود، اما در یک شبانه روز ده زیر شش جریب زمین را مشروب می کرد و شوری پنج جریب را. در واقع کیفیت حرکت آب نر و ماده در جوی را متفاوت می دانستند، می گفتند آب قنات نر سریع تر حرکت می کند. همچنین معتقد بودند اگر آب ده زیر (آب نر) را به آب شوری (آب ماده) اضافه کنند، آب ده زیر کم می شود و آب شوری زیاد.

در تاکستان قزوین نر و مادگی آب به نوع خاک در بخش آبده قنات ها نیز مربوط می شد. قناتی که در این بخش به خاک آهکی یا گرجه یا ماسه لات زردرنگ بر می خورد، نر و کم آب دانسته می شد و چنانچه

(صفحه ۱۵۷)

ص: ۱۵۷

به خاک رس مخلوط با سنگ های نخودی الوان بر می خورد، ماده و پر آب.

مُقَنّی های اراک عقیده داشتند اگر دست و پایشان در آب قنات زبر بشود و تَرک بخورد، آب نر است و اگر نرم بشود ماده.

آب دزدی در قدیم

هونجان که اهل محل به آن «هونگون» می گویند، یکی از آبادی های بزرگ سمیرم سفلی و بخش حومه قمشه یا شهرضاست. این آبادی کوهستانی است و در زمستان برف و باران بسیار دارد. معروف ترین کوه هونجان «علی جوب» (= جوری) است که آب چند چشمه و رود، از جمله «زرچشمه» را تأمین می کند. زر چشمه علاوه بر هونجان چند آبادی دیگر را مشروب می کند. این چشمه چنان پر آب است که در قدیم سدی به نام «قتلغ شاه» بر آن بسته بودند. آثار این سد هنوز باقی است. هونجان چند رشته قنات هم داشت.

ص: ۱۵۸

وقتی آب هونجان کم می شد، مردم می گفتند:

«آب ما نراست، رفته دنبال آب ماده یزد خواست.» و همگی در خانه کدخدا، در قلعه هونجان، جمع می شدند و می کوشیدند یکی از مردان را برانگیزند تا به یزدخواست برود و مشکی آب بدزدد. این کاری بسیار خطرناک بود، چون یزدخواستی ها نیز می پنداشتند با دزدیده شدن همان یک مشک آب، موجبی برای کم شدن آب شان فراهم می شود. در نتیجه اگر آب دزد هونجانی به دست یزدخواستی ها می افتاد، حسابش با کرام الکاتبین بود و چنان او را می زدند که گاه از جا بر نمی خاست. خون آب دزد بر ذمه خودش بود. بنابراین کمتر کسی داوطلب آوردن آب می شد. در بیشتر سال ها برای انتخاب آورنده آب، سرانجام کار به قرعه می کشید، قرعه به اسم هر که درآمد باید به یزدخواست می رفت. صبح یک روز پنجشنبه آب دزد را با یک مشک خالی و آذوقه سفر به راه می انداختند، چند نفر تا نیم فرسخی بدرقه اش

ص: ۱۵۹

می کردند. در یزدخواست آب دزد از هر چشمه یا قناتی که بیشتر آب داشت مشک را پر می کرد، شیوه چنین بود که روی چشمه را با چادری بپوشاند تا هیچ کس حتی آسمان برداشتن آب را نبیند. بعد در مشک را محکم می بست، مشک را در توبره می گذاشت و به بیرون ده می رفت. یزدخواستی ها باید متوجه می شدند که آب شان دزدیده شده است.

آب دزد بیرون آبادی منتظر می نشست تا یکی از اهالی یزدخواست را ببیند. به محض دیدن او فریاد می زد:

«آی یزدخواستی ها آب شما را بردیم!» و پا به فرار می گذاشت.

اگر یزدخواستی ها او را گرفتند که هیچ، اما اگر می گریخت، به هونجان که می رسید کدخدا جلو پایش گوسفند قربانی می کرد، اهالی به دیدنش می رفتند و با بارک الله و آفرین هنرش را ستایش می کردند. پاداش هم می گرفت. بعد با

ص: ۱۶۰

سلام و صلوات مشك را می بردند و آبش را روی آب زر چشمه می ریختند. هونجانی ها معتقد بودند با این کار زرچشمه را زیاد می کنند. روز بعد کدخدا جشن می گرفت و به مردم گز و شیرینی و چای می داد.

در روایت دیگر، بعد از عید نوروز، یک روز جمعه، که هوا آفتابی بود، ریش سفیدهای هونجان دور هم جمع می شدند، از اهالی پولی می ستانند و به مرد زن داری می دادند که هم زنش را خیلی دوست داشته باشد و هم بتواند خوب بدود. این مرد صبح روز شنبه، پیش از طلوع آفتاب، کوزه یا مشکی را برمی داشت و به یزدخواست می رفت. وقتی آب را می دزدید، بیرون ده کمین می کشید و تا یزدخواستی بی دست و پایی را می دید، می گفت:

آب نرو آبِ موده دزده هم با مشك و کوزه

ص: ۱۶۱

و فرار می کرد. بعد آن آب دزد نباید به پشت سرش نگاه می کرد، نباید مشک را زمین می گذاشت. بین راه اگر می خواست استراحت کند باید درختی گیر می آورد و مشک را به شاخه ای می آویخت.

روایت یزدخواست: این رسم را یزدخواستی ها هم داشتند. آب چشمه های یزدخواست یعنی بُردکان، بُردنگان، شورچشمه و شیرین چشمه را که از کوه مروارید سرچشمه می گیرد نر می دانستند و آب اسفرجان (از دهات شهرضا) را ماده. برای زیاد شدن آب چشمه های یزدخواست، به ترتیبی که در روایت های قبل ذکر شد، آب چشمه اسفرجان را می دزدیدند و روی آب چشمه هایشان می ریختند.

ص: ۱۶۲

ریاضی دان یونانی (۲۸۷-۲۱۲ ق.م.) در سیراکوز زاده شد پدرش فیویاس، منجم آن شهر بود و ارشمیدس بخشی از مقدمات ریاضی را نزد او فراگرفت. ظاهراً خانواده ارشمیدس با هیرون دوم فرمانروای سیراکوز خویشاوندی داشتند. ارشمیدس در آغاز جوانی، در دورانی که مدرسه اسکندریه در اوج شکوفایی بود، به آنجا رفت و به کسب دانش پرداخت. او در دوران اقامت طولانی در اسکندریه با نام آورترین ریاضی دانان آن شهر پیوند دوستی برقرار کرد، چنانکه پس از بازگشت به زادگاه خود نیز همواره با ایشان مکاتبه داشت و آنان^(۱)

ص: ۱۶۳

۱- دانشنامه آب و آبشناسی در فقه و روایات، ص ۴۸، کریمیان سردشتی.

برای اثبات برخی گزاره های هندسی از او یاری می جستند. ارشمیدس پس از بازگشت به سیراکوز، زندگی خود را وقف تدریس ریاضیات، حل مسائل هندسی و اختراع ابزارهای مکانیکی ساخت. او را بزرگ ترین ریاضیدان باستانی شمرده اند و ظاهراً در یونان باستان عنوان مهندس ویژه او بود و در میان ریاضیدانان دوره اسلامی هم به همین عنوان شهرت داشت.

ارشمیدس علاوه بر ریاضیات، به فیزیک، نجوم و مکانیک نیز، به سبب کاربرد ریاضیات در آنها، علاقه نشان می داد. در حقیقت بیشتر به جنبه نظری علوم توجه داشت و جز در مواردی که نیاز جامعه ایجاب می کرد، به جنبه کاربردی آنها نمی پرداخت. ارشمیدس پایه گذار دانش تعادل مایعات، کاشف نیروی رانش (قانون ارشمیدس) و قانون اهرم شناخته شده است.

نیز گفته اند که ارشمیدس برای دفاع از سیراکوز در برابر حملات رومیان،

منجیق های بزرگی ساخته بود و به کمک آنها سنگ های بزرگ و گلوله های سربی را به سوی سربازان و کشتی های دشمن پرتاب می کرد. ابزارهایی که ارشمیدس ساخته بود و هر یک از آنها در آن دوران معجزه ای به شمار می رفت، رومیان را بر آن داشت که تا مدت ها از حمله به سیراکوز چشم پیوشند و به محاصره آن اکتفا کنند.

به رغم اختراعات نبوغ آمیز ارشمیدس، سرانجام پس از دو سال رومیان با استفاده از غفلت نگهبانان سیراکوز، شهر را گشودند. در این رویداد، ارشمیدس غرق در اندیشه حل مسائل ریاضی، اصلاً متوجه سقوط شهر نشده بود و با آنکه مارسلوس، فرمانده رومیان دستور داده بود که به آن دانشمند آسیبی نرسانند معهداً به دست سربازی رومی کشته شد.

وی در زمینه علم حساب، اشکال هندسی منحنی و مسائل تعادل هندسی و نیز

ص: ۱۶۵

تعادل مایعات آثار و تألیفاتی دارد. دانشمندان مسلمان تنها در اواسط سده سوم قمری با تألیفات ارشمیدس آشنا شدند و به ترجمه و بررسی آثار وی پرداختند.

در منابع اسلامی، از ارشمیدس به عنوان دانشمندی که با آینه های سوزان کشتی های دشمن را به آتش می کشیده است و نیز به عنوان یک یونانی که در مصر می زیسته و دانش های بسیاری از مصریان آموخته و نخستین کسی است که در زمین های بیشتر روستاهای مصر، برای جلوگیری از نفوذ آب نیل به هنگام طغیان، سدبندی کرده و پل هایی برای حفظ ارتباط میان روستاها ساخته است و اینکه دانشمندان مصر بیشتر از او بهره برده اند تا او از آنان، سخن گفته شده است. همچنین حفر آبیگری را در مصر، برای آنکه آب دریا به هنگام مدّ بدان ریزد و به هنگام جزر از آن بیرون رود بدون آنکه به آب نیل آسیبی برسد، به وی نسبت داده اند. یکی از آثار و تألیفاتی که به نام ارشمیدس ثبت شده است کتاب

ص: ۱۶۶

آلات آبی است که در هر ساعت مهره ای اندازد. محمدبن اسحاق ملقب به ندیم و تاریخ الحکمای قفطی از این کتاب یاد کرده اند.

۲ ابوزید انصاری

سعیدبن اوس بن ثابت خزرجی انصاری (۱۲۱ ۵/۲ ق/ ۷۳۹ ۸۳۰ م) لغوی، راوی و نحوی که کتاب هایی را نیز به باران و مباحث آب شناسی و گیاه شناسی تألیف و تدوین نمود. جدّ از قبیله خزرج و از انصار پیامبر صلی الله علیه و آله بود و نسبت انصاری و خزرجی وی از همین جاست.

ابوزید اگرچه وابسته به مکتب بصره بود، اما شوق دانش اندوزی او را بر آن داشت تا به دور از هرگونه تعصبی در مجالس درس کوفیان نیز به کسب علم پردازد. وی دیوان های شعر عرب را از مفضل ضبی و دیگر کوفیان فراگرفت. ابوزید نحو را نزد یونس و کسبان نحوی فراگرفت.

ص: ۱۶۷

از جمله آثار و تألیفات ابوزید انصاری کتاب المطروی می باشد که مجموعه ای است از اصلاحات مربوط به آب ها و باران ابرها و رعد و برق که مؤلف در آن کمتر از اشعار عربی به عنوان شاهد مثال استفاده کرده است. کتاب المیاه درباره واژگان مربوط به آب و آب شناسی که ابوزید آنها را از زبان بدویان و فصحای عرب شنیده و گردآورده بود نیز از دیگر آثار این دانشمندان مسلمان درباره آب است.

۳ طاهر آب شناس

در خصوص این شخصیت دادستان هایی در بین مقنّیان ایران متداول است که گزارش های تاریخی صحّت و سقم آنها را تأیید یا ردّ نمی کند و مبهم و مجهول مانده است. مقنّیان در زمینه تاریخ پیدایش قنات بدین گونه گزارش کرده اند: که در زمان های بسیار قدیم شخصی بود به نام (طاهر آب شناس).

ص: ۱۶۸

طاهر در منطقه ای مشاهده کرد که زمین مرطوب و آبدار است ولی در فاصله ای از آن منطقه سکنه به آب نیازمند هستند. طاهر چون خود آب شناس بود دریافت که با کندن چاه می تواند آب ها را جمع آوری و با زدن نقب آب ها را به منطقه زبردست به جریان اندازد. نامبرده به دیوان دستور داده که چاهی حفر کنند و سپس به زدن نقب پردازند و بدین ترتیب اولین قنات به وجود آمد. اینک متن افسانه را که در حوزه های جغرافیایی ایران به ویژه حوزه شهداد (به استناد مقاله ارزشمند "افسانه پیدایش قنات در حوزه شهداد" به قلم سلیم سلیمی مؤید) همچنان باقیمانده نقل و ارائه می شود و نقش طاهر آب شناس به خوبی در آن نمایانده شده است:

در زمان های دور و بسیار قدیم گروهی از مقنی ها بودند که از طایفه خوبان به شمار می رفتند آنان ابتدا در این منطقه و سپس در تمام دنیا اقدام به حفر قنات کردند. آنها شنبه هر هفته از مظهر قنات شروع به حفر کوره و میله چاه قنات می نمودند و یک رشته قنات را تا روز جمعه به اتمام می رساندند و صبح روز

جمعه از مادر چاه قنات بیرون می آمدند و به همین صورت گروه طاهر در طی هر هفته یک رشته قنات را حفر و راه اندازی می کردند. [در روستای ده نو تکاب روایت می کنند، این گروه صبح تا شب یک رشته قنات حفر می کردند و نژاد آنها از نوع آدم و انسان های معمولی نبوده اند].

حاصل تلاش عجیب و سخت آنها، حفر تمام قنات های دایر و مخروطی منطقه تکاب (1) و حتی نقاط دیگر است. به دلیل اینکه آنها از طایفه خوبان بودند. برای اینکه کار آنها سرعت بیشتری به خود بگیرد از طرف خداوند تمام کارهای آنها

ص: ۱۷۰

۱- در حوزه شهداد غیر از نقاط غربی شهر شهداد و نقاط کوهستانی عموماً «تکاب» نامیده می شود و شامل روستاهای زیادی است. تکاب در لغت به معنی «ته» و «آب» است و تمام آب ها به آن جا ختم شده و در شن زارهای کویر فرو می روند.

آسان می شد. برای نمونه اعضای گروه در هنگام حفر قنات نیاز چندانی برای پرکردن گل و لای در دلو و حتی کشیدن دلوهای سنگین گل و لای و یا خاک میله چاه و کوره قنات نداشتند.

مردم چنین نقل می کنند، وی فردی بسیار باتجربه و ماهر است که در حفر قنات تجربه های بس گرانبهایی دارد وی با یک نگاه به گیاهان، سنگها، عوارض و موقعیت طبیعی متوجه وجود آب می شود. وی می داند که در چه نقطه ای آب به چه مقدار است. مادر چاه را در چه نقطه ای باید حفر نماید و محال است وی گمانه ای به عنوان مادر چاه حفر نماید که آب نداشته باشد. وی همواره در بالای میله چاه قنات قرار دارد و علاوه بر مسئولیت های سنگین، دلوهای گل و لای را خالی می کند. همچنین منابع مالی و جهت بخشیدن گروه مقنی و تعیین میزان عمق میله چاه و شیب بندی کوه را تعیین می کند.

آب همواره پاکیزه است

جای شگفتی است که آب هرگاه به آسمان برسد، همواره تمیز است. زیرا، فقط این آب خالص است که به شکل بخار درمی آید و گل و لای و املاح آن برجای می ماند. یعنی تا هنگامی که هوا تمیز است. آب باران، زلال و قابل استفاده است، مگر آنکه ما آن را آلوده کنیم. دود کارخانه ها و خودروها، همواره مانع باریدن بارانی پاکیزه خواهند بود و همچنین فضولات دامداری، دستشویی ها، فاضلاب ها، مواد زائد کارخانجات یا مواد شیمیایی مخلوط در آب، همواره آن را آلوده می کند. (۱)

ص: ۱۷۲

۱- آب در کشورهای آسیا و اقیانوسیه، کانون پرورش فکری، مترجم: ژاله موسوی، ۷۸.

پوسته آب

یکی از مسائل شگفت انگیز در مورد آب، پوسته آن است. اگر از فاصله ای نزدیک به یک عنکبوت آبی که روی سطح برکه ای راه می رود، به دقت نگاه کنید، این پوسته را می توانید مشاهده کنید. یا اگر یک ساقه علف را به آرامی بر روی سطح آب زلال در یک کاسه قرار دهید، این پوسته را خواهید دید. (۱)

شناور شدن و فرورفتن اجسام در آب

اگر یک قطعه سنگ یا فلز را در ظرف آبی بیندازیم، در آب فرو می رود. اما بسیاری چیزها کمی در آب فرو می روند. قایق ها و کشتی ها در آب شناور می مانند. کشتی و قایق را به شکل خط جریان می سازند تا بتوانند

ص: ۱۷۳

۱- آب در کشورهای آسیا و اقیانوسیه، کانون پرورش فکری، مترجم: ژاله موسوی، ۷۸.

آب را بشکافد و به آسانی حرکت کند.

جالب است بدانید: ماهی ها، دلفین ها، اراک ماهی ها و گراز ماهیها، همگی بدنی به شکل خط جریان دارند. بعضی از جانوران کوچک که در آب ساکن زندگی می کنند، می توانند روی آب بدونند. سوسک آب پیمای برکه، این کار را هر روز تکرار می کند. به طور کلی، بدن تمام جاندارانی که در آب زندگی می کنند و حرکت سریع دارند، به شکل خط جریان آب است.

آب از چه چیزهایی دور می شود

بعضی از پرندگان و جانوران، پوشش بدنشان ضد آب است. بسیاری از مرغابی ها برای یافتن غذای خود به زیر آب می روند. وقتی به سطح آب می آیند، بال و پرهایشان را تکان می دهند. با این عمل آب از بال و پرشان می ریزد. آب از پوست بدن جانورانی مثل خوک آبی و سمور آبی نیز دور می شود.

ص: ۱۷۴

در زندگی روزمره ما نیز وسایلی وجود دارند که آب به آسانی از آن عبور می کند. این گونه مواد را ضد آب می گویند. مانند، چادرهای مسافرتی، بارانی و کاپشن که از مواد ضد آب ساخته می شوند.

جالب است بدانید: هوا نیز در آب حل می شود. ماهی ها و بسیاری از جانوران آبی اکسیژن لازم برای تنفس خود را از هوایی که در آب حل شده است به دست می آورند.

خواص ویژه آب

مقدار آبی که در سیاره ما وجود دارد، هرگز تغییر نکرده است. آب همواره از شمال به جنوب، از شرق به غرب، از کشوری به کشور دیگر، در گردش است. در واقع، مولکول آبی که در بدن تو در گردش بوده است، ممکن است امروز در بدن من در گردش باشد! کره زمین را سیاره آبی می خوانند و آب بخش بنیادی تمامی سیستم های روی زمین است. آب، حتی هنگامی که جذب مواد یا موجودات زنده می شود، خواصی استثنایی دارد و یکی از خواص آب، رساندن دمای خود و مواد

در آغاز آفرینش، جهان هستی به صورت مواد مذابی بود (یا گازهای فوق العاده فشرده که شکل مواد مذاب و مایع را داشت).

سپس در این توده آب گونه حرکات شدید و انفجارات عظیمی رخ داد و قسمت هایی از سطح آن پی در پی به خارج پرتاب شد، این اتصال و به هم پیوستگی به انفصال و جدایی گرائید و کواکب و سیارات و منظومه ها یکی بعد از دیگری تشکیل یافتند.

ص: ۱۷۷

۱- مطالب این فصل تا صفحه ۱۹۹ از تفسیر جوان (خلاصه تفسیر نمونه آیه الله مکارم شیرازی) تألیف آقای دکتر محمد بیستونی استخراج شده است. بنابراین جهان هستی و پایه تخت قدرت خدا نخست بر این ماده عظیم

آب گونه قرار داشت. این همان چیزی است که در آیه ۳۰ سوره انبیاء نیز به آن اشاره شده است.

أَوَلَمْ يَرِ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا أَفَلَا يُؤْمِنُونَ: آیا آنها که خدا را انکار می کنند با چشم علم و دانش این حقیقت را ندیدند که آسمان و زمین، در آغاز به هم پیوسته بود، سپس ما آنها را از هم گشودیم و هر موجود زنده ای را از آب آفریدیم». (۱)

«إِنَّ لَكَ أَلَّا تَجُوعَ فِيهَا وَلَا تَعْرَى: (اما تو در بهشت راحت هستی) در آن گرسنه نمی شوی و برهنه نخواهی شد». (۲)

«وَأَنَّكَ لَا تَظْمَأُ فِيهَا وَلَا تَصْحَى: و در آن تشنه نمی شوی و حرارت آفتاب

ص: ۱۷۸

۱- ۳۰ / انبیاء.

۲- ۱۱۸ / طه.

در این جا سؤالی برای مفسران مطرح شده و آن این که چرا در این آیات تشنگی با تابش آفتاب و گرسنگی با برهنگی ذکر شده، در حالی که معمولاً تشنگی را با گرسنگی همراه می آورند. در پاسخ این سؤال چنین گفته اند که میان «تشنگی» و «تابش آفتاب» پیوند انکار ناپذیری است، («تَضْحَى» از ماده "ضُحَى" به معنی تابش آفتاب بدون حجاب ابر و مانند آن است). و اما جمع میان گرسنگی و برهنگی ممکن است به خاطر این باشد که گرسنگی نیز نوعی از برهنگی درون از غذا است (بهتر این است که گفته شود این دو: برهنگی و گرسنگی، دو نشانه مشخص فقر است که معمولاً با هم آورده می شوند). به هر حال در این دو آیه به

ص: ۱۷۹

چهار نیاز اصلی و ابتدایی انسان یعنی نیاز به غذا و آب و لباس و مسکن (پوشش در مقابل آفتاب) اشاره شده است، تأمین این نیازمندی‌ها در بهشت به خاطر وفور نعمت بوده است و در واقع ذکر این امور توضیحی است برای آن چه در جمله «فَتَشْقَى» (به زحمت خواهی افتاد) آمده است.

... وَ تَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَ رَبَّتْ وَ أَنْبَتَتْ مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ: ... (از سوی دیگر) زمین را (در فصل زمستان) خشک و مرده می‌بینی اما هنگامی که باران را بر آن فرو می‌فرستیم، به حرکت درمی‌آید و نمو می‌کند و انواع گیاهان زیبا را می‌رویاند. (۱)

وَ أَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَسْكَنَّا فِي الْأَرْضِ وَإِنَّا عَلَى ذَهَابٍ بِهِ لِقَادِرُونَ: و از

ص: ۱۸۰

آسمان آبی به اندازه معین نازل کردیم و آن را در زمین (در مخازن مخصوصی) ساکن نمودیم و ما بر از بین بردن آن کاملاً قادریم. (۱)

نه آن قدر زیاد که زمین ها را در خود غرق کند و نه آن قدر کم که تشنه کامان در جهان گیاهان و حیوانات سیراب نگردند. آری از «آسمان» که بگذریم و به «زمین» بپردازیم، یکی از مهم ترین مواهب الهی آبی است که مایه حیات همه موجودات زنده است. سپس به مسأله مهم تری در همین رابطه که مسأله ذخیره آب ها در منابع زیرزمینی است، پرداخته و می گوید:

«فَأَنْشَأْنَا فِي الْأَرْضِ وَإِنَّا عَلَىٰ ذَهَابٍ بِهَا لَقَادِرُونَ». می دانیم قشر روئین زمین، از دو طبقه کاملاً مختلف تشکیل یافته است؛ طبقه نفوذپذیر و طبقه نفوذناپذیر. اگر تمام قشر زمین، نفوذپذیر بود،

ص: ۱۸۱

آب های باران فوراً در اعماق زمین فرو می رفتند و بعد از یک باران ممتد و طولانی همه جا خشک می شد و قطره ای آب پیدا نبود. و اگر تمام قشر زمین، طبقه نفوذناپذیر همچون گِل رس بود، تمام آب های باران در سطح زمین می ماندند، آلوده و متعفن می شدند و عرصه زمین را بر انسان تنگ می کردند و این آبی که مایه حیات است، مایه مرگ انسان می شد. ولی خداوند بزرگ و منیان قشر بالا را نفوذپذیر و قشر زیرین را نفوذناپذیر قرار داده تا آب ها در زمین فرو روند و در منطقه نفوذناپذیر مهار شوند و ذخیره گردند و بعداً از طریق چشمه ها، چاه ها و قنات ها مورد استفاده واقع شوند بی آن که بگنند و تولید مزاحمت کنند یا آلودگی پیدا کنند. این آب گوارایی را که ما امروز از چاه عمیق بیرون می کشیم و با نوشیدن آن، جان تازه ای پیدا می کنیم، ممکن است از قطرات بارانی باشد که هزاران سال قبل از ابرها نازل شده و در اعماق زمین برای امروز ذخیره

گشته است، بی آن که فاسد شود. به هر حال کسی که انسان را برای زندگی آفرید و مهم ترین مایه حیات او را آب قرار داد، منابع بسیار مهمی برای ذخیره این ماده حیاتی قبل از او آفریده و آب ها را در آن ذخیره کرده است.

وَ هُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَ صِهْرًا وَ كَانَ رَبُّكَ قَدِيرًا: او کسی است که از آب انسانی را آفرید او را نسب و نسبت قرار داد (و نسل او را از این دو طریق گسترش داد) و پروردگار تو همواره قادر است (۱).

منظور از «ماء» آب نطفه است که همه انسان ها به قدرت پروردگار توسط آن به وجود می آیند و با آمیزش نطفه مرد «اسپرم» که در آب شناور است با «اوول» نطفه زن، نخستین جوانه حیات انسان یعنی اولین سلول زنده آدمی

ص: ۱۸۳

به وجود می آید. از این گذشته بدون شک بیشترین قسمت وجود انسان را آب تشکیل می دهد به طوری که می توان گفت ماده اصلی وجود هر انسانی آب است و به همین دلیل مقاومت انسان در برابر کمبود آب بسیار کم است، در حالی که انسان در برابر کمبود مواد غذایی می تواند روزها و هفته ها مقاومت کند.

وَ الَّذِي نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَنْشَرْنَا بِهِ بَلْدَةً مَّيْتًا كَذَلِكَ تُخْرَجُونَ: و آن کسی که از آسمان آبی فرستاد به مقدار معین و به وسیله آن سرزمین مرده را حیات بخشیدیم و همین گونه در قیامت زنده می شوید. (۱)

تعبیر به «قَدَر» اشاره لطیفی است به نظام خاصی که بر نزول باران حکمفرما است، به اندازه ای می بارد که مفید و ثمربخش است و زیانبار نیست. درست

ص: ۱۸۴

است که گاهی سیلاب ها به راه می افتد و زمین هایی را ویران می کند، اما این از حالات استثنایی است و جنبه هشدار دارد، ولی اکثریت قریب به اتفاق باران ها سودمند و مفید است، اصولاً پرورش تمام درختان و گیاهان و گل ها و مزارع پرثمر از برکت همین نزول به اندازه باران است و اگر نزول باران، نظامی نداشت، این همه برکات عاید نمی شد. در قسمت دوم آیه روی جمله «أَنْشُرْنَا» که از ماده «نشور» به معنی گستردن است، تکیه شده که "رستاخیز جهان نباتات" را مجسم می سازد: زمین های خشکیده که بذره‌های گیاهان را همچون اجساد مردگان در قبرها در دل خود پنهان داشته با نفخه صور «نزول باران» به حرکت درمی آیند، تکانی می خورند و مردگان گیاه سر از خاک برمی دارند و محشری برپا می شود که خود نمونه ای از رستاخیز انسان ها است که در آخر همین آیه و در آیات متعدد دیگری از قرآن مجید به آن اشاره شده است.

أَفَرَأَيْتُمُ الْمَاءَ الَّذِي تَشْرَبُونَ: آیا به آبی که می نوشید، اندیشیده اید؟(۱)

أَأَنْتُمْ أَنْزَلْتُمُوهُ مِنَ الْمُزْنِ أَمْ نَحْنُ الْمُنزِلُونَ: آیا شما آن را از ابر نازل می کنید یا ما نازل می کنیم؟(۲)

این آب و آتش از کیست؟

این آیات وجدان انسان ها را در برابر یک سلسله سؤال ها قرار می دهد و از آن ها اقرار می گیرد و در واقع می گوید: آیا درباره این آبی که مایه حیات شما است و پیوسته آن را می نوشید، فکر کرده اید؟

چه کسی به آفتاب فرمان می دهد بر صفحه اقیانوس ها بتابد و از میان آب های شور و تلخ تنها ذرات آب خالص و شیرین و پاک از هر گونه آلودگی را

ص: ۱۸۶

۱- ۶۸ / واقعه.

۲- ۶۹ / واقعه.

جدا ساخته و به صورت بخار به آسمان بفرستد؟ چه کسی به این بخارات دستور می دهد دست به دست هم دهند و فشرده شوند و قطعات ابرهای باران را تشکیل دهند؟ چه کسی دستور حرکت به بادها و جا به جا کردن قطعات ابرها و فرستادن آن ها را بر فراز زمین های خشک و مرده می دهد؟ چه کسی به طبقات بالای هوا این خاصیت را بخشیده که به هنگام سرد شدن، توانایی جذب بخار را از دست دهد و در نتیجه بخارات موجود به صورت قطرات باران، نرم و ملایم، آهسته و پی در پی بر زمین ها فرود آیند؟

لَوْ نَشَاءُ جَعَلْنَاهُ أَجَاجًا فَلَوْلَا تَشْكُرُونَ: هر گاه بخواهیم این آب گوارا را تلخ و شور قرار می دهیم، پس چرا شکر نمی کنید؟ (۱)

ص: ۱۸۷

به آبهایی که به خاطر شوری یا تلخی و حرارت، دهان را می سوزانند، اُجاج می گویند. آری اگر خدا می خواست، به املاح محلول در آب نیز اجازه می داد که همراه ذرات آب تبخیر شوند و دوش به دوش آن ها به آسمان صعود کنند و ابرهایی شور و تلخ تشکیل داده، قطره های بارانی درست همانند آب دریا شور و تلخ فرو ریزند، اما او به قدرت کامله اش این اجازه را به املاح نداد، نه تنها املاح در آب، بلکه میکروب های موذی و مضر و مزاحم نیز اجازه ندارند همراه بخارات آب به آسمان صعود کرده و دانه های باران را آلوده سازند، به همین دلیل قطرات باران هرگاه هوا آلوده نباشد، خالص ترین، پاک ترین و گواراترین آب ها است.

وَ أَنْزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجًا: و از ابرهای باران را آبی فراوان نازل کردیم. (۱)

ص: ۱۸۸

به گفته بعضی از دانشمندان، هنگام تراکم، سیستمی بر ابرها حاکم می شود که خود را می فشارد و در نتیجه باران از آن فرو می بارد و این تعبیر در حقیقت از معجزات علمی قرآن مجید محسوب می شود (به کتاب باد و باران صفحه ۱۲۶ مراجعه شود). «ثَّجَّاجٌ» از ماده «ثَجَجَ» (بر وزن حَجَج) به معنی «فرو ریختن آب به صورت پی در پی و فراوان» است و با توجه به این که «ثَّجَّاجٌ»، صیغه مبالغه است، کثرت و فزونی بیشتری را بیان می کند و در مجموع معنی آیه چنین می شود که ما از ابرهای باران زا آبی فراوان و پی در پی فرو فرستادیم. نزول باران به خودی خود مایه خیر و برکت است، هوا را لطیف می کند، آلودگی ها را می شوید، کثافات را با خود می برد، گرمای هوا را فرو می نشاند و حتی سرما را تعدیل می کند، از عوامل بیماری می کاهد و به انسان روح و نشاط می دهد. أَرْسَلْنَا الرِّيحَ لَوَاقِحَ فَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَسْقَيْنَاكُمُوهُ وَمَا أَنْتُمْ لَهُ بِخَازِنِينَ:

و ما بادها را برای تلقیح (ابرها و به هم پیوستن و بارور ساختن آن‌ها) فرستادیم و از آسمان آبی نازل کردیم با آن همه شما را سیراب ساختیم، درحالی که شما توانایی حفظ و نگهداری آن را نداشتید(۱).

نقش باد و باران

تعبیر فوق از زیباترین تعبیراتی است که می‌توان در مورد ابرها و تولد باران از آن‌ها بیان کرد. ابرها را به مادران و پدرانی تشبیه کرده که به کمک بادها آمیزش می‌کنند و باردار می‌شوند و فرزندان خود، دانه‌های باران، را به زمین می‌نهند. جمله:

«ما أَنْتُمْ لَهُ بِخَازِنِينَ» (شما توانایی حفظ و ذخیره کردن این آب‌ها را ندارید) ممکن است اشاره به ذخیره کردن آب باران قبل از نزولش باشد، یعنی

ص: ۱۹۰

شما نمی توانید این ابرها را که منابع اصلی باران هستند در اختیار بگیرید و نیز ممکن است اشاره به ذخیره کردن باران بعد از نزولش باشد، یعنی شما نمی توانید حتی بعد از نزول باران آن را به مقدار زیاد گردآوری و حفظ کنید، این خدا است که از طریق منجمد ساختن آن ها در قله کوه ها به صورت برف و یخ و یا فرستادن آن ها به اعماق زمین که بعدا به صورت چشمه ها و کاریزها و چاه ها ظاهر می شوند، آن ها را گردآوری و ذخیره می کند.

وَ أَنْ لَوْ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا: و اگر آن ها (جن و انس) بر طریقه (ایمان) استقامت ورزند، ما آن ها را با آب فراوان سیراب می کنیم. (۱)

باران رحمت خود را بر آن ها فرو می باریم و منابع و چشمه های آب حیاتبخش

ص: ۱۹۱

۱- ۱۶ / جن.

را در اختیارشان می گذاریم و آن جا که آب فراوان است، همه چیز فراوان است و به این ترتیب آن ها را مشمول انواع نعمت ها قرار می دهیم. قابل توجه این که طبق این بیان، آن چه مایه وفور نعمت می شود، استقامت بر ایمان است نه اصل ایمان، زیرا ایمان موقت و زودگذر نمی تواند چنین برکاتی از خود نشان دهد، مهم استقامت بر ایمان و تقوا است.

وَ هُوَ الَّذِي مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ هَذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ وَ هَذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ وَ جَعَلَ بَيْنَهُمَا بَرْزَخاً وَ حِجْراً مَحْجُوراً: و او کسی است که دو دریا را در کنار هم قرار داد یکی گوارا و شیرین و دیگری شور و تلخ و در میان آن ها برزخی قرار داد تا باهم مخلوط نشوند (گویی هر یک به دیگری می گوید) دور باش و نزدیک [نیا\(۱\)](#)

ص: ۱۹۲

منظور از این دو دریا چیست؟

رودخانه های عظیم، آب شیرین هنگامی که به دریاها و اقیانوس ها می ریزند، معمولاً دریایی از آب شیرین در کنار ساحل تشکیل می دهند و آب شور را به عقب می رانند و عجیب این که تا مدت زیادی این دو آب شیرین و شور، به خاطر تفاوت درجه غلظت به هم آمیخته نمی شوند. در مسافرت با هواپیما به مناطقی که این رودخانه ها به دریا می ریزند، منظره دریاهاى آب شیرین و شور که در کنار هم قرار دارند و از هم جدا هستند، به خوبی از بالا نمایان است و هنگامی که کنار این آب ها به یکدیگر مخلوط شوند، آب های شیرین تازه، جای آن ها را می گیرند، به طوری که این دو دریای جدا از هم، دائماً جلب توجه می کند. جالب این که به هنگام مد دریا که سطح اقیانوس بالا می آید، آب های شیرین به عقب رانده می شود و بی آن که با آب شور مخلوط گردند (مگر در مواقع خشکسالی و

کم آبی) و قسمت زیادی از خشکی را می پوشانند، لذا ساحل نشینان در این مناطق با مهار کردن این آب های شیرین، نهرهای زیادی در منطقه ساحلی به وجود می آورند که به وسیله آن زمین های فراوانی مشروب می شود. این نهرها که از برکت جزر و مد ساحلی و تأثیر آن در آب این نهرها به وجود می آید، در شبانه روز دوبار از آب شیرین پر و خالی می شود و وسیله بسیار مؤثری برای آبیاری مناطق وسیعی هستند.

گلف استریم و رودهای عظیم دریایی

در سراسر اقیانوس های جهان، رودهای عظیمی در حرکت است که یکی از نیرومندترین آن ها «گلف استریم» نام دارد. این رود عظیم از سواحل آمریکای مرکزی حرکت می کند و سراسر اقیانوس اطلس را می پیماید و به سواحل اروپای شمالی می رسد. این آب ها که از مناطق نزدیک به خط استوا حرکت می کنند، گرم

ص: ۱۹۴

هستند و حتی رنگ آن ها گاه با رنگ آب های مجاور متفاوت است و عجیب این که عرض این رود عظیم دریایی (گلف استریم) در حدود ۱۵۰ کیلومتر و عمق آن چندصد متر می باشد. سرعت آن در بعضی از مناطق به قدری است که در یک روز ۱۶۰ کیلومتر راه را طی می کند. تفاوت درجه حرارت این آب ها با آب های مجاور، در حدود ۱۰ تا ۱۵ درجه است و لذا حاشیه غربی آن را دیوار سرد می نامند. «گلف استریم» بادهای گرمی به وجود می آورد و مقدار قابل توجهی از حرارتش را به طرف کشورهای شمالی قاره اروپا می برد و هوای آن کشورها را بسیار مطبوع می کند و شاید اگر این جریان نبود، زندگی در آن کشورها بسیار سخت و طاقت فرسا بود. «گلف استریم» یکی از این رودها است و در آب های پنج قاره جهان نظیر این جریان دریایی فراوان است. و عامل اصلی آن

تفاوت حرارت منطقه استوائی زمین و مناطق قطبی است که این حرکت را در آب دریاها به وجود می آورد. این موضوع را با یک تجربه ساده می توان دریافت؛ اگر ظرف بزرگ آبی داشته باشیم، در یک طرف آن قطعه یخی قرار دهیم و در طرف دیگر قطعه آهن داغی و روی سطح آب کمی گاه بریزیم، می بینیم جریانی در سطح این آب پیدا می شود و آب ها آهسته از آن منطقه گرم به سوی منطقه سرد حرکت می کنند، عین این ماجرا در کل دریاهاى جهان روی می دهد و سرچشمه پیدایش این رودهای دریایی است. عجیب این که این رودهای عظیم دریایی با آبهای اطراف خود کمتر آمیخته می شوند و هزاران کیلومتر راه را به همان صورت می پیمایند و مصداق «مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ. بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ: دو دریای مختلف را در کنار هم قرار داد، در حالی که با هم تماس دارند. اما در میان

آن دو برزخی است که یکی بر دیگری غلبه نمی کند» (۱)، را به وجود می آورند. و از آن جالب تر این که در محل برخورد این آب های گرم با آب های سرد مجاور، پدیده ای رخ می دهد که برای انسان بسیار پر سود است، زیرا در محل تقاطع این آب های گرم و سرد یک نوع حالت بی حسی یا مرگ دست جمعی برای حیوانات ذره بینی که در میان آب معلق هستند، به وجود می آید و از این راه ماده غذایی فراوان و بی حساب جمع می شود که سبب جلب دسته های بزرگ ماهیان می گردد و به این ترتیب این منطقه یکی از بهترین مناطق صید ماهی در کره زمین است. لذا یک تفسیر برای آیات فوق، همین است و منافاتی با سایر تفسیرها ندارد و جمع میان همگی ممکن است.

ص: ۱۹۷

از كُضْ بِرِجْلِكَ هَذَا مُعْتَسِلٌ بَارِدٌ وَ شَرَابٌ: (به او گفتیم:) پای خود را بر زمین بکوب، این، چشمه آبی خنک برای شستشو و نوشیدن است. (۱)

همان خداوندی که چشمه زمزم را در آن بیابان خشک و سوزان از زیر پاشنه پای اسماعیل شیرخوار بیرون آورد و همان خداوندی که هر حرکت و هر سکونی، هر نعمت و هر موهبتی، از ناحیه او است، این فرمان را نیز در مورد ایوب صادر کرد، چشمه آب جوشیدن گرفت، چشمه ای خنک و گوارا و شفابخش از بیماری های «برون» و «درون». بعضی معتقدند این چشمه دارای

ص: ۱۹۸

۱- ۴۲ / ص.

یک نوع آب معدنی بوده که هم برای نوشیدن، گوارا بوده و هم اثرات شفابخش از نظر بیماری‌ها داشته، هرچه بود، لطف و رحمت الهی بود درباره پیامبری صابر و شکیبا. واژه «مُعْتَسَل» به معنی آبی است که با آن شستشو می‌کنند. توصیف آن آب به خنک بودن، شاید اشاره‌ای باشد به تأثیر مخصوص شستشو با آب سرد برای بهبود و سلامت تن، همان‌گونه که در طب امروز نیز ثابت شده است. و نیز اشاره لطیفی است بر این که کمال آب، شستشو در آن است که از نظر پاکی و نظافت همچون آب نوشیدنی باشد. شاهد این سخن این که در دستورهای اسلامی نیز آمده؛ «قبل از آن که با آبی غسل کنید، جرعه‌ای از آن بنوشید».

(۱)

الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْمَرْصَصَ فِرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ.

همان [خدایی] که زمین را برای شما [به سان] فرشی [گسترده] و آسمان را بنایی [برافراشته] پدید آورد و از آسمان، آبی نازل کرد و با آن از میوه‌ها [ی گوناگون] رزقی برای شما بیرون آورد؛ پس، برای او همتیانی قرار ندهید، در حالیکه خودتان می‌دانید [که او همتایی ندارد]. (۲)

ص: ۲۰۰

۱- مطالب این فصل تا صفحه ۲۰۸ از تفسیر بیان (خلاصه تفسیر مجمع البیان آیه الله طبرسی) تألیف آقای دکتر محمد بیستونی استخراج شده است.

۲- ۲۲ / بقره.

وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ نَبَاتَ كُلِّ شَيْءٍ فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ خَضِرًا نُخْرِجُ مِنْهُ حَبًّا مُتَرَاكِبًا وَمِنَ النَّخْلِ مِنْ طَلْعِهَا قِنْوَانٌ دَانِيَةٌ وَجَنَّاتٍ مِنْ أَعْنَابٍ وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَّانَ مُشْتَبِهًا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ انظُرُوا إِلَى ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَيَنْعِهِ إِنَّ فِي ذَلِكُمْ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ. (۱)

او کسی است که از آسمان آبی نازل کرد و به وسیله آن گیاهان گوناگون رویانیدیم، از آن ساقه ها و شاخه های سبز خارج ساختیم و از آن ها دانه های متراکم و از شکوفه نخل خوشه ها با رشته های باریک بیرون فرستادیم و باغ ها از انواع انگور و زیتون و انار

ص: ۲۰۱

۱ - ۹۹ / انعام.

شبهه به یکدیگر و بی شباهت هنگامی که میوه می کند به میوه آن و طرز رسیدنش بنگرید که در آن نشانه هایی برای افراد با ایمان است.

وَ هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَ كَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا: و او آن کسی است که آسمان و زمین را در شش روز [و شش مرحله] آفرید و عرش او بر آب بود. (۱)

این فراز نشانگر آن است که دو پدیده «عرش» و «آب» پیش از آغاز آفرینش آسمانها و زمین پدید آمده اند و آبی که اینک در دریاها و اقیانوسها و جویبارها و

ص: ۲۰۲

۱- ۷ / هود.

چشمه سارها روان است، در بستر و قرارگاه دیگری بوده و خدا به قدرت بی کران خود، آن را در آن جایگاه نگاه می داشته و این بزرگترین درس خدا شناسی و عبرت آموزی برای همه خدا جویان و انکار گران آفریدگار توانای هستی است. تا خردمندان بدانند و دریابند که طرح عظیم و بهت آور آسمانها و زمین بر روی آب، شگفت انگیزتر و شنیدنی تر است.

ذخایر آب

وَ أَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَسْكَنَّا فِي الْأَرْضِ وَإِنَّا عَلَى ذَهَابٍ بِه لِقَادِرُونَ: و از آسمان، آبی به اندازه ای [مناسب] فرود آوردیم؛ آنگاه آن [آب] را در زمین جای دادیم و بی گمان ما برای [از میان] بردن آن توانا هستیم. (۱)

ص: ۲۰۳

و ما از آسمان، آبی به اندازه مناسب و مقرر فرو فرستادیم؛ نه آنقدر زیاد که زمینها را غرق و تباہ سازد و نه کم و ناچیز که زندگی گیاه و حیوان و انسان به خطر افتد. آنگاه این آب را در دل زمین و یا روی آن در منابع و مخازن گوناگونی گرد آوردیم و زمین را جایگاه آب ساختیم تا بتدریج مورد بهره برداری قرار گیرد.

به باور پاره ای، منظور این است که ما آب را در جویبارها و نهرها و چاهها قرار دادیم تا مردم در تابستان که دیگر فصل بارندگی نیست از آن استفاده کنند.

امّا به باور پاره ای دیگر، منظور این است که ما آب را در چشمه سارها جاری ساختیم. «ابن عباس» از پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله آورده است که فرمود: خدا پنج نهر پر آب از بهشت روان ساخت: رودخانه «سیحون» که در «هند» است و رود «جیحون» که در «بلخ» است و رودخانه «دجله» و «فرات» که هر دو در خاک «عراق» می باشند و «نیل» که در «مصر» است، آری خدا اینها را از یک چشمه

جوشان فرو فرستاد و در زمین جاری ساخت و در آنها سودهای سرشاری برای مردم جهان قرار داد که در این مورد می فرماید: و ما از آسمان، آبی به اندازه مناسب و مقرر فرو فرستادیم. و بی گمان ما می توانیم این آبهایی که در مخازن و منابع گوناگون زمین ذخیره می سازیم، نابود سازیم و از میان ببریم؛ و آنگاه همه جانداران از فشار بی آبی و تشنگی هلاک کردند. و بدین سان در این آیه شریفه آفریدگار هستی پرتوی از عظمت نعمتِ گران آب را که هر سال باندازه مقرر و مناسب از آسمان فرو می فرستد ترسیم می کند.

أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَهُ بِقَدَرِهَا فَاحْتَمَلَ السَّيْلُ زَبَدًا رَابِيًا وَمِمَّا يُوقِدُونَ عَلَيْهِ فِي النَّارِ ابْتِغَاءَ حُلِيِّهِ أَوْ مَتَاعٍ زَبَدٌ مِثْلَهُ
كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ:
[همان خدایی که] آبی از آسمان [به صورت باران] فرود آورد، آنگاه رودخانه هایی به

اندازه کشش خود روان شدند. از پی آن، سیلاب کفی برآمده بر روی خود برداشت و از آنچه برای به دست آوردن زیور یا کالایی در [شعله های] آتش می گدازند [نیز] کفی بسان آن [برمی آید]. خدا حق و باطل را این گونه مثل می زند، اما کف از میان می رود و آنچه به مردم سود می رساند در زمین می ماند. خدا این گونه مثل می زند. (۱)

حق و باطل در قالب دو مثال زیبا و روشنگر

اینک برای نمایش حق و باطل و جداسازی آن دو از هم قرآن شریف، به ترسیم دو مثال جالب و زیبا می پردازد:

۱ در مثال روشنگر نخست، حق را به آبِ ماندگار و زندگی سازی تشبیه

ص: ۲۰۶

۱- ۱۷ / رعد.

می کند که باطل و ناحق، بسان کفی بی مایه و رفتنی چهره زیبا و دوست داشتنی آن را می پوشاند. خدا آبی از آسمان به صورت باران فرود آورده و رودخانه ها و نهرها، هر کدام به اندازه ظرفیت و کشش خود روان شدند.

به باور گروهی، از جمله «حَسَن»، «جُبَّائِي» و «قَتَادَه» منظور این است که رودخانه های کوچک، آبی کمتر در خود روان می سازند و رودخانه های بزرگ با توان و کشش بیشتری که دارند، آب بیشتری در خود حرکت می دهند و در نتیجه هر رودخانه ای به اندازه گنجایش خود از آن آب به حرکت در می آورد.

اما به باور «زَجَّاج» منظور این است که هر یک از رودخانه ها به اندازه آبی که برای آنها مقدر گردیده است جریان می یابند. پس از پدید آمدن سیلاب از آن رودخانه ها و نهرها، کف ها بر روی آب بالا می آید و کف بی فایده و بی خاصیت و رفتنی، برای مدتی چهره آب را می پوشاند.

و بدین سان قرآن، حق و اسلام را به آب زندگی ساز و سودبخش تشبیه می کند و باطل و بیداد را به کف زوال پذیر و بی فایده و بی ثمر.

«ابن عباس» می گوید: منظور از این مثال زیبا این است که قرآن شریف بسان همان باران رحمت خداست که از سوی او فرود می آید و دل های مردم نیز بسان همان جویبارها و رودخانه هائیند که هر کدام به اندازه ظرفیت خود از مفاهیم آن بهره ور می گردند. با این بیان حق جویان و حق طلبان و درست اندیشان به اندازه کشش خود از آن برخوردار و از هدایت آن بهره ور می گردند و باطل گرایان و بازیگران نیز به اندازه گنجایش شخصیت خود و بدین صورت حق جویی و یقین، به آب تشبیه شده است و بدانندیشی و تردید به کف روی آب، که آن یکی ماندگار و سودبخش و زندگی ساز است و این یکی بی فایده و رفتنی.

ص: ۲۰۸

تفسیر جوان (برگرفته از تفسیر نمونه آیه الله مکارم شیرازی)، محمد بیستونی،

انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول، جلد‌های ۱ تا ۲۷.

تفسیر بیان (برگرفته از تفسیر مجمع البیان آیه الله طبرسی)، محمد بیستونی،

انتشارات فراهانی، چاپ اول، جلد‌های ۱ تا ۳۰.

نگرشی بر منابع طبیعی از دیدگاه ارزش اسلام، تحقیق و تدوین: غلامرضا

اکبری خرم آبادی، انتشارات: تهران، وزارت جهاد سازندگی، ۱۳۷۴، وزیری.

انسان و آب در ایران، پژوهش مردم شناختی، تألیف محمد میر شکرایی،

انتشارات: مؤسسه ملی گنجینه آب ایران، سال ۱۳۸۰، قطع وزیری.

آب و آب شناسی در ادب پارسی: پژوهش نادر کریمیان سردشتی، گنجینه

ملی آب ایران، سال ۱۳۸۴، قطع وزیری.

دانشنامه آب و آب شناسی در قرآن کریم، تألیف نادر کریمیان سردشتی،

انتشارات: گنجینه ملی آب ایران، ۱۳۸۳، قطع وزیری.

دانشنامه آب و آب شناسی در فقه و روایات اسلامی، پژوهش نادر

کریمیان سردشتی، مؤسسه گنجینه ملی آب ایران، ۱۳۸۳، قطع وزیری.

آب و کوه در اساطیر هند و ایرانی، امان الله قرشی، انتشارات هرمس،

۱۳۸۰، قطع وزیری.

جشن های آب، پژوهش: هاشم رضی، تهران، انتشارات بهجت، ۱۳۸۳،

سازمان پژوهش های ایران شناسی، قطع وزیری.

دانشنامه مشاهیر فنون آب و آبیاری و سازه های آبی (جلد اول)،

نادر کریمیان سردشتی، قطع وزیری.

نقش آب در فعالیت های ورزشی، دکتر مجید کاشف (مقاله از مجله زیور

ورزش، سال چهارم، مهر ۷۹.

آب در کشورهای آسیا اقیانوسیه، مترجم ژاله موسوی، مرکز انتشارات

مشترک آسیا، اقیانوسیه ACD، ناشر: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، سال ۷۸، قطع رحلی.

آب، نوشته سید حمید علم الهدی، نشر هویزه، سال ۱۳۸۳، چاپخانه فاضل

قم، قطع وزیری.

آب، نوشته تری جینگز، ترجمه احمد خواجه نصیر طوسی، انتشارات

فاطمی، بهار ۱۳۷۴، قطع رحلی.

مجله فرهنگ مردم، سال اول، شماره ۳ و ۴، ۱۳۸۴، با تشکر از مؤسسه

گنجینه آب ایران، آقای مهندس کریمی و خانم شهناز و مهندس ناصری.

ص: ۲۱۱

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

